



برجام
نقض شده است

اندیشه‌پردازان

سال اول ۲۱ مرداد ۹۶ • صفحه ۱۶ • ۵۰۰ تومان



دیدار
کارگزاران حج با
رهبر معظم انقلاب

سهام ایران از اقتصاد بین الملل چقدر است؟



تیم اقتصادی دولت دوازدهم باید باور داشته باشد که اقتصاد ملی ما آسیب پذیر است و دولت دوازدهم مسیری سختی پیش رو دارد...

حمایت ایران برای مقابله با داعش و تحولات منطقه

سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم چهلمین روز شهادت سردار شعیان نصیری، سخنان بسیار مهمی درباره تحولات منطقه به خصوص عراق و سوریه، بیان کرد. حشد الشعبی، کمک‌ها و حمایت‌های ایران، نقش آیت‌الله سیستانی در تحولات عراق، وضعیت داعش در منطقه و... مهمترین محورها و بخش‌های سخنان فرمانده نیروی قدس سپاه بود.

نفوذ به کشورها با شعارهای زیبا

پس از بیانات رهبر انقلاب در دیدار با معلمان پیرامون سند آموزشی ۲۰۳۰، سرانجام اجرای این سند آموزشی در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی لغو شد. اما این سند، تنها بخشی از یک برنامه جامع و فراگیر بوده است. همان‌طور که رهبر انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه نیز به آن اشاره کرده و فرمودند: «این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل سند توسعه‌ی پایدار است که یک بخش آن همین سند ۲۰۳۰ مربوط به آموزش و پرورش است.

تأملی بر استدلال استعاری آتش به اختیار

مفهوم استعاری «آتش به اختیار» که در طول عمر نزدیک به بیست روزه‌ی خود بحث‌ها و گفت‌وگوهای فراوانی را دامن زده، با استدلال جدید رهبر انقلاب در دومین خطبه‌ی نماز عید فطر وارد مرحله‌ای تازه شده است. ما اکنون با مضمونی مواجهیم که پس از طرح و تکوین اصل ایده، با بیان تمهاتی در باب چه هستی و چه نیستی، بیش از گذشته تکمیل و تأیید شده است. اگر چه «آتش به اختیار» استدلالی استعاری و بسا عمری کمتر از یک ماه است اما به معنایی دلالت می‌دهد که در نظریه‌ی رهبر انقلاب پیرامون تغییر و انقلاب اجتماعی، اهمیتی و تاوومی پیوسته دارد.



مجلس تنفیذ، نماد مردم سالاری است

رهبر معظم انقلاب: یکی از موارد اهمیت این مراسم، آغاز دوره مدیریتی جدید در کشور است که امید می‌رود رئیس‌جمهور محترم و مسئولان همراه ایشان در دوره جدید، با ابتکارها و توانمندی‌های بیش از گذشته، مطالبات مردم را برآورده و آنان را خرسند کنند.

سرمقاله

مسئولیت سنگین و حساس در انتظار کابینه جدید برای حل مشکلات مردم

گزارش

بایسته‌های تشکیل کابینه دوازدهم

انتخابات ریاست جمهوری یکی از مهم‌ترین انتخابات‌ها در جمهوری اسلامی است که زمام قوه مجریه کشور را برای چهار سال در اختیار یک فرد قرار می‌دهد. روند رسمی هر انتخابات ریاست جمهوری از ثبت‌نام کاندیداها شروع و با تشکیل کابینه پایان می‌یابد.

سرخ‌خبر

اصل نانوشته در جنگ اقتصادی

ظرفیت‌های درونی اقتصاد ایران نیز توانایی فرصت برای دفاع مقدس اقتصادی را بیش از پیش فراهم می‌سازد. ایران با ۹.۱ درصد منابع نفتی جهان، دومین دارنده منابع نفتی در جهان بعد از عربستان سعودی، و دارنده دوم مخازن گازی در جهان به حساب می‌آید و ...

اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست!

القای تفکر اقتصاد مقاومتی یک تدبیر هوشمندانه است که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است تا مردم و مسوولین به طور جدی به این مسأله توجه کنند.

وقت آن است صریح‌تر باشیم

متخصصان اقتصاد آزاد معتقدند در دوران جهانی شده امروز جز با رقابتی کردن اقتصاد دستیابی به رشد بالاتر امکان پذیر نیست.

از مردم‌سالاری تا ژن سالاری

این از ترازوی‌های دموکراسی است که گاهی جای خیلی از چیزها را با همدیگر عوض کرده و نمود عینی‌ای وارونه از برداشت‌های ذهنی نسبت به خود را نشان داده است.

تیتیر هفته

جایگاه تنفیذ در نظام مردم‌سالاری دینی

حلقه مکمل در تثبیت رأی مردم

در تاریخ انقلاب اسلامی، دوازده تنفیذ صورت گرفته که چهار بار آن توسط اسام خمینی رحمة‌الله‌علیه و هشت بار دیگر آن توسط رهبر انقلاب انجام بوده است. سؤالی که ممکن است درباره‌ی تنفیذ مطرح شود این است که آیا تنفیذ، صرفاً یک مراسم رسمی و ظاهری است یا از یک فلسفه و ضرورت اندیشه‌ای و مبنایی برخاسته است؟ در این باره، گروهی معتقدند تنفیذ صرفاً به دلیل احترام به جایگاه ولی‌فقیه و تأکید قانون اساسی بر آن است که برگزار می‌شود. به عقیده‌ی اینان، همان رأیی که مردم به شخص منتخب داده‌اند کفایت کرده و رئیس‌جمهور با همین رأی می‌تواند کار خود را آغاز کند. گروهی دیگر نیز معتقدند که تنفیذ مظهر «اسلامیت» نظام جمهوری اسلامی است و بنابراین به همین علت، تنفیذ مراسمی تشریفاتی نیست. از این منظر، برگزاری انتخابات، جلوه‌ی «جمهوریت» نظام و تنفیذ ولی‌فقیه، مظهر «اسلامیت» آن است. بنابراین هر دو این‌ها در کنار هم باید باشند.

سؤالی که در این میان ممکن است پیش آید این است که آیا حکم تنفیذ، جزو «تکالیف» رهبری به حساب می‌آید یا جزو «حقوق» او؟ برخی معتقدند ولی‌فقیه تکلیف دارد بر آنکه رأی مردم به فرد منتخب را تنفیذ کند و برخی نیز معتقدند که این موضوع جزو حقوق او است و بنابراین می‌توانند آن را انجام بدهند یا ندهند.

این دو نگاه، اگرچه ممکن است، وجوهی از حقیقت را در خود داشته باشند، اما دیدگاه کاملی نیست. اصلی‌ترین دلیل آن‌هم اینک است که رهبر انقلاب، اساساً دو مقوله‌ی جمهوریت و اسلامیت، در نظام مردم‌سالاری دینی جدای از هم نیستند. «مردم‌سالاری» ما از دل اسلام جوشید. بارها عرض شده است که این‌چنین نیست. وقتی ما می‌گوییم مردم‌سالاری دینی، این به معنای یک ترکیب انتظامی بین مردم‌سالاری با یک مفهومی است و دین با یک مفهوم دیگری؛ این نیست. مردم‌سالاری ما از دین سرچشمه گرفته است. اسلام این راه را به ما نشان داده است.

از نظر رهبر انقلاب، اصل انقلاب، مشارکت مردم در آن، هم مظهر جمهوریت نظام و هم اسلامیت آن است. به عبارت دیگر، اساساً این جمهوریت، برخاسته از متن اسلامیت است. بنابراین انتخابات بدان دلیل برگزار نمی‌شود که صرفاً گفته شود نظام سیاسی کشور، جمهوری است، بلکه رهبر انقلاب به آن دلیل بر آن تأکید می‌کنند و حتی یک روز هم، زمان مقرر آن را به تأخیر نمی‌اندازند چون که برخاسته از متن اندیشه‌ی اسلامی است. «افرادی گمان نکنند که امام بزرگوار ما، انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطی کرد با تفکر اسلامی و شریعت اسلامی؛ نه، اگر انتخابات و مردم‌سالاری و تکیه‌ی به آراء مردم، جزو دین نبوی و از شریعت اسلامی استفاده نمی‌شد، امام هیچ تکیه‌ی «جمهوریت» و تنفیذ نیز، هم جلوه‌ی اسلامیت و هم جمهوریت مردم‌سالاری دینی است. توضیح آنکه در چنین نظامی، برای تعیین رئیس‌جمهور، مراحل مختلفی مانند ثبت‌نام نامزدها، تأیید نامزدها توسط شورای نگهبان، شروع تبلیغات انتخاباتی، برگزاری انتخابات، اعلام نتیجه توسط وزارت کشور، تأیید صحت نتایج انتخابات توسط شورای نگهبان و نهایتاً تنفیذ رهبر انقلاب طی می‌شود. بنابراین در نظام مردم‌سالاری دینی، آخرین حلقه از حلقه‌های فرآیندی که برای انتخاب رئیس‌جمهور طراحی شده است با حکم تنفیذ ولی‌فقیه به کمال خود می‌رسد. مبتنی بر همین نگاه و در جواب به پرسش دوم نیز می‌توان چنین گفت که تنفیذ، هم تکلیف ولی‌فقیه، و هم حق او است. تنفیذ حق ولی‌فقیه است و به همین دلیل، همیشه شروطی برای تداوم حکم تنفیذ، توسط امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب در متن آن گنجانده شده است.

از سویی دیگر، تنفیذ، تکلیف ولی‌فقیه است. در حقیقت با تنفیذ رئیس‌جمهور، ولی‌فقیه رأی مردم را «تثبیت» می‌کند و اجازه‌ی تعرض به آن را به هیچ احدی نمی‌دهد. کمالاتی که در موسم برگزاری انتخابات نیز رهبر انقلاب صراحتاً اعلام کردند که در حین انتخابات، «فقط یک جا بنده دخالت می‌کنم و آن جایی است که کسانی بخواهند در مقابل رأی مردم و انتخاب مردم بایستند و با مزاحمت در مقابل رأی مردم، رأی مردم را بشکنند.»



یادداشت هفته

رئیس‌جمهور پاسخگو و دولتی قوی

نظام جمهوری اسلامی بر پایه مردم‌سالاری دینی بنا نهاده شده است و بر این اساس مردم یکی از دو رکن این نظام محسوب می‌شوند. جمهوری اسلامی در طول نزدیک به ۴۰ سال نشان داده است که به این رکن باوری واقعی دارد نه ظاهری.

حمایت رهبران انقلاب اسلامی از همه‌روسی‌های جمهوری و به ویژه دعوت رهبر انقلاب از غیرمعتدین به انقلاب برای شرکت در انتخابات و اعتمادی که آن‌ها به این دعوت پیدا کردند، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به مردم و رأی آن‌ها با هر سلیقه، پاسوری عمیق دارد امری که حتی در بسیاری از کشورهای به ظاهر دموکراتیک حقیقی نیست و تصویری رسانه ساخت دارد.

در طول این سال‌ها چه زمانی که اصل نظام به فراموشی گذاشته شد و چه در طول انتخابات‌های مختلف، رهبران جمهوری اسلامی نشان داده‌اند که وسوسه کارآمدی بیشتر آن‌ها را از «مردم‌باوری» دور کرده است. در این نگاه نظام مردم‌سالار جمهوری اسلامی، تأکید دارد که قوه مجریه طبق سازوکارهای مشخص (که اسلامیت نظام را تأمین می‌کند) باید توسط مردم انتخاب شود. انتخاب قوه مجریه توسط مردم در مقایسه با این حالت که فردی با بررسی‌های کارشناسی تر و دقیق‌تر بر سر این قوه منصوب شود، از احتمال ناکارآمدی بالاتری برخوردار است اما جمهوری اسلامی تأکید داشته است که زمام امور اجرایی کشور به دست خود مردم سپرده شود چرا که اولاً باور دارد در یک برآیند کلی هنگامی که مسیر درست طی شود، تشخیص مردم ایران به صلاح نزدیک تر است و ثانیاً ضروری است که رئیس‌جمهور خود را به مردم به عنوان ولی نعمتان نظام، پاسخگو بداند.

رد شایعه هماهنگی کابینه با رهبر انقلاب را نیز از همین دریچه باید دانست. درست است که مردم به دلیل این که کارآمدی دولت در حل مسائل و مشکلاتشان را طلب می‌کنند، علاقه دارند رئیس‌جمهور در انتخاب کابینه با رهبری انقلاب به طور کامل هماهنگ باشد اما مصلحت کلان مردم در این است که برای تقویت احساس پاسخگویی رئیس‌جمهور به مردم، این هماهنگی بیش از یک مشورت کارشناسی نباشد بجز در چند وزارتخانه‌ای که قانون اساسی از رهبری مطالبه مسئولیت کرده است و ضرورت مدیریت مناسب هماهنگی بیشتر را ایجاب می‌کند.

رایزنی‌ها برای تشکیل کابینه دوازدهم آخرین مراحل خود را سپری می‌کنند و آنچه در روزهای آینده تعیین کننده خواهد بود، اولاً سخنان مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ است که خطوط کلی حرکت دولت دوازدهم و انتظارات و تکالیف آن را ترسیم خواهند کرد و در مرحله بعد و پس از انجام تحلیف رئیس‌جمهور و معرفی کابینه، این مجلس نمایندگان ملت هستند که باید به تکلیف خود در تشکیل دولتی قوی و کارآمد عمل کنند. دولت دوازدهم حسب وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور و انتظارات عمومی، آنچه را باید وجهه همت خویش قرار دهد، احیای اقتصادی کشور و رفع معضلات و مشکلات معیشتی و اشتغال است که متأسفانه پس از انتخابات، با موج جدید گرانی‌ها نیز تشدید شده است.

برون‌رفت از این بحران، همانگونه که پیش از این هم بارها بر آن تأکید شده، وجود کابینه و دولت‌مداری کارآمده و کارآمد است که با انگیزه خدمت به مردم و حل مشکلات کشور قبول مسئولیت کنند. برخی جریان‌های سیاسی در تلاشند تا هر چه بیشتر از کابینه جدید سهم‌خواهی کنند و به نمایندگی از ۲۳ میلیون نفری که به رئیس‌جمهور منتخب رأی داده‌اند، با بازتفسیر آرای آن‌ها، رفتارهای دولت جدید را منطبق بر منویات خویش سازند. خبرهای پیدا و پنهان نشان‌دهنده به سرانجام رسیدن تقریبی ترکیب کابینه جدید و تغییرات عمده در بخش‌های مختلف آن از جمله وزارتخانه‌های اقتصادی است. توقع مردم، داشتن دولتی کارآمد و قوی است که بیش از آن که چشم‌امیدش به فلان جریان یا چهره سیاسی باشد، حل مشکلات فوری را در اولویت عمل و اقدام خویش قرار دهد. فصل انتخابات تمام شده و اکنون فرصت کار است.

رهبرانقلاب درمراسم تنفیذ حکم رئیس جمهور: من سه جهت گیری عمده را به مسئولان دولت توصیه میکنم: اول پرداختن به مشکلات مردم، مسائل داخلی و بویژه مسئله معیشت و اقتصاد است. جهت گیری دوم تعامل گسترده با دنیااست؛ این درست نقطه مقابل آن چیزاست که دشمنان ما دنبالش هستند. جهت گیری سوم اینکه در برابر هر سلطه طلبی با صلابت و قدرت ظاهرنبشود که امروز از همه متجاوز تر و وقیح تر، آمریکاست.

تغییرمسئولان دولت درهرامه‌هایتکلیفی

رهبر انقلاب اسلامی در این مراسم در سخنانی با تبریک ایام میلاد حضرت امام رضا(ع)، تقارن مراسم تنفیذ با ایام ولادت آن حضرت را مایه برکت خواندند و با اشاره به اهمیت بالای جلسه امروز، خاطرنشان کردند: یکی از موارد اهمیت این مراسم، آغاز دوره مدیریتی جدید در کشور است که امید می‌رود رئیس‌جمهور محترم و مسئولان همراه ایشان در دوره جدید، با ابتکار ها و توانمندی‌های بیش از گذشته، مطالبات مردم را برآورده و آنان را خرسند کنند.

ایشان، دومین جنبه اهمیت بسیار زیاد جلسه تنفیذ را، «نقش‌آفرینی مردم در انتخاب مدیران طراز اول کشور» برشمردند و افزودند: این مراسم تنفیذ، دوازدهمین مراسم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است که نشان‌دهنده تأثیرگذاری رأی و گزینش مردم است که این دستاورد بزرگ، به برکت انقلاب، محقق شده است.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تشکیل ده دوره مجلس شورای اسلامی، پنج دوره شورای اسلامی شهر و روستا و پنج دوره مجلس خبرگان، با رأی مردم از ابتدای انقلاب تاکنون گفتند: قبل از پیروزی انقلاب به‌واسطه وجود دیکتاتوری، مردم هیچ نقشی در تعیین مدیران کشور نداشتند اما به برکت انقلاب اسلامی و عزم راسخ، ایمان عمیق، بصیرت بی پایان، شجاعت بی‌نظیر مرد بزرگی همچون امام راحل، مردم از حاشیه به متن آمدند و صاحب اختیار شدند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: نسل جدید و جوانان کشور، دوران قبل از انقلاب را ندیده اند اما نقش‌آفرینی مردم در حکومت، دستاورد عظیمی است که امام بزرگوار توانست با به حرکت در آوردن آقیانوس ملت، به سالها و قرن‌ها حکومت سلطنتی و وراثتی و دخالت و سلطه بیگانگان پایان و جهت حرکت کشور و ملت را تغییر دهد.

ایشان با تأکید بر اینکه مردم و مسئولان باید به چهار دهه «مردم سالاری دینی و نقش‌آفرینی مردم در شئون کشور و در انتخاب مسئولان» افتخار کنند، گفتند: مسئولانی که در دوره جدید مشغول به‌کار خواهند شد، میراث‌دار چهل سال تلاش و ابتکار مسئولان مختلفی هستند که زیربنایهای علمی، عملی و فکری فراوانی را بوجود آوردند که قبل از انقلاب مطلقاً وجود نداشتند.

رهبر انقلاب اسلامی، این زیربناها را سکویهای پرش ملت به‌سوی آینده خواندند و تأکید کردند: مسئولان جدید و همراهان رئیس‌جمهور محترم، باید از چهار دهه تجربه و توانایی‌های متراکم استفاده کنند و با افزودن بر این سرمایه ملی، آن را تحویل مدیران بعدی دهند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تربیت نسل های جدید با تفکر انقلابی و سرشار از انگیزه و آمادگی برای کار را یکی از برکات انقلاب اسلامی برشمردند و با توصیه به مسئولان برای استفاده از این فرآورده عظیم، افزودند: یکی دیگر از دستاوردهای چهار دهه مدیریت نظام جمهوری اسلامی، تعامل ملت ایران با دنیا و در عین حال مقابله جدی با نظام سلطه و ایستادگی در برابر ترنفندهای بدخواهان بوده است.

ایشان در همین بخش خاطرنشان کردند: یکی از نکاتی که اصرار بر تکرار آن دارم تا از ذهن‌ها فراموش نشود، غافل نشدن از «حضور و ترنفد دشمن» است.

رهبر انقلاب اسلامی گفتند: هیچ‌گاه نباید فراموش کنیم که دشمن، متشغول طراحی و دشمنی است اما در چهار دهه گذشته به فضل الهی، ملت و مسئولان، آیدیده تر شدند.



تنفیذ دوازدهم

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به وجود تحریم ها از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و بویژه در سالهای اخیر خاطرنشان کردند: اگرچه تحریم ها مشکلاتی را بوجود آورد اما موجب شد توجه ما به ظرفیت ها و توانایی های داخلی معطوف شود و از آنها استفاده کنیم و به همین علت امروز برغم خواست دشمن، ایران، به مراتب قوی تر و مقتدرتر از سالهای اول انقلاب است.

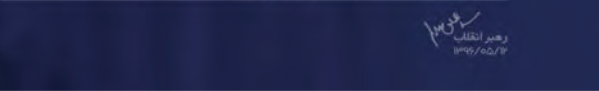
ایشان با اشاره به انواع ترفندها در طول سالهای گذشته، افزودند: در این سالها، برخی ها همچون مسئولان فعلی امریکا، به صراحت با ملت ایران دشمنی کردند و ترنفد برخی ها هم همچون دست چندی در دستکش مخملی بود اما همه این طراحی ها موجب شد اعتماد به نفس مردم و مسئولان افزایش یابد و راههای مقابله با ترفندهای دشمن را بیابند.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی هیچ هراسی از ترفندهای بدخواهان ندارد و بواسطه ظرفیت های فراوان کشور، راههای مقابله با آن را می داند، گفتند: مسئولان دولت جدید بداندند که سکاندار چنین نظام پر ظرفیت و پر استعدادی هستند و باید با شناخت این استعداها، از آنها بهره برداری شود. حضرت آیتالله خامنه‌ای، دولتمردان جدید را به «تکیه بر هویت انقلابی، کار جهادی و بهره‌مندی از حمایت مردمی و سرمایه های مادی و معنوی کشور» توصیه کردند و در بیان سه جهت گیری دولت آینده افزودند: «پرداختن به مشکلات مردم بویژه مشکلات معیشتی و اقتصادی» به عنوان اولویت اصلی، «تعامل گسترده با دنیا و ارتباطات وسیع با ملتها و دولت‌ها»، و «ایستادگی همراه با

مطالبه مهم رهبر انقلاب از دولت دوازدهم

تعامل گسترده با دنیا

یکی از جهت‌گیری‌های دولت بایدتعامل گسترده بادنیاباشد. این درست نقطه مقابل آن چیزی است که دشمنان ما و سلطه‌گران عالم دنبالش هستند. ما می‌توانیم با دنیا ارتباطات وسیع و گسترده‌ای داشته باشیم، هم به ملتها و دولتهای دیگر کمک کنیم، هم از کمک آنها بهره‌مند بشویم.



صلابت و قدرت در مقابل سلطه طلبان»، سه جهت گیری اصلی است که باید به‌طور همزمان در دستور کار دولت باشد.

رهبر انقلاب اسلامی، رژیم ایالات متحده امریکا را متجاوزتر و وقیح تر از همه سلطه طلبان دانستند و تأکید کردند: چهار دهه فعالیت بین المللی نشان داده است که هزینه تسلیم در برابر قدرت‌های زورگو به مراتب بیشتر از هزینه ایستادگی در برابر آنها است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه «تسلیم»، ملتها را بیچاره و مسیر پیشرفت را به روی آنها مسدود می کند، افزودند: جمهوری اسلامی به توفیق الهی، هیچگاه در مقابل استکیار و نظام سلطه تسلیم نشده و بر سر خواسته های آنها سازش نکرده است و به برکت ایثار و فداکاری شهدا، امروز علاوه بر اقتدار و پیشرفت بیشتر، شعارهای خود را نیز برجسته تر کرده است.

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه ده توصیه به رئیس جمهوری محترم و همکاران ایشان، بیان کردند.

«امانت دانستن مسئولیت و امانتداری آن»، «اولویت بندی در

برنامه ریزی ها و هزینه کردها بویژه تلاش برای ریشه‌کنی فقر و

فساد»، و «حرکت براساس برنامه ششم»، سه توصیه اول حضرت

آیت‌الله خامنه‌ای بود.

ایشان در بیان توصیه چهارم گفتند: «اتحاد ملت» را مهم بشمارید و حفظ کنید و مراقب باشید، التهاب آفرینی و دو سنگی مضر میان مردم ایجاد نشود.

ایشان با اشاره به سلاقی مختلف مردم خاطرنشان کردند: بگذارید



مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران

مردم با سلاقی مختلف، زندگی آرامی در کنار یکدیگر داشته باشند. رهبر انقلاب اسلامی در توصیه پنجم خطاب به رئیس جمهور و دولت آینده، گفتند: از نظرات مخالف آشفته نشوید، زیرا در کارها و وظایف سنگین، نقص وجود دارد و باید با پذیرش و تحمل انتقاد، اجازه هدید منتقدین، دیدگاههای خود را بیان کنند. ایشان در توصیه بعدی خود، دولتمردان را به رفتن به میان مردم و برقراری ارتباط بی واسطه با آنان سفارش کردند و در بیان توصیه هفتم، افزودند: قدر نیروهای مؤمن، انقلابی و پرانگیزه را بدانید زیرا همین نیروهای انقلابی هستند که در مشکلات، کشور را حفظ و سینه سپر می کنند.

توصیه هشتم رهبر انقلاب اسلامی به مسئولان، از یاد نبردن دشمنی دشمنان بود که گفتند: همواره در تصمیم گیریها و تعامل های بین المللی به یاد داشته باشید که دشمن همه توان خود را برای نابودی شما بکار گرفته است و از هر بهانه‌ای هم استفاده می کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به جنجال های اخیر درخصوص پرتاب موشک ماهواره بر به فضا اشاره کردند و افزودند: پرتاب این موشک ماهواره بر، یک کار علمی و فنی و معمول و البته لازم برای کشور بود اما در همین موضوع نیز جنجال بپا کردند.

توصیه بعدی رهبر انقلاب به دولت‌مردان، لزوم کار قوی و جهادی و حساب شده در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، دفاعی و حفظ هویت اسلامی و انقلابی برای مقابله با ترفندها و بهانه‌های بدخواهان و پاسخ به آنها بود.

اندیشهورا هب رد

هفته‌نامه سیاستی فرهنگی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیان دهمین و آخرین توصیه خود خطاب به مسئولان گفتند: به خدا توکل کنید و به وعده نصرت الهی باور داشته باشیدایشان در پایان با تأکید بر اینکه نباید در مقابل دین ستیزان و قانون شکنان آرام نشست، خاطرنشان کردند: بدانید که آینده متعلق به شماست.

در این مراسم همچنین آقای روحانی رئیس‌جمهور در سخنانی با تبریک ولادت با سعادت امام رضا علیه‌السلام، با اشاره به پیروزی انقلاب اسلامی، و رهاورد امام بزرگوار برای مردم یعنی خودباوری، عزت، استقلال و آزادی، افزود: برای ساختن آینده‌ای که تجلی آزادی، امنیت، آرامش و پیشرفت باشد، ناگزیر از اتکاء بیشتر به توانمندی‌های بی‌پایان ملت هستیم.

آقای روحانی، «ریشه‌کنی فقر و فساد»، «مهار تورم»، «رشد اقتصادی»، «سرپلند شدن ایران در محافل بین‌المللی» و «دستیابی به بازار منطقه و جهان» را جزو حقوق مردم دانست و افزود: «رشد فضای آزاد و معنوی»، «دسترسی آسان به اطلاعات»، «برابری در برابر قانون»، «داشتن آینده‌ای مطمئن»، «ظاهرانظر و گفتگو»، و «در جریان امور کشور قرار گرفتن»، نیز از حقوق مردم است.

رئیس‌جمهور با اشاره به امانتداری نظام در قبال آراه مردم، خاطرنشان کرد: مردم در این انتخابات با زبان رأی، دوباره با نظام، رهبری، دولت و منتخب خود، تجدید پیمان کردند و اکنون بار مسئولیت بر دوش ماست.

آقای روحانی، «مردم‌سالاری دینی» را از برکات جمهوری اسلامی خواند و گفت: بدون شک این دستاورد بزرگ، موهون راهبردی امام راحل و رهبر معظم انقلاب اسلامی است که با نگاه راهبردی و مشیی پدرانہ و با سه صدر، بستر رشد فرزندان انقلاب با سلاقی سیاسی مختلف را فراهم کرده‌اند.

رئیس‌جمهور، «عدالت اجتماعی» و «رفع فقر» را از آرمان‌های انقلاب اسلامی برشمرد و گفت: دولت یازدهم از طریق «بازگرداندن ثبات اقتصادی»، «کاهش تورم» و «افزایش خدمات عمومی» از جمله ایجاد بیمه همگانی و انجام طرح تحول نظام سلامت، قدم‌های مهمی برداشت اما هنوز وضعیت فقر و نابرابری در کشور شایسته ملت و زاینده جمهوری اسلامی نیست.

آقای روحانی، هدف دولت دوازدهم را «ریشه‌کن کردن کامل فقر مطلق از جامعه ایران» و «بجاد نظام جامع تأمین اجتماعی» خواند و افزود: رفع فقر در گرو ایجاد شغل است و ایجاد شغل و تولید ثروت، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های گسترده و دسترسی به بازار و فناوری‌های پیشرفته است.

رئیس‌جمهور، اولویت اصلی دولت دوازدهم را «افزایش تولید و اشتغال» دانست و گفت: ما برنامه اقتصادی خود را بر مبنای سیاست‌های کلی نظام بویژه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اصل ۴۴ با هدف ایجاد یک انقلاب اقتصادی طراحی کرده‌ایم.

آقای روحانی با تأکید بر لزوم تعامل با جهان، افزود: گذر از دشوارترین تحریم‌ها با ترکیبی از «قدرت دیپلماسی» و «برخورداری از توان باذاردانده دفاعی» میسر شد.

رئیس‌جمهور، برجام را نشانه حسن نیت ایران برای تعامل جهانی دانست و گفت: اکنون با پشتیبانی ملت که حماسه بزرگ انتخابات را آفرید، بر تعامل سازنده و مؤثر با جهان در چارچوب قانون اساسی تأکید داریم.

آقای روحانی، پایان انتخابات را آغاز فصل «همدلی و همکاری» خواندند و افزود: وقت آن است که همه در سایه گفتگو و انتخاب بهترین راهکارها و با استفاده از توان و ابتکار همه نیروهای خلاق، کارآمدی نظام را ارتقا بخشدیة و رضایت مردم را به آرمغان آوریم. همچنین وزیر کشور گزارشی از روند برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بیان کرد.

آقای روحانی‌فضلی مهتمزین پیام حضور گسترده ملت در پای صندوق‌های رای را اعتقاد به آرمان‌های انقلاب اسلامی خواند و افزود: امنیت، سلامت، قانونمند بودن و مشارکت حداکثری، چهار موفقه مهم انتخابات اخیر بود.

وزیر کشور با اشاره به اقدامات انجام گرفته به منظور صیانت از آرای مردم و تأمین امنیت انتخابات گفت: انتخابات ریاست

جمهوری در ۶۲ هزار و ۳۸۱ شعبه اخذ رای در سراسر کشور و نیز در ۱۰۳ کشور جهان برگزار شد و در نهایت، شورای نگهبان صحت برگزاری انتخابات را بدون ابطال حتی یک صندوق از صندوق‌های اخذ رأی، تأیید کرد.



زندگے آرام

بگذارید مردم باسلاقی مختلف، در کنار هم زندگی آرامی داشته باشند

ماهر چه داریم از وحدت ملت داریم

مسئولیت سنگین و حساس در انتظار کابینه جدید برای حل مشکلات مردم

اسلامی به‌خاطر مشکلات معیشتی ناامید و مأیوس نشوند. این هدف دشمن است.» برای همین، بخش مهمی از این راهبرد را در قالب پروژہ‌ی «تحریم» دنبال می‌کنند: «یکی از اهداف آنها از این تحریم‌ها همین است که مردم را از نظام جدا کنند.»

- هیچ در تکی در عمل به وعده‌ها صورت نگیرد**

اینک و پس از صدور حکم تنفیذ ریاست جمهوری دورہ‌ی دوازدهم، فرصت جدیدی برای کار و خدمت به مردم از سبوی مسئولان دولت جدید ایجادشده است. براساس متن حکم تنفیذ «استقرار عدالت و جانبداری از محرومان مستضعف»، «اجرای احکام اسلام ناب»، «تقویت وحدت و عزّت ملی» «توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های عظیم کشور» و «صراحت در بزرگداشت ارزش‌ها و مبانی انقلاب اسلامی مطالبات صریح رهبر انقلاب از دولت دوازدهم است. مشکلات بر زمین‌مانده‌ی اقتصادی و اجتماعی و توطئه‌های دشمن مسئولیتی سنگین و حساس را پیشروی رئیس‌جمهور منتخب ومديران ارشد دولت قرار می‌دهد: «طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهور از امکانات بسیار گسترده‌ای در کشور برخوردار است… از این امکاناتی که در اختیار دارند استفاده کنند… هیچ درنگی در عمل به وعده‌هایی که به مردم داده شده است صورت نگیرد.» در این میان نوع انتخاب «عضای کابینه» و ویژگی‌ها و برنامه‌های وزرا به‌عنوان عالی‌ترین مدیران کشور از اهمیتی به سزا بر خور دار

«تبازه‌های مردم به شما، نعمتی از سوی خداوند بر شماست؛ پس آنها را غنیمت شمارید.» این مضمون حدیثی است که در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دورہ‌ی ریاست‌جمهوری اسلامی ایران در حسینیه‌ی امام خمینی رحمہ‌الله‌علیه‌نصب شده بود. به‌صورت کلی مسائل و مشکلات مردم یکی از دغدغه‌های اصلی ومهم رهبر انقلاب است. امروز فقرهستی از مشکلات اقتصادی و معیشتی در کشور جود دارد: «ما امروز دچار مشکلیم، نمی‌شود مشکلات مردم و گلابه‌های مردم را نادیده گرفت؛ مسئولین باید جدّی بگیرند. مسئله‌ی بیکاری مهم است، مسئله‌ی رکود مهم است، مسئله‌ی گرانی مهم است؛ اینجا مسائلی است که وجود دارد.» همچنین معضلات و آسیب‌های اجتماعی‌ای چون طلاق،اعتیاد، حاشیه‌نشینی و… را شاهد هستیم که بسیاری از این مسائل نیز ریشه در نابسامانی‌های اقتصادی دارد. واقعیت این است که این مشکلات زمینه‌ساز «گله‌مندی مردم» شده: «مردم گله‌مندند؛ از بسیاری از چیزهایی که در کشور می‌گذرد، مردم گله‌مندند.»

- می‌خواهند مردم مأیوس شوند**

از سبوی دیگر راهبرد آمریکایی‌ها در حوزه‌ی اقتصاد به‌عنوان دشمن اصلی ملت ایران «لقای ناکارآمدی نظام» و در نتیجه «دبئینی و یأس مردم» است: «اقتصادبایستی حرکت نامعیش مردم‌بایستی لنگ بماند… مردم بایستی از جمهوری اسلامی واز نظام

^[1] رهبر انقلاب اسلامی در این مراسم در سخنانی با تبریک ایام میلاد حضرت امام رضا(ع)، تقارن مراسم تنفیذ با ایام ولادت آن حضرت را مایه برکت خواندند و با اشاره به اهمیت بالای جلسه امروز، خاطرنشان کردند: یکی از موارد اهمیت این مراسم، آغاز دوره مدیریتی جدید در کشور است که امید می‌رود رئیس‌جمهور محترم و مسئولان همراه ایشان در دوره جدید، با ابتکار ها و توانمندی‌های بیش از گذشته، مطالبات مردم را برآورده و آنان را خرسند کنند

^[2] ایشان، دومین جنبه اهمیت بسیار زیاد جلسه تنفیذ را، «نقش‌آفرینی مردم در انتخاب مدیران طراز اول کشور» برشمردند و افزودند: این مراسم تنفیذ، دوازدهمین مراسم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است که نشان‌دهنده تأثیرگذاری رأی و گزینش مردم است که این دستاورد بزرگ، به برکت انقلاب، محقق شده است

رهبر انقلاب: مسئله‌ی امنیت حجاج مهم است؛ ما قضایای حج ۹۴ را فراموش نمی‌کنیم. امنیت حجاج برعهده‌ی کشوری است که حرمین شریفین در اختیار اوست. دولت‌های دیگر هم درباره‌ی امنیت حجاج مطالبه کنند. باید ایمنی و عزت و رفاه حجاج محفوظ بماند. مراقب باشیم قضایای مسجدالحرام و منا نباید تکرار شود. درباره‌ی حج امسال نگرانی‌هایی وجود داشت که خوشبختانه مسئولان قوای محترم و شورای عالی امنیت ملی تصمیم گرفتند حج برگزار شود.

رهبر انقلاب: حج بیشترین ظرفیت اجتماعی را دارد؛ حج جایی برای ابراز عقیده‌ی امت اسلامی است. امام می‌گفتند حج بی برائت را قبول ندارند. الان قضیه‌ی مسجدالاقصی مطرح است؛ صهیونیست‌ها جری و گستاخ شده‌اند و به خود حود داده‌اند که به صاحبان مسجدالاقصی سخت بگیرند و مانع آن‌ها شوند. امت اسلامی کجا بهتر از حج می‌تواند پیدا کند که درباره‌ی مسجدالاقصی اظهارنظر کند؟ اظهار موضع درباره‌ی حضور شرارت‌آمیز آمریکا در منطقه جایش کجاست؟ حج بهترین جاست.

امنیت، عزت و رفاه حجاج باید محفوظ بماند

خوشبختانه مسئولان قوای محترم و مسئولان از قوای محترم در شورای عالی امنیت ملی به این نتیجه رسیدند که حج باشد و امیدواریم ان‌شاءالله که با بهترین وجه این انجام بگیرد.

۶۶
روزگرد انقلاب
۹۶/۵/۸



دیدار کارگزاران حج با رهبر معظم انقلاب

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: شرارت آمیزتر و خبیث‌تر از همه جریان‌های تروریستی، خود رژیم آمریکا است.

یکدیگر و نزدیکی دلها و دراز شدن دست کمک و یاری را از جمله جنبه‌های درونی و اجتماعی حج دانستند و خاطرنشان کردند: حج با تمام این ویژگی‌ها منحصراً بفرز معنوی و اجتماعی، بهترین زمان و مکان برای اعلام مواضع امت اسلامی در خصوص مسائل مهم جهان اسلام است.

رهبر انقلاب اسلامی، موضوع «برائت از مشرکان» را که همواره مورد تأکید امام بزرگوار (ره) بود، فرصتی برای اعلام مواضع در موضوعات مورد قبول امت اسلامی خواندند و افزودند: یکی از این موضوعات،

قضیه مسجدالاقصی و قدس است که این روزها به‌علت گستاخی و وقاحت و خیانت رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی، بیشتر از قبل مطرح و مورد توجه است و دل امت اسلامی به یاد مسجدالاقصی می‌تپد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه مسئله فلسطین نباید به هیچ وجه مورد غفلت قرار گیرد، آن را محور عمده مسائل جهان اسلام دانستند و گفتند: چه جایی بهتر از بیت الله الحرام و مکه و مدینه و عرفات و مشعر و منا برای اظهار عقیده و بیان مواضع ملت‌های مسلمان در خصوص فلسطین و مسجدالاقصی

وجود دارد.

ایشان، دخالت‌ها و حضور شرارت‌آمیز آمریکا در کشورهای اسلامی و منطقه و ایجاد گروه‌های تروریستی تکفیری را یکی دیگر از موضوعات مهمی دانستند که باید ملت‌های مسلمان در حج، در خصوص آن اعلام موضع کنند.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: شرارت آمیزتر و خبیث‌تر از همه جریان‌های تروریستی، خود رژیم آمریکا است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه با اشاره به

آسایش حجاج، خاطرنشان کردند: البته معنای امنیت و ایمنی، ایجاد محیط امنیتی نیست. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اهتمام ملت‌های مسلمان به موضوع وحدت را نیز بسیار مهم و ضروری خواندند و خاطر نشان کردند: در حالی که میلیاردها دلار خرج ایجاد تفرقه و اختلاف و دشمنی میان مسلمان می‌شود، مسلمانان باید مراقب باشند تا به این اختلاف افکنی کمک نکنند، زیرا هریک از امت اسلامی که به این توطئه کمک کند، در تبعات این گناه بزرگ شریک خواهد بود.

رهبر انقلاب همچنین حجاج ایرانی را به اهتمام به «مناز اول وقت و نمازهای جماعت در مسجدالحرام و مسجدالنبی»، «تلوات قرآن در حرمین شریفین»، «توجه ویژه به اعمال روز عرفه»، و «پرهیز از بازارگردی» توصیه کردند و افزودند: حجاج محترم باید بیش از هر موضوع دیگر به فکر پالایش روح و دل خود و بهره‌مندی از فضائل بزرگ فریضه حج باشند، زیرا دستیابی به بهره‌های معنوی حج، مقدمه رسیدن به نتایج اجتماعی آن است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایان تأکید کردند: همه باید مراقب باشند و با دقت به مسئولیت‌های خود عمل کنند تا حجی با عظمت و با عزت برگزار شود.

پیش از سخنان رهبر انقلاب اسلامی، حجت‌الاسلام قاضی عسکر نماینده ولی فقیه و سرپرست زائران ایرانی با اشاره به حادثه تلخ شهادت جمعی از حجاج ایرانی در حج ۹۴، گفت: اگر چه تاکنون گزارش نهایی آن حوادث منتشر نشده و دیه و غرامت نیز به بازماندگان شهیدها پرداخت نشده است ولی ما تا رسیدن به نتیجه نهایی، موضوع را دنبال خواهیم کرد.

آقای قاضی عسکر با بیان اینکه جمهوری اسلامی هرگز به دنبال تعطیل کردن حج نبوده است، افزود: در سال جاری پس از چند دور مذاکره و پذیرش شروط جمهوری اسلامی، زمینه انجام حج عزتمندانه فراهم شد و اگر در سال گذشته نیز شرایط ما را می‌پذیرفتند، حج برگزار می‌شد.

همچنین آقای محمدی رئیس سازمان حج و زیارت با بیان گزارشی از فعالیت‌های این سازمان، گفت: متعاقب دعوتنامه وزارت حج عربستان و تصمیم شورای عالی امنیت ملی و تأکید مراجع عظام، مذاکرات حج با تأکید بر مطالبات بحق در خصوص امنیت، عزت و کرامت حجاج و حقوق شهادهای منا انجام شد و پس از حصول اطمینان از تأمین خواسته‌ها و انتظارات مورد نظر، شورای عالی امنیت ملی با برگزاری حج موافقت کرد.

آقای محمدی افزود: با همه توان تلاش شد تا با آسیب‌شناسی حج گذشته، تمهیدات لازم برای تحقق حج مطلوب فراهم شود و در این خصوص، سطح خدمات و امکانات نسبت به سال‌های قبل و در مقایسه با سایر کشورها از شاخص‌های بالاتری برخوردار است.

دغدغه اصلی رهبر انقلاب اسلامی در خصوص کابینه



دولت دوازدهم به روزهای تشکیل نزدیک می‌شود؛ تا چند روز دیگر و پس از مراسم تنفیذ و تحلیف، اعضای کابینه پیشنهادی آقای رئیس‌جمهور معرفی می‌شوند. با این حال، از حدود دو هفته قبل، یک جریان خبری که از پشتیبانی بر حجم رسانه‌های خارج از کشور نیز برخوردار است، درصد‌القای این ادعاست که تک‌تک اعضای کابینه با نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) انتخاب می‌شوند.

در خصوص منشأ و انگیزه‌های انتشار چنین شایعه‌ای، می‌توان حدس‌هایی زد اما مهم‌تر از آن، تبیین رویکرد رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص دولت‌ها و مباشران ارشد رفق و فتن‌آموز مردم در قوه‌مجریه است.

رویکرد کلی رهبر انقلاب در قبال دولت‌ها، رویکرد حمایتی است و ایشان بارها بر استمرار رضوانی با مسئولان نظام و در شرایط پسا انتخاباتی، مجدداً و مؤکداً گفتند: داب بنده هم این است که همیشه از همه‌ی دولت‌ها که بر سرکار هستند حمایت می‌کنم؛ امروز هم همین‌جور است، بعد از این هم ان‌شاءالله تا زنده هستیم همین‌جور خواهد بود.

غرض از رویکرد حمایتی چیست؟ غرض آن است که دولتی که عهده‌دار کار سنگین مدیریت اجرایی است، بتواند به وظایف خود عمل، و از مشکلات کشور و مردم گره‌گشایی کند. یک لازمه اساسی در تحقق این هدف، انتخاب مسئولانی است که از بن دندان به اصول انقلاب و وظایف خود معتقد باشند و شأن خود را نوکری و خدمتگزاری به مردم بدانند.

بیشترین تأکیدات رهبر انقلاب در سالیهای اخیر بر حل مشکلات معیشتی مردم و قوی کردن اقتصاد کشور بوده است؛ مغرضانی که جسز بدخواهی برای ایران و مردم در سر ندارند، تلاش کردند این تأکیدات را به مخالفت رهبری با دولت ترجمه کنند، در حالی که این رویکرد رهبر انقلاب، بالاترین سطح از کمک و حمایت از دولت بوده، نتیجه تلاش برای دور نگه‌داشتن دولت از حاشیه‌ها و هدایت آن به میدان خدمت و اقدام و عمل، در صورتی که با همراهی دولت همراه شود، موفقیت دولت اقبال عمومی به خدمات دولت خواهد بود و این چیزی نیست، جز سرفرازی و موفقیت برای دولت و نظام.

بنابراین، حساسیت اصلی رهبر انقلاب اسلامی در انتخاب مسئولان در همه دولت‌ها معطوف به این منطبق بوده است که فلسفه وجودی مسئولان در نظام اسلامی، خدمتگزاری به مردم است و باید مسئولانی

پاسدار استقلال و مقدمه پیشرفت

پیام‌های انتخابات ۴۰ میلیونی



در بند نهم از اصل ۱۱۰ قانون اساسی، «امضای حکم ریاست جمهوری» جزو وظایف و اختیارات مقام رهبری آمده است. در ماده‌ی یکم قانون انتخابات ریاست جمهوری نیز بر موضوع امضای حکم ریاست جمهوری یا همان «تنفیذ» تصریح شده و چنین آمده است: «دوره‌ی ریاست جمهوری اسلامی ایران چهار سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه به وسیله مقام رهبری آغاز می‌گردد.»

پیش از این البته، در ابتدای انقلاب، و در زمان برگزاری جلسات قانون اساسی، بحث‌های مفصلی در این باره شده بود. برای مثال، آقای فاتحی از اعضای مجلس در زمان بررسی پیش‌نویس اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌گوید: «برای من این مطلب روشن نشد که امضای حکم ریاست جمهوری آیا صرفاً تشریفاتی است یا این‌که اگر امضا نکرد تکلیف چه می‌شود؟» شهید بزرگوار، آیت‌الله دکتر بهشتی در پاسخ او چنین می‌گوید: «نه آقا این تنفیذ است.» امام خمینی هم در لزوم تنفیذ رئیس‌جمهور از سوی ولی‌فقیه در جمع نمایندگان مجلس خبرگان در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۵۸ چنین می‌فرماید: «رئیس‌جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است.» ایشان همچنین در تنفیذ حکم ریاست جمهوری اولین منتخب مردم، چنین تصریح می‌کنند: «بر حسب آنکه مشروعیت آن (رای ملت) باید به نصب فقیه جامع‌الشرایط باشد، اینجانب به موجب این حکم، رای ملت را تنفیذ و ایشان را به این سمت منصوب نمودم.» و نیز چنین در نظام مردم‌سالاری دینی، خواست و نظر مردم در حوزه سیاست عملی می‌شود. «قرن‌های متمادی در کشور ما سپری شد؛ حکومت‌هایی آمدند و رفتند، بدون این‌که مردم کوچک‌ترین نقشی در تعیین این دولت‌ها و گزینش آنها داشته باشند. انقلاب میدان را برای مردم ما باز کرد.» در حقیقت «انقلاب اسلامی آمد این تحقیر غریبال تحقل را برطرف کرد و به کشور و به ملت عزت داد، استقلال داد و انسانیت او را مطرح کرد.»

این اعتقاد و باور رهبر انقلاب به موضوع نقش و جایگاه مردم در حکومت است. کسی که قرار است مانند سلف صالح خود، بنیانگذار انقلاب اسلامی، تا چند روز دیگر رأی اکثریت مردم را تنفیذ و رئیس‌جمهور دوازدهم را منصوب کنند، همین نگاه است که می‌گوید: «اصل نظام اسلامی با رأی مردم، قانون اساسی با رأی مردم، مدیریت‌های اساسی کشور با رأی مردم تعیین شده‌اند.» علاوه بر آنکه مردم‌سالاری دینی و نقش دادن به آحاد مردم در انتخاب سرنوشتشان، ریشه در استقلال کشور از ابرقدرت‌ها دارد؛ تجربه «مردم‌سالاری اسلامی (امم) به ما آموخته است که حضور مردمی در عرصه‌ی گزینش مدیران کشور، عامل حراست از اقتدار ملی و حصار مستحکم در برابر استیلاطلبی بیگانگان و دستاویزی مطمئن

برای جلوگیری از لغزش و انحراف مدیران است.» در واقع مردم‌سالاری دینی هم ریشه در استقلال کشور دارد و هم سازنده «امنیت» کشور در مقابل دشمنان است و چیزی ارزشمندتر از «استقلال» و «امنیت» برای یک ملتی که می‌خواهد به آرمان‌های مصادی مانند رفاه و آرامش و معنوی مانند عدالت و آزادی برسد.

حالا با این نگاه بازگردیم به موضوع تنفیذ؛ یعنی نماد یکی از دو پایه‌ی اصلی مردم‌سالاری دینی، که به‌معنای امضاء و تأیید قانونی حکم ریاست‌جمهوری فردی است که در انتخاباتی با حضور ۴۰ میلیون مردم، پیروز میدان شود. این تنفیذ با همین نگاه، تثبیت نقش مردم است و ارج نهادن به استقلال و صدا البته مقدمه‌ای است برای

مطالبه‌ی پیشرفت. چرا که «موفقیت هر ملتی در پیشرفت‌های خود، نسبت معکوس با نفوذ بیگانگان و دشمنان در آن کشور دارد.»

تنفیذ با این مقدمه، از منتخب مردم و به نمایندگی از خواست تاریخی ملت ایران، به‌واسطه‌ی استقلالی که مردم‌سالاری دینی از استعمارگران ایجاد کرده است «پیشرفت» و «خدمت به مردم» و حل مشکلات آنها را مطالبه می‌کند و مسئولان باید بدانند که «پذیرش مسئولیت به معنای کامجویی از قدرت نیست؛ به معنای قبول زحمات خدمت به مردم است.» دوره‌ایست که مسئولان، اعتماد مردم را که در پای صندوق‌های رأی منجلی شد «با رفتار خود همچنان این اعتماد را افزایش بدهند.»



دغدغه اصلی رهبر انقلاب اسلامی در خصوص کابینه

دولت دوازدهم به روزهای تشکیل نزدیک می‌شود؛ تا چند روز دیگر و پس از مراسم تنفیذ و تحلیف، اعضای کابینه پیشنهادی آقای رئیس‌جمهور معرفی می‌شوند. با این حال، از حدود دو هفته قبل، یک جریان خبری که از پشتیبانی بر حجم رسانه‌های خارج از کشور نیز برخوردار است، درصد‌القای این ادعاست که تک‌تک اعضای کابینه با نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) انتخاب می‌شوند.

غرض از رویکرد حمایتی چیست؟ غرض آن است که دولتی که عهده‌دار کار سنگین مدیریت اجرایی است، بتواند به وظایف خود عمل، و از مشکلات کشور و مردم گره‌گشایی کند. یک لازمه اساسی در تحقق این هدف، انتخاب مسئولانی است که از بن دندان به اصول انقلاب و وظایف خود معتقد باشند و شأن خود را نوکری و خدمتگزاری به مردم بدانند.

استکبار ستیزی و کار جهادی ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر دولت آینده

واقعیت آن است که مااز مصرف‌نکردن دچار کود نشدیم، ما از آن موقعی که به همدیگر پشت کردیم و هویتمان را در عزت‌نظام اسلامی نظاره‌نکردیم به‌دام رکود افتادیم. رکود ثمره فردگرایی، تجمگرایی و بی‌برکتی حاصل از بی‌توجهی ما به وحدت در جامعه است.

کار و تولید همیشه یک امر حقیقی برای تأمین معاش بشر بوده‌است و انسان‌ها از آن‌جاکه عالم خاکی و ماده سراسر نقض و ضعف‌است تمنای آن داشته‌اند با کار خویش بهره‌ای و ثمری به دست‌آورند و گرهی از مشکلات بشر بگشایند تا روح آن‌ها از این جامعه مفید بودن لذت ببرند و بیه‌تبع آن معاش خویش را نیز تأمین کنند. لذا جهاد و تلاش مصلحانه از آمال فطری بشر بوده و کارگریزی و فرار از بنا شده بود. در این نظام اگر چرخ صنعت هم می‌چرخید بر بنیان استعمار و فلدری در نظام طاغوتی بود که بحث آن در نوشته پیش رونمی‌گنجد.

انقلاب اسلامی بر پایه روحیه جهادی و ظلم‌ستیزی هویت طاغوتی دنیای مدرن را به چالش‌طلبید و قرار بود کار و نظام اقتصادی آن شد حاکمیت پول و سرمایه‌باشد و البته این بدان معنا نبود که جمهوری اسلامی خواستار عقب‌گرد دستاوردهای بشری باشد بلکه حق‌انسان، طبیعت، سرمایه و کار آن به گونه‌ای بود که ظرفیت‌های عالم هستی در آن لحاظ‌شده بود و می‌خواست همه این‌ها در یک مدل اقتصاد اسلامی به‌ظهور برسد لیکن روحیه تکنوکراتی دولت‌های پس از دفاع مقدس به درجات مختلف، این مهم را به تأخیر انداخت.

واقعیت آن است که صحبت دربار ه حل مشکلات اقتصادی بسیار است که در این نوشته قصد پرداختن به این مسائل نیست لکن از آن‌جاکه در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو وعده‌های اقتصادی بسیاری است بد نیست به چند نکته اشاره شود.

علم اقتصاد به اختصاص منابع محدود به در خواست‌های نامحدود بشر در دنیای مدرن می‌پردازد وقاعدتا این منابع محدود نمی‌تواند از روزهایی لجام گسیخته دنیای مدرن را تأمین کند. لذا نظام رباخوار کنونی که جنبش ۹۹ درصدی‌ها را می‌سازد ثمره علم اقتصاد مدرن است و به دلیل اصالت سود و پول در نظام مدرن اجتناب‌ناپذیر است.

واقعیت آن است که در نظام اقتصاد مدرن نمی‌توان به دودو‌تسا چپار تا در عالم واقع هم پای بند بود و باید ورای آن از طبیعت و انسان بهره برد. لذا این طلب‌سود بیشتر حتما کار را به رباخواری، بورس‌بازی و نظام بیمه‌وبخش‌های خدماتی دروغین می‌کشاند که کار آن‌ها جز دلالی و سوختن فرصت‌های تولیدی نیست و اگر امروز این بخش‌های تولیدی خودشان را سراپانگه‌داشته‌اند جز با استمرار این امر محقق نشده‌است و از این منظر است که پس از رونق اقتصادی در دنیای مدرن- که ضرورتا از دست‌تعداد اندکی خارج نیست- جنبش‌های عدالتخواهانه پدید می‌آید.

روح طاغوتی دنیای مدرن اجازه رشد را به افشار مختلف نمی‌دهد، چراکه‌اگر همه توانایی تولید و کار پیدا کنند سود سرمایه داران به حداقل می‌رسد لذا مدل اقتصادی دنیای مدرن طبیعت را، بشسر او عوامل تولیدی را برای رسیدن به سود بیشتر قربانی می‌کند.

رئیس‌جمهور و دولت آینده با اجرای مدل اقتصاد اسلامی باید از روش‌های حل بحران اقتصادی در غرب عبور کنند. رکود، تورم، بیکاری، با توسل به معادلات دقیق ریاضی قابل حل نیستند ۳/۵ تا ۱۲ میلیون بیکار که در آمار‌ها به طرق مختلف آمده‌است اگر هیچ مانعی وجود نداشته باشد تمهیدات ایجاد چنین شغلی چند سال زمان می‌برد. این در حالی‌است که علاوه بر موانع اقتصادی و هزینه‌های آموزشی، بهداشتی، درمانی، عمرانی، محیط زیست و … موانع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی وجود دارند ضمن اینکه با حدود ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاقی تحقق میلیون‌ها شغل کاری بس دشوار است.

واقعیت آن است که مااز مصرف‌نکردن دچار کود نشدیم. ما از آن موقعی که به همدیگر پشت کردیم و هویتمان را در عزت‌نظام جمهوری اسلامی نظاره نکردیم به‌دام رکود افتادیم.

رکود ثمره فردگرایی، تجمل‌گرایی و بی‌برکتی حاصل از عدم توجه ما به وحدت در جامعه‌ی اسلامی‌است؛ از معادله ساده بی‌توجهی به جوان مجرد و بیکار همسایه و فاقم‌تا وام‌چندصد میلیون‌ری در دانه درشت‌ها وام‌اعطای وام‌چندمجد برای تسویه حساب آن وام‌ها و بی‌توجهی به وام ازدواج و خود‌اشغالی بلایی به‌اسم رکود دامن‌گیر جامعه اسلامی شده‌است.

وقتی دنیای مدرن با روح رفاه‌طلبی از طرق رسانه‌ها و نرم افزار‌های موبایی و بالاخره تغییر سبک زندگی، تولید و کار را به اشتغال پشت‌میز تقلیل می‌دهد و روحیه جهادی که در ذات بشر است آن را مخفی می‌سازد و جوانان را از لذت کار جهادی محروم می‌سازد دیگر جایی برای بگراند و عبور از بحران باقی نمی‌ماند.

نظام رفاه‌طلبانه اقتصادی زمینه‌ربرای فسادهای

بزرگ می‌گشاید. حقوق‌های نجومی و فساد در صندوق‌ها و بانک‌ها و بیمه همه در نتیجه تمنای سود بیشتر پدید می‌آید.

ذخائر نظام حاصل همین روحیه ی تکنوکراتی اند وگرنه در کار جهادی چنین سامانه‌هایی برای بهره ی مادی وجود ندارد که چنین فساد‌های غمباری پدید آید، به طوری که هزاران شهید نه به قدر کفاف و نه به قدر رفاه بلکه دریافت‌های نجومی دارند و اوقات فراغت فرزندانشان هم در فیش حقوقیشان لحاظ می‌شود.

واقعیت آن است تا وقتی بانک‌ها همچنان ثروتمندان را از سود شرکت‌ها و برچ‌ها بهره‌مند می‌سازند و تا زمانی‌که دولت با افتخار به رشد ۷-۸ درصدی که عمده ی آن ثمره فروختن حدود سه میلیون بشکه نفت است همچنان به پول و پول و پول نفت اتکامی کند و اتکابه تولید بومی را در جامعه ی اسلامی نادیده می‌گیرد و تازمانی که دولت به ثروتمندان این امتیازان را می‌دهد که هیچ‌گاه به حساب‌های بانکی آنها رجوع نخواهد کرد و پارانه ی چند ۱۰ هزار تومانی را به سرمایه داران مباریاری همچنان خواهد داد تا مبادا اسپرده‌هایشان را از بانک خارج کنند چرا که اصالت فقط سود و سود و سود است در چنین وضعی اقتصاد ما هرگز اصلاح نمی‌شود.

کار وسیله‌تأمین نیاز‌های مادی ما نیست بلکه یکی از تبعات کار و تولید تأمین معاش است. کار روح ما را تغذیه می‌کند و انسان می‌سازد. تولید ذاتا نیازمند ریسک کردن، صرف هزینه و چه بسا ضرر‌های مادی است و این امر علت حضور بانک‌ها در پروژه‌های تجملی و ساخت و ساز است. روح نیازمند آزادیگی و استقلال است و این امر متضمن استکبار ستیزی، جهاد، ایثار، کم‌سود کردن و بااصلا سود نکردن است.

ملتشی که کارش را برای عزت اسلام و ایران بخواهد می‌تواند تولید کند. دست‌دراز کردن پیش مستکبران و طاغوتیان روح وجان ما را و سپس معاش ما را در موقعیت ملتهب و شکننده قرار خواهد داد. لذا دولتی که از قیل فروش نفت و رفع تحریم و سرمایه خارجی وعده رفاه می‌دهد می‌تواند رفاهی برای مدیران بسازد که حقوق نجومی دریافت کنند به علت آن‌که ذخائر نظام هستند. این جنس اقتصاد لیبرالیوال سودپرست دنیای مدرن است، لذا برای عبور از وضع موجود راهی جز استکبار ستیزی، فداکاری، جهاد، همبستگی و صرف هزینه برای تولید نیست. ثمره این اتفاق مبارک ک کوتاه شدن دست مفسدان میلیاریدی از اقتصاد و سپس جان گرفتن اقتصاد داخلی و عبور از همه فشار‌ها و تحریم‌ها است.

بایسته‌های تشکیل کابینه دوازدهم



است. جامعه‌ای که خودباوری دارد با نشاط و پویاست. شور و حرارت وصف ناشدنی به هدف خود باور دارد و هر لحظه برای رسیدن به آن در حال کوشش بوده و با موانع و دشمنی‌ها مبارزه می‌کند. خودباوری و اعتماد به توانایی نیروهای خودی، یکی از هده‌های امام امت(ره) به ملت ایران بود که خلف صالح ایشان نیز بارها به این مطلب تأکید کرده‌اند؛ «همان‌طور که امام فرمودند ما می‌توانیم، باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی می‌تواند همه این گروه‌ها را باز کند.

طبعی‌شناسی

دشمنی‌شناسی، جامعه‌ای که نتواند دشمن خود را بشناسد و از تهدیدهای او اطلاع پیدا کند، نمی‌تواند برای مقابله با او برنامه‌ریزی صحیحی داشته و سیاست دفاعی مناسبی اتخاذ کند. به همین جهت، دشمن‌شناسی در رهنمودهای رهبری، جایگاه ویژه‌ای داشته و ایشان یکی از شاخصه‌های مدیریت جهادی را دشمن‌شناسی می‌دانند.

▣ **پرهیز از اختلافات**

توصیه به وحدت و دوری از اختلاف و تفرق، از مهم‌ترین فرامین الهی در قرآن کریم است. یکی از نقشه‌های دشمنان اسلام در عصر کنونی، در عرصه بین‌المللی و داخلی، ایجاد اختلاف بین مسلمانان می‌باشد و متأسفانه این اختلافات در هر دو عرصه به یکی از چالش‌های جامعه اسلامی، تبدیل شده است. مقام معظم رهبری با هوشیاری هرچه تمام به این

هفته‌نامه

سیاسی فرهنگی



باید قوی شویم

ملت ایران باید خود را قوی کند؛ این حرف من است… اگر یک ملتی به خود نیاید، خود را قوی

نکند، دیگران به او زور می‌گویند… بعضی ملت‌ها هستند که تا قوی شدن، فاصله‌ی زیادی دارند؛ امید ی

وجود ندارد که بخواهند در خود آن نیرویی را که بتوانند مقابله کنند با زورگویان و گردن‌کلفت‌های

عالم، ایجاد کنند؛ اما ملت ما این جور نیست؛ ما اولاً استعداد قوی شدن، زیاد داریم؛ امکانات و

ظرفیت‌ها هم زیاد داریم؛ ملت ما به سمت اقتدار ملّی هم راه افتاده است و راه زیادی پیموده است.

۱۳۹۶/۷/۱۸

مقام معظم رهبری همت جهادی افراد در جامعه خواهد بود، همت عالی، اگر با نیت خالص، جهت خدمت‌رسانی به جامعه و برادران دینی باشد، ارزشمند خواهد بود.

▣ **برخی از مشکلات پیش روی دولت**

الف: فساد اداری و مالی

از جمله مشکلاتی که گریبان‌گیر اقتصاد کشور و بخش خصوصی بوده، وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های اجرایی است. براساس شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل، ایران در سال ۲۰۱۶ رتبه ۱۳۱ در بین ۱۷۶ کشور داشته است که به‌هیچ‌وجه جایگاه مطلوبی تلقی نمی‌شود. فقدان نگاه توسعه‌ای، بی‌توجهی به برنامه‌های توسعه و ضعف نهادهای نظارتی در دوران وفور درآمدهای نفتی، یکی از مهم‌ترین ریشه‌های بروز این وضعیت است.

در حال حاضر توزیع درآمدهای نفتی، توزیع منابع بانکی، واگذاری اموال دولتی در راستای خصوصی‌سازی، قوانین و مقررات گمرکی، نحوه اجرای قانون و مواردی از این‌دست از جمله عمده‌ترین

مصادیق رفتارهای مبتنی بر فساد را در کشور تشکیل می‌دهند و به رویه‌ای غالب تبدیل شده‌اند. فقدان نهادهای نظارتی کارآمد نیز از دیگر دلایلی است که به شکل‌گیری و گسترش فساد در دستگاه‌های اجرایی دامن زده است. بنابراین نظر به شرایط موجود، مبارزه جدی دولت با کانون‌های اصلی فساد بسیار ضروری است. نظارت بر سیستم بانکی، شیوه تخصیص اعتبارات و عملکرد بانک‌ها، استقرار یک سیستم شفاف و قابل اتکا برای ادامه فرایند خصوصی‌سازی، مسدود ساختن کانال‌های سودجویی از طریق نظام گمرکی و تعرفه‌ای، اجرای صحیح قانون توسط دولت و الزام به پاسخگویی به مردم می‌تواند در راستای کاهش فساد بسیار مؤثر واقع شود.

ب: تأمین مالی

به‌رغم اقدامات سال‌های اخیر برای اصلاح نظام بانکی و افزایش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها، مشکل تأمین مالی یکی از معضلاتی است که فعالان اقتصادی، به‌ویژه بنگاه‌های تولیدی، همچنان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. این‌ موضوع در کنار سهم ناچیز بازار سرمایه در تأمین مالی بخش تولید، دسترسی این بخش به منابع مالی را سخت‌تر کرده است.

توان تسهیلات‌دهی نظام بانکی کشور به‌شدت تحت تأثیر بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی، وجود مطالبات غیرجاری، بنگاه‌داری بی‌ضابطه بانک‌ها، اعطای وام به بخش‌های غیرمولد و عدم شفافیت در سیستم بانکی قرار دارد. با توجه به آن‌که فعالیت‌های اقتصادی بدون وجود منابع مالی غیرممکن است، بنابراین اصلاح نظام بانکی کشور در کنار ارتقای عملکرد بازارهای بدهی و سرمایه از طریق توسعه آن‌ها و افزایش شفافیت در بازار بورس و کاهش سهم بخش دولتی از معاملات باید در اولویت قرار بگیرد.

ج: نظام مالیات

نظام مالیاتی کشور دارای مشکل ساختاری است که ناشی از مشکلات پرسنلی، سیستم سنتی جمع‌آوری مالیات و رسیدگی مالیاتی و عدم دسترسی به اطلاعات درآمدهای مودیان است که در بسیاری موارد سبب فقدان کارایی سازمان اداری و در نتیجه مالیات‌ستانی از افراد فاقد شرایط و عدم اخذ مالیات از اشخاص واجد شرایط شده است.

د: گمرک

بهبود فضای کسب‌وکار نیازمند ایجاد بستری‌های مناسب در بخش‌های مختلف اقتصادی است. اتصال کارآمد و اثربخش حلقه‌های زنجیره تجارت یکی از مولفه‌هایی است که در ایجاد زمینه مناسب برای بهبود فضای کسب‌وکار و حضور مؤثر فعالان اقتصادی در تجارت بسیار اثرگذار است. جامع و کامل نبودن نظام تعیین ارزش، فقدان سلامت اداری در برخی بخش‌ها، تعدد گمرکات و گسترش روزافزون آن‌ها که اعمال کنترل را برای مقامات گمرکی سخت کرده است.

ه:مک توجیهی به اصل ۴۴

در قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در نظر گرفته شده است که ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول اصل ۴۴، به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی واگذار شود. هدف از این واگذاری‌ها تغییر نقش دولتی از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت، در کنار توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن‌ها بوده است. شواهد حاکی از آن است که نه‌تنها اهداف مشخص‌شده در قانون، تحقق‌نیافته بلکه در اغلب مواقع خصوصی‌سازی نیز به‌معنای واقعی آن رخ نداده و اغلب واگذاری‌ها با رد دین دولتی و سهم عدالت انجام گرفته است.

و:عده ترمیم کابینه

آقای روحانی در نخستین نشست خبری خود پس از انتخاب به‌عنوان رئیس دولت دوازدهم اظهار کرد: ما نیز به نیروی جوان‌تری برای اداره کشور داریم. می‌خواهیم با حضور همه ملت و جوانان ما در سراسر کشور دولت کارآمدتر شود و برای این مهم می‌کوشیم که دولت دوازدهم کمی جوان‌تر شود. رئیس‌جمهور با اشاره به مسئولیتی که دولت در پاسخشگویی به مطالبات مردم بر عهده دارد کابینه‌ای را به مجلس معرفی خواهد کرد که در تحقق اهداف و انجام تعهدات وی در برابر ملت توانا‌تر باشد.

به نظر می‌رسد که در این دوره و با توجه به شعارهای مطرح‌شده از سوی حجت الاسلام روحانی و دیدار رئیس مجلس با رئیس‌جمهور منتخب، تعامل مناسب و قابل‌توجهی بین مجلس و دولت حاصل شود و دولت بتواند وزرایی را به مجلس معرفی کند که مقبولیت و کارآمدی کافی را در بین نمایندگان مجلس داشته باشند.

اصل نانوشرته در جنگ اقتصادی

۲. واکنش‌های ساختاری، به‌معنای تغییر ی وسیع‌تر از آن مصداق، تحولی در ساختارها که در بلندمدت به ثمر می‌نشینند، مانند تغییر تقاضا و منابع عرضه‌ی انرژی و تغییر نظام در آمدی دولت در مقابل شوک نفتی.

اصل نانوشرته‌ای که مورد عمل قرار می‌گیرد، آن است که جنگ اقتصادی نیازمند دفاع اقتصادی است. همان‌طور که اگر به خاک یک کشور تعرض شود و آن کشور به فرستادن چند دیپلمات به خارج جهت حل‌وفصل موضوع بسنده کند، نشانه‌ی ضعف نظامی آن کشور است و طمع‌ها را برای به زانو در آوردن آن جامعه تشدید می‌کند، بسنده کردن به ابزار دیپلماسی در مقابل تحریم اقتصادی، این گونه است.

از منظری دیگر می‌توان هر دو دسته‌ی واکنش‌های سیاسی و ساختاری را به فعال یا منفعل نیز تقسیم نمود. دوزدن کانال رسمی میاده‌ای، واکنش منفعل است (یعنی تنها مشکل ما را حل می‌کند و ضربه‌ای به طرف دیگر وارد نمی‌سازد) حال آنکه افزایش متقابل نرخ تعرفه واردات کالای استراتژیک کشور دیگر، پاسخی فعال به‌شمار می‌رود.

اینکه اقتصادها در مقابل یک تعرض اقتصادی، واکنش سیاسی در پیش بگیرند یا واکنش ساختاری، تا حد زیادی به دو عامل بستگی خواهد داشت:

۱. درجه‌ی حیاتی بودن موضوع تعرض اقتصادی؛ در موضوعات در جه‌دومی می‌توان در کوتاه‌مدت مقابله‌به‌مثل کرد، اما در صورت تهدید شاهرگ‌های حیاتی، لازم است بستر آسیب‌پذیری این بخش حیاتی حذف شود. روشن است که اگر فشار اقتصادی بر روی امنیت غذا و کالاهای اساسی باشد، پاسخ سیاست‌گذار باید متفاوت از زمانی باشد که تنها ورود برخی قطعات یا کاربرد دو‌گانه محدود می‌شود.

۲. چشم‌انداز احتمالی تکرار: در موضوعاتی که به نظر می‌رسد تنها یک بار امکان فشار بر اقتصاد یک کشور وجود دارد، واکنش سیاستی کم‌هزینه‌تر و ژوئیاژده‌تر است، اما در مسائلی که آینده‌پژوهی‌ها از احتمال تکرار آن سخن می‌گویند، به‌ناچار باید واکنشی ساختاری در دسترس قرار گرفت و تا زمانی‌که آسیب مکرر، از بین برود، قطع یک‌ساله‌ی صادرات نفت یا استفاده از شبکه‌ی سوئیفت را می‌توان با ترفندهای کوتاه‌مدت از سر گذراند اما اگر چشم‌انداز عدم دسترس‌سی ده‌ساله باشد نیازمند اصلاح زیرساخت‌هاست.

نکته بسیار مهم دیگر آن است که واکنش‌ها، چه سیاسی و چه ساختاری، باید «متجانس» یا کنش باشد. چنان‌که گفته شد، واکنش متقابل و متوازن را همچنان به یاد دارند، اما گاه سیاست‌گذاران فراموش می‌کنند که قاعددهی تجانس میان کنش و واکنش را نیز باید مراعات کنند. همان‌طور که اگر کشوری علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام نظامی انجام داد، باید منتظر پاسخ نظامی باشد، به همین معیار، اگر تعرض اقتصادی نیز علیه ما صورت

ظرفیت‌های درونی اقتصاد ایران نیز توانایی فرصت برای دفاع مقدس اقتصادی را بیش از پیش فراهم می‌سازد. ایران با ۹۱ درصد منابع نفتی جهان، دومین دارنده منابع نفتی در جهان بعد از عربستان سعودی، و دارنده دوم مخازن گازی در جهان پس از روسیه با ۱۵.۷درصد منابع گازی جهان به حساب می‌آید و در مجموع اولین قدرت نفت و گاز جهان محسوب می‌شود. اگر چه بودجه دولت به میزان زیادی وابسته به درآمدهای نفتی است که خود نقطه‌ضعفی در اقتصاد ایران به حساب می‌آید، اما استفاده ایجاد ارزش افزوده از این منابع و خلق ثروت در درون کشور بوسیله این منابع می‌تواند مانع اثرگذاری تحریم‌ها و جنگ اقتصادی دشمنان شود.

شنیدن عبارت «کنش متقابل و متوازن» عمدتاً برای ما یکی از اصول دیپلماسی را تداعی می‌کند، به این معنا که کشورها، حق را برای خود قائل هستند که در برابر رفتار کشور مقابل، واکنشی هم‌وزن آن داشته باشند. البته آنچه در واقعیت عمل می‌شود، آن است که کشورهای ضعیف، عمدتاً واکنشی بسیار سبک‌تر در موضع‌گیری شفاهی نشان می‌دهند و کشورهای صاحب قدرت، واکنشی بسیار شدیدتر را در عمل به‌اجرامی گذارند. کشته شدن ده تبعه‌ی آسیایی در یک کشور غریب، به اعتراض سخن‌گوی کشور آسیایی منجر می‌شود، اما قتل یک تبعه‌ی امریکایی در کشور دیگری می‌تواند ماه‌ها مناسبات سیاسی را متأثر سازد و حتی به مداخله نظامی ایالات متحده بینجامد. امر واقع این است که واکنش‌ها لزوماً هم‌وزن «کنش» نیست، بلکه متناسب با وزن «فاعل واکنش» است. به عبارت ساده‌تر، واکنش به زورمندی کشورهایبستگی دارد؛ کشوری که زور در تراز و زور در بازو ندارد، تنها شیون می‌کند و آنکه دارد، هر قدر می‌تواند تاول می‌ستاند. چنین رویه‌ای کاملاً در منظومه‌ی فلسفه‌ی اصالت قدرت، معنادار است.

اصل کنش متقابل و متوازن در اقتصاد

اصل فوق‌الذکر مختص به حوزه‌ی دیپلماسی نیست و تقریباً در تمامی حوزه‌ها، آسمان همین رنگ است. وضع تعرفه‌ی سنگین بر واردات مثلاً محصولات کشاورزی از سوی اتحادیه‌ی اروپا یا واردات فولاد از سوی چین، اقدامی متقابل را از سوی طرف‌های تجاری آن کشور به‌دنبال خواهد داشت؛ اقدامی به‌تناسب توان اقتصادی طرف‌های تجاری. البته واکنش‌ها همیشه در همان مصداق خاص و بازه‌ی کوتاه‌مدت محدود نمی‌شوند. مثلاً کاهش صادرات نفت کشورهای عربی به غرب که به شوک اول نفتی منجر شد، در کوتاه‌مدت واکنش ویژه‌ای به‌دنبال نداشت؛ زیرا اقتصاد اروپا و امریکای شمالی وابسته به واردات نفت خاورمیانه بود، اما منشأ تدبیر بلندمدتی شد که هم از طریق تحولات تکنولوژی تولید و مصرف و از هم‌طریق ابزارهای قیمتی و غیرقیمتی، وابستگی غرب به نفت خاورمیانه را کاهش داد. بدین‌ ترتیب می‌توان میان دو دسته‌ی واکنش تمایز قائل شد:

۱. واکنش‌های سیاسی، به‌معنای اتخاذ سیاستی متقابل در همان موضوع که به‌سرعت قابل اعمال است، مانند دوزدن کانل‌های رسمی تجارت و میاده‌له‌ای آری یا افزایش رخ تعرفه‌ی واردات یک کالا در مقابل دامپینگ کشور مقابل.



سئول اوروپا می‌گوید اگر یروپا نبود، حتماً جنگ بود و دروغ بعضی چیزها می‌گویند جنگ برای اینکه ذهن ما را در به جنگ ایا جنگ واقعی چیز دیگر است جنگ واقعی جنگ اقتصادی است، جنگ واقعی تحریم است جنگ واقعی عرضه‌کار و وفایست و فناوری در داخل کشور است

جنگ واقعی جنگ اقتصادی است

گرفت، باید واکنش اقتصادی (چه منفعل و چه فعال) در دستور کار قرار گیرد. البته این به معنای عدم استفاده از ظرفیت‌های دیگر مانند دیپلماسی نیست، اما نباید جای

اصل و فرغ تغییر یابد.

اصل نانوشرته در جنگ اقتصادی

اصل نانوشرته‌ای که مورد عمل قرار می‌گیرد، آن است که جنگ اقتصادی نیازمند دفاع اقتصادی (یا حتی افتند اقتصادی) است. همان‌طور که اگر به خاک یک کشور تعرض شود و آن کشور به فرستان چند دیپلمات به خارج جهت حل‌وفصل موضوع بسنده کند، نشانه‌ی ضعف نظامی آن کشور است و طمع‌ها را برای به زانو در آوردن آن جامعه تشدید می‌کند، بسنده کردن به ابزار دیپلماسی در مقابل

استفاده از سپر اقتصادی در برابر مشعشر اقتصادی بود. همچنین نزدیک‌ترین نمونه، واکنش روسیه به تحریم‌های اقتصادی یک سال اخیر بوده است. از اواسط مارس ۲۰۱۴ (و اواخر اسفند ۱۳۹۲) و پس از مناقشه‌ی کریمه، شورای اتحادیه‌ی اروپا و هم‌زمان رئیس‌جمهور آمریکا از اختیارات خود برای وضع تحریم علیه روسیه استفاده کردند؛ تحریم‌هایی که بیشتر بر بانک‌های بزرگ روسی، شرکت‌های بزرگ انرژی روسیه و صنایع دفاعی و امنیتی مسکو و تجارت کالاهای مرتبط با آن‌ها یا اوراق بهادار آن‌ها وضع شدند. البته دامنه‌ی این تحریم‌ها بسیار محدودتر از تحریم‌های سال ۲۰۱۰ تاکنون ایران و پایه‌ی حقوقی آن‌ها بسیار لرزان‌تر است.

۱. در پاسخ به تحریم‌های محدود فوق، در اگوست ۲۰۱۴ روسیه ممنوعیت گسترده‌ای را بر واردات میوه، سبزیجات، محصولات لبنی، ماهی و گوشت از کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا، امریکا، استرالیا و نروژ برای مدت یک سال وضع کرد. این در حالی است که روسیه دومین بازار صادراتی محصولات غذایی اتحادیه‌ی اروپا پس از امریکاست. به‌نظر می‌رسد این تحریم‌ها، اثرات گسترده‌ای بر کشاورزی و اقتصاد اروپا خواهد داشت، زیرا اروپا در سال ۲۰۱۳، ۱۱.۲ میلیارد یورو صادرات مواد غذایی به روسیه داشته است. پیش‌بینی می‌شود ۵.۲ میلیارد یورو از این میزان به‌علت ممنوعیت اعمال شده‌ی از سمت روسیه کاهش یابد. روسیه تلاش کرده‌است این کاهش واردات را با استفاده از ظرفیت‌های موجود در کشورهای نزدیک به خود و همچنین کشورهای امریکای جنوبی بال‌اخص برزیل، جبران کند.

۲. ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۴ مقامات روسیه از تشکیل صندوق حمایت از بنگاه‌های آسیب‌دیده از تحریم خبر دادند. به گفته‌ی وزیر اقتصاد روسیه، این صندوق که با مقداری از مازاد بودجه‌ی دولت به‌خاطر تصمیم‌اخیر مبنی بر توقف تزریق بودجه به صندوق بازنشستگی تأمین مالی خواهد شد (کل این میزان ۸.۱۸ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که نسبتی از آن به صندوق مذکور انتقال خواهد یافت)، با سرمایه صد میلیون روبل، کار خود را آغاز خواهد کرد.

۳. ۲۹ ژانویه ۲۰۱۵ آخرین نخست‌وزیر روسیه، طرحی را با عنوان طرح ضدیحران ۱ امضا کرد که شامل حمایت از بانک‌ها و بنگاه‌های آسیب‌دیده‌ی این کشور و همچنین حمایت‌های اجتماعی نظیر افزایش پرداخت به بازنشستگان بود. ارزش کل این کمک‌ها ۳۵ میلیارد دلار برای یک سال عنوان شده‌است. یکی از نکات قابل توجه در این طرح، کاهش اثر هزینه‌های دولت به میزان ده درصد به‌جز هزینه‌های دفاعی، حمایت از کشاورزی و هزینه‌های ناشی از تعهدات اجتماعی و بین‌المللی دولت است. ۴. در مقابل محدودیت‌های وضع‌شده در حوزه‌ی انرژی، شرکت گاز پرور روسیه در ماه ژوئن، قرارداد

چهارصد میلیون دلار ی با شرکت ملی نفت چین برای صادرات سالانه ۳۸ میلیون مترمکعب گاز طبیعی به چین از سال ۲۰۱۹ به بعد امضا کرد. سه ماه پس از این قرارداد، رئیس‌جمهور روسیه کار ساخت خط لوله‌ی چهار هزار کیلومتری را که قرار است این گاز را به چین برساند، آغاز کرد. در ماه‌نوامبر نیز چین و روسیه قرار داد دیگری را امضا کردند که موضوع آن صادرات سی میلیون مترمکعب گاز طبیعی از مسیری دیگر به چین بود.

۵. طلا: ۱۰۶ درصد از کل ذخایر روسیه را تشکیل می‌دهد. این میزان در سال ۲۰۱۳ کمتر از ۸.۴ درصد بوده است. روسیه حدود ۱۱۵ تن طلا به ذخایر خود در سال ۲۰۱۴ اضافه کرده‌است. تقریباً پنجاه درصد افزایش در خریدهای دو سال گذشته دیده می‌شود. یکی از دلایل افزایش ذخایر طلا در شرایط تحریمی، تنوع بخشی به دارایی‌های ملی است؛ خصوصاً در شرایطی که دلیل تحریم‌های اروپا و آمریکا، ذخایر دلار و یورویی با خطر مسدود شدن مواجه است. این امر تا حدود زیادی این اقدام

بانک مرکزی روسیه را توجیه می‌کند.

پس از تحریم‌های غرب علیه روسیه، این کشور جایگزینی ارزهای محلی و اجرای پیمان پولی وجانبه را در دستور کار خود برای میاده‌له با سایر کشورها قرار داد. نمونه‌ی بارز آن قرارداد این کشور با چین در این رابطه است که مختصرأ در بخش گذشته ذکر شد. البته چنین نیز از انگیزه‌ی کافی برای برقراری چنین پیمان‌هایی با روسیه برخوردار بوده است. این اقدام موجب کاهش نیاز به ارزهای جهان‌وا نظیر دلار و یورو برای بخش زیادی از تجارت خارجی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

طرفداران سنت جان رالز در حوزه‌ی عدالت، معتقدند اولویت دادن به پایین‌ترین گروه‌های جامعه برای حمایت، ناشی از این است که گروه‌های مذکور ضعیف‌ترین حلقه‌ی زنجیره‌ی اجتماع‌اند که از هم گسستن یساقوتی‌توان زنجیره، از این محل صورت می‌گیرد. در اقتصاد ایران نیز تا توجه به اینکه بیش از همه، بنیه‌ی تولید داخل و همچنین نظام در آمد- هزینه‌ی دولت به‌عنوان حلقه‌های در معرض آسیب مطرح‌اند (تحریم نیز از طریق وابستگی این دو حلقه، متغیرهای داخلی را متأثر می‌سازد)، هدف در معرض آسیب مطرح‌اند (تحریم نیز از طریق وابستگی سیاست‌های اصلاح ساختار باید ابتدا تمرکز بر این دو حلقه‌ی شکننده باشد. البته تأکید بر برنامه‌ی اصلاح اقتصادی به‌معنای عدم استفاده از ظرفیت‌های دیگر

مانند ابزارهای دیپلماسی نیست، اما نباید قاعده‌ی تجانس میان کنش و واکنش را از یاد برد؛ قاعداه‌ی که به‌معنای تمرکز کانونی بر مصون‌سازی اقتصاد ایران است؛ یعنی پیچ اقتصاد، ابزار و اهرم اقتصادی می‌طلبد. همچنین از این نوشتار معرفی شد، با توجه به هدف گیری شریان‌های حیاتی اقتصاد ایران و چشم‌انداز تکرار این فشار‌ها در آینده، اولویت سیاست‌گذاری، انتخاب واکنش‌های ساختاری است که اساساً بستر آسیب‌پذیری اقتصاد را به حداقل برسانند؛ واکنشی که مستلزم لحاظ افق‌های بلندمدت و رهایی از زودطلبی و کوتاهگری است.

اصلاح ساختار اقتصادی چالش اصلی پیش روی دولت دوازدهم



متفاوت باشد و دولت دوازدهم از فرصت‌های پیش رو استفاده کند. البته این هم مطرح است که افرادی که عوض می‌شوند یا تغییر بهتر یا بدتری جایگزینشان خواهد شد؟ در نهایت باید دید اگر تغییر می‌کنند چه کسی جایشان قرار می‌گیرد ولی حداقلش می‌توانیم بگوییم که جناب آقای حسن روحانی اگر نخواهد همین روند دولت قبل را ادامه بدهد باز هم همان مسیر قهری و تخریبی ادامه میابد.

داریم پر از فرصت است ما فرصت‌های زیادی داریم برای اینکه به یک قدرت بین‌المللی اقتصادی تبدیل شویم تا علاوه بر اینکه رفاه مردم خودمان را بالا ببریم و مشکلات داخلی را حل کنیم پایه‌ریزی تمدن بزرگ اسلامی را هم در جهان داشته باشیم و به عنوان قدرت قابل توجه اقتصادی در دنیا شناخته شویم.

فرصت‌هایی که تهدید شد

وی بر این باور است که اقتصاد ایران ظرفیت‌های بالایی برای حل مشکلات دارد اما مناسفانه دولت یازدهم این ظرفیت‌ها و فرصت‌ها را تبدیل به تهدید کرده و عمل‌ناوانسته بهره‌بردار ی خاصی از آن

عبدالمکی می‌گوید: ما الان ظرف چهار سال از مدیریت دولت یازدهم می‌بینیم که وضعیت اقتصادی نسبت به چهار سال قبل به مراتب بدتر شده است چنانچه ما اگر در سال ۹۲ معضل بیکاری و با یبانی اینکه فضای کسب و کار یکی از بخش‌هایی است که نیازمند اصلاح است، می‌افزاید: از صدور مجوز گرفته تا دریافت مالیات و نظارت بر عملکرد تولیدکننده و تشویق به صادرات، کمک به افزایش دانش تجاری و دیگر عرصه‌های فضای کسب و کار نیاز به اصلاح دارد. طیفانی ادامه می‌دهد: یک تولیدکننده بر دریافت مجوز فعالیت اقتصادی باید ۶ ماه به دستگاه‌ها و نهاد‌های مختلف رفت و آمد کند. این موضوع برای یک اقتصاد نشنه ایجاد اشتغال، جای تعجب دارد.

وی نقدیبنگی بیش از هزار و ۲۰۰ هزار میلیارد تومان در کشور را یکی دیگر از چالش‌های دولت دوازدهم دانسته و می‌گوید: این رقم در اقتصاد ایران بی‌سابقه است و می‌تواند دستاوردهای موجود را به خطر بیندازد.

طیفانی به بدهی دولت به سازمان‌ها و نهاد‌های مختلف اشاره کرده و می‌گوید: دولت در صورتی می‌تواند بودجه لازم جهت رفع این بدهی‌ها را تأمین کند که رونق اقتصادی ایجاد کند و در پی آن با افزایش اشتغال میزان در آمد دولت از محل مالیات افزایش پیدا می‌کند.

تغییر وضع موجود در گرو اصلاح ساختار اقتصادی
وی تأکید دارد که اما همه این مسائل به‌اصلاح ساختار اقتصادی بستگی دارد و می‌گوید: سیستم مالیاتی کشور باید اصلاح شود تا عملکرد ضد رونق تولید نداشته باشند، بانک‌ها هم برای اینکه بتوانند در رونق کسب و کار اثر گذار باشند، باید اصلاحات گسترده‌ای را بپذیرند.

وی با بیان اینکه بانک‌ها در وضعیت موجود پشتیبان تولید نیستند، می‌گوید: حل همه این مسائل به اصلاح ساختار اقتصادی برمی‌گردد و بدون آن امکان پذیر نیست.



اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) هم اقتصاد ایران را پر از ظرفیت و فرصت می‌داند و ادامه می‌دهد: تمام آنچه ما

از منظر کارشناسان مهم‌ترین چالش پیش روی دولت دوازدهم اصلاح ساختار اقتصادی به منظور حل مشکلات و بحران‌های اقتصادی است و این باید بتوانند مسئله بیکاری، بحران نظام بانکی، تورم، رکود، رشد منفی صادرات غیر نفتی و معضل تعطیلی کارخانجات تولیدی کشور را حل کنند.

موعد به سرانجام رسیدن شعارهای انتخاباتی دولت یازدهم به پایان رسید و دولت دوازدهم باز هم در ریاست جمهوری حسن روحانی و برای چهار سال آینده در پاسستور باقی ماند. تحلیل عملکرد دولت یازدهم حاکی از کارنامه غیر قابل قبول کابینه آقای روحانی در عرصه‌های مختلف علی‌الخصوص در عرصه اقتصاد دارد چنانچه به ادعای برخی از کارشناسان معضل و مشکل اقتصادی سال ۹۲ اکنون و در آغاز سال ۹۶ به بحران مبدل گشسته و این از مهم‌ترین چالش‌ها و تهدیدات دولت دوازدهم در دوران پسا انتخابات خواهد بود.

شاید باید اینکه‌ها با مسئله روبرو شد که دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با همه خوب و بد‌هایش با رأی ۲۳ میلیون ایرانی به رئیس‌جمهور منتخب به پایان رسید، حداکثری که به وعده‌های محقق شده و نشده آینده رییس‌جمهور دل بستند و به امید تحقق آنچه در مینگاه‌هایش شعار می‌داد برای دیگر به چهار سال آینده و به امید رفع معضل بیکاری و بحران‌های اقتصادی کشور دلخوش کردند! حال باید دید در دوران پسا انتخابات دولت دوازدهم چگونه می‌خواهد با چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیداتی که زاده عملکرد نامناسب خودش است روبرو شود تا بتواند به حضور ۷۳ درصدی مردم ایران در انتخابات ۱۳۹۶ دربیشتر پاسخ دهد؟

از منظر کارشناسان مهم‌ترین چالش پیش‌روی دولت دوازدهم ساختار اقتصادی دولت به منظور حل مشکلات و بحران‌های اقتصادی است. دولت دوازدهم باید بتواند مسئله بیکاری را که با اعلام مرکز آمار ایران در سال گذشته با افزایش ۱.۴ درصدی به حدود ۱۲.۴ درصد رسیده، بحران نظام بانکی کشور، تورم، رکود، رشد منفی صادرات غیر نفتی و معضل تعطیلی کارخانجات تولیدی کشور که برخی در اثر افزایش بی‌رویه واردات و قاچاق به تعطیلی کشیده شده‌اند را حل کند.



عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان ، مهم‌ترین چالش پیش‌روی دولت دوازدهم را معضل بیکاری و حفظ دستاوردهای فعلی دولت در

تولید اشتغال اقتصاد مقاومتی

تأکیدات مقام معظم رهبری بر لزوم اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی نشان از اهمیت این مسئله دارد؛ چراکه در شرایط فعلی، مهم‌ترین راهسکار جهت مقابله با هجمه‌ی سسنگین تحریم‌های دشمن تحقق اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست، یک واقعیت اقتصادی است که شاخص‌های آن ریشه در عمل دارد، نه حرف.



دکترابراهیم رزاقی

الفای تفکر اقتصاد مقاومتی یک تدبیر هوشمندانه است که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است تا مردم و مسوولین به طور جدی به این مسأله توجه کنند. اقتصاد مقاومتی مکمل جهاد اقتصادی است. تأکیدات مقام معظم رهبری بر لزوم اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی نشان از اهمیت این مسئله دارد؛ چراکه در شرایط فعلی، با هیچ‌سلاحی جز اقتصاد مقاومتی نمی‌توان در برابر هجمه‌ی سسنگین تحریم‌های دشمن مقاومت کرد. با کمی تأمل در باب اقتصاد مقاومتی درمی‌یابیم که اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی نیازمند بازنگری در سبک زندگی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی با رها بر ضرورت دستیابی به اقتصاد مقاومتی تأکید فرموده‌اند و بسیاری از صاحب‌نظران و اقتصاددانان نیز معتقدند که بنای اقتصاد مقاومتی از دل رفتارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم بیرون می‌آید. از این رو، به نظر می‌رسد که در مقطع فعلی، نیازمند یک رویکرد انقلابی و جهادی در سبک زندگی هستیم. در قسمت اول این گفت و گو دکتر رزاقی در نگاهش سرمایه داری گفت: «سرمایه‌داری یک اقتصاد مهاجم است. تهاجم به این معنا که در ذاتش می‌خواهد تولید را زیاد کند و کالا را بفروشد، ولی از طرف دیگر، ذاتش این‌طور است که تولید می‌کند و می‌فروشد، سود دست یک عده‌ی اندکی تراکم پیدا می‌کند. یعنی دالما جامعه را دوقطبی می‌کند؛ یک قطب امکانات بسیاری دارند و یک قطب اصلا

هفته‌نامه
سیاسی
فرهنگی

یکشنبه

• ۱۸ تیر ۱۳۹۶ • ۱۴ شوال ۱۴۳۸ • ۹ ژوئیه ۲۰۱۷ • شماره ۲



اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست!

انجام می‌دهد و به نظرش اشکالی ندارد.

در واردات نگاه کنید، نفت خام می‌دهیم، کالا وارد می‌کنیم، چرا نفت خام را تبدیل نمی‌کنیم؟ چرا صنعتی به وجود نمی‌آوریم؟ امام

● **شما معتقدید سیاست‌های اقتصادی و سبک زندگی تأثیر و تأثر دوسویه‌ی پر یکدیگر دارند. آیا می‌توانید سیاست‌های کلان اقتصادی را آسیب‌شناسی بفرمایید و تأثیر آن را در سبک زندگی مردم مورد بررسی قرار دهید؟**

بله، به‌عنوان مثال، ما امکان می‌دهیم برای کالاها تبلیغات کنند، اولین نکته اینکه شما کالا را معرفی می‌کنید یسا تبلیغ؟ اگر معرفی می‌کنید که خوب است، مزایای کالا را بگویید. همان مزایا را هم که بگویید، برای بیننده‌ها نیازمندی نسبت به مصرف آن کالا ایجاد می‌شود، در حالی‌که آن‌ها پول هم ندارند، پس ما داریم تخریب می‌کنیم. نکته‌ی دیگر اینکه در تمام دانشگاه‌ها دارسیم باورهای سرمایه‌داری را درس می‌دهیم، همه‌ی وزیر و وکیل‌هایمان هم همین سرمایه‌داری را پیاده می‌کنند. بن این سرمایه‌داری چیست؟ خود، خودپرستی، سودپرستی. هرچه تو می‌گویی درست است، اگر خدایی هم هست، در درون توست. خودش خدای خودش را توجیه می‌کند.

در واقع این شیطان است، اما او فکر می‌کند که خداست. در این مورد نیازی که می‌خواهد برطرف کند بی‌نیهایت است. هر کاری که می‌خواهد حمایت از تولیدکننده داخلی و پیا ارائه دادن به او، باید تولیدکننده داخلی را تضمین کنیم. کشاورزان ما از در ماندگی فقر ننیاید آواره شوند و زمین و روستا را رها کنند.

که ما آلودهایم می‌کنیم. در همین ایران، در شهرهای بزرگی مثل تهران، سرطان بیداد می‌کند، یکی از دلایلش داشتن اتومبیل است. زباله‌هایی که تولید می‌شود به‌نجوی نیستست که در طبیعت به موادی تبدیل شود که طبیعت را آسیب‌پذیر نکند. اقیانوس‌ها دارد زباله‌دان می‌شوند. آب‌های شیرین به صورتی درمی‌آید که می‌بینید. چرا باید این قدر مصرف کنیم؟ چرا نباید محدودیت باشد؟ کتاتی که خود دولت دارد انجام می‌دهند، نمی‌آید حتی این اتفاقات را بررسی کرده و در کار خودش تجدیدنظر کند. طبق سیاست‌های سرمایه‌داری، دلار ارزان‌قیمت می‌فروشیم که قیمت دلار را بشکنیم. چرا؟ این دلارهای نفتی که با هزینه‌های واقعی جامعه به دست آمده میراث ماست، ما اما همه را داریم در یک نسل نابود می‌کنیم و برای هر دلاری که به دست می‌آوریم، باید حجمی از منابع نفت خام را بدهیم.

اگر یک آمریکایی مصرف‌گرایی می‌کند، توسط تولید داخلی یا غربی است، اما مصرف‌گرایی ما براساس تولید خارجی و فروختن نفت خام است. بعد آدم‌هایی را تربیت می‌کنیم که تحت تأثیر مصرف‌گرایی، هرچه به دستشان برسد باز هم ناراضی هستند، چون نمی‌دانند محدودیت و شأن انسانی یعنی چه.

● **سابقه‌ی لیبرالیسم اقتصادی به کدام دولت‌ها برمی‌گردد؟**

از زمان محمدرشاه هم وجود داشته است، ولی نه این‌قدر شدید.

نسخه واقعی درمان اقتصاد



در مجموعه اقتصاد مقاومتی دولت، بر‌نامه ملی جهت تغییر سیاست‌های تجاری واردات‌محور به صادرات‌محور ملاحظه نمی‌شود و به دلیل قدرت واردکنندگان بزرگ، جامعه به تصمیمات روزانه مشوق واردات، هم عادت کرده و هم ناراضی است.

● **سیاست‌های اعتباری نظام بانکی ایران:**نظام پولی فعلی سیستمی فاقد چنگیری مشخص به نفع تولید است، در صورتی که در اقتصاد بانک پایه ایران نظام بانکی بالاترین قدرت تخصیص منابع

نمونه طبق استانداردهای موجود پیش‌نیاز کارهای خرد داشتن فضای فیزیکی است که اغلب مردم و کارآفرینان از تأمین آن کاملاً عاجزند که می‌توان با تغییر استانداردها، فضاهای کسب و کار اجاره‌ای یا مکانی توسط دولت فراهم کرد تا نظایر اقتصادهای موفق جهانی،

ثمره تلاش‌های آموزشی و علمی حاصل شود.

● **نظام تجاری واردات‌محور به دلیل وجود منابع ارز نفت همواره یک چالش بزرگ اقتصاد کشور است**

اقتصاد مقاومتی

چون لیبرالیسم اقتصادی از دهی هفتاد به وجود آمده است. قبلاً لیبرالیسم آدام اسمیتی بوده، بعد از آن شده است مدیریت اقتصادی. بین جنگ اول و دوم که بحران اقتصادی به وجود آمد و تغییر کرد تا حدوداً سسی سنال پیش، مدیریت اقتصادی کنزی بوده است؛ ولی بعد از آن، مدیریت آمریکایی سر کار آمد و در ایران هم سیاست تعدیل اقتصادی از حدود ۲۵ سال پیش، یعنی بعد از جنگ، در حال اجراست، این نشان می‌دهد که با درآمدهای نفتی و واردات شدید، آدم‌ها را مصرف‌گرا کرده‌ایم. اگر یک آمریکایی مصرف‌گرایی می‌کند، توسط تولید داخلی یا غربی است، اما مصرف‌گرایی ما براساس تولید خارجی و فروختن نفت خام است. بعد آدم‌هایی را تربیت می‌کنیم که تحت تأثیر مصرف‌گرایی، هرچه به دستشان برسد باز هم ناراضی هستند، چون نمی‌دانند محدودیت و شأن انسانی یعنی چه. ولی خود دولت، کارشناسان اقتصادی، وزرا و نمایندگان مجلس واکنش مثبت نشان ندادند و شاید بتوان گفت روحانینو ما اصلاً اقتصاد را نمی‌شناسند، اقتصاد سرمایه‌داری و سیاست تعدیل اقتصادی که به شکل آمریکایی جلو می‌رود، ریشه‌ی تمام فرهنگ و دین و سنت‌های ما را می‌وزاند. ● **قاعده تا بخش‌ی از این نظام لیبرالیسم اقتصادی ربوی است.**

● **به نظر شما، ربوی بودن این بخش از اقتصاد روی سبک زندگی اثر گذار نیست؟**

یکی از کوچک‌ترین نتایج این اقتصاد، ربا، پول حرام و نفهمیدن همین مسئله است. آن چنان فرد شیفته‌ی پول و ثروت است که چیزی نمی‌فهمد. همه را توجیه می‌کند، مثل خود آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها، آن‌ها همه‌شان بی‌دین نیستند، ولی به آن‌ها آموزش داده شده که دین رابطه‌ی بین تو و خداست. روحانیت این‌طور می‌گوید. اینکه دین قرار است رابطه‌ی من و خدا باشد، یعنی چه؟ من هر کاری کنم می‌گویم خدا خواسته است و توجیه می‌کنم. به ما این نیرو داده شده است، اما عملاً این نیرو را به جای اینکه صرف نزدیک شدن به خدا کنیم، صرف نزدیک شدن به شیطان می‌کنیم.

من مسئولم و این آزادی هم به من داده شده است، ولی فکر می‌کنم که مرید شیطان نشده‌ام و انسال متدینی هستم. غرب هم همین‌طور است. از درون دگرگون می‌کند، بدون اینکه در ظاهر قضیه چیزی را نشان بدهد. زمانی که عمومیت پیدا کرد، ظاهر قضیه هم خودش را نشان می‌دهد. فکر می‌کنم با گزینش لیبرالیسم اقتصادی اتفاقاتی در جامعه‌ی ما رخ داد. خیلی‌ها از این تفکر دفاع می‌کنند، عملاً با مالیات نگرفتن، با تسهیلات قائل شدن، جلوی فساد را نگرفتن، رقم‌های کلان و فسادهای خود بانک‌ها، شرایطی به وجود آمده است که بعضی از روحانیون هم وارد عرصه شده‌اند. بعد از جنگ، خصوصی‌سازی‌هایی راه انداختند و عده‌ای را پولدار کردند. طوری شده است که انگار این‌ها مغایرتی با دین ندارد.

● **آقای دکتر به نظر شما، مدیریت مصرف چه اندازه در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش دارد؟**

مهم‌ترین راهکار تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی این است که منویات مقام معظم رهبری در این زمینه کاربردی و اجرایی شود و این امر مستلزم داشتن یک روحیه جهادی در مردم است. مقام معظم رهبری مدیریت مصرف را یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی میدانند و در جایی‌فروموند: «مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است، یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. بر مردم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیردولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند» در حقیقت مردم مسئولان، مجلس هر کدام رکن‌های اثرگذار در اقتصاد مقاومتی هستند اما مدیریت درست منابع در دست مردم است که این مسأله با اصلاح سبک زندگی محقق می‌شود.

کارآفرین در جهت عدالت‌بنیانی اقتصاد وجود نداشته و اصل ۴۳ قانون اساسی یعنی فراهم آوردن وسایل و امکانات کار برای افراد در اشکال گوناگون به پونه اجمال سپرده شده است.

● **هستاستار بیمار مالیه دولتی ایران:** برای تعادل بخشی بودجه کشور و مقاوم‌سازی آن بر‌نامه اساسی تحول‌ساز در چهار جزء درآمدها (مالیات) نفت) و مصارف (جاری و عمرانی) لازم است.

الف -درآمدهای مالیاتی: بر‌نامه جامع نظام مالیاتی تا مرحله تصویب و اجرا قاطعه‌در بر‌نامه ششم اجراشود (برای شفاف‌سازی معاملات و روی زمین آوردن اقتصاد زیر‌زمینی مالیات بر ارزش افزوده با همکاری دستگاه‌های دولتی و ملت نهادی شود).

ب -در حوزه درآمدهای ریالی ناشی از صادرات نفت نظیر صندوق توسعه ملی که ماهیت سرمایه گذاری دارد، صندوق تشبیتی ارز برای مقابله با شوک‌های قیمت نفت تاسیس و از این تجربه جهانی برای جلوگیری از شوک‌های بودجه‌ای استفاده شود (در جهت تحقق ایده رهایی از وابستگی بودجه به نفت و دیگر جنبه‌های منفی درآمدهای نفتی ارزی که ریاال آن همواره موجب گسترش یکسویه تشکیلات اداری کشور می‌شود).

ج -در حوزه مصارف بودجه: پروژه‌های عمرانی در کشور در جهت بسترسازی فعالیت‌های گسترده اقتصادی با رعایت اولویت‌ها تکمیل و ادامه یابد و از تداوم و تعمیق ر کودا اجتناب شود. در این راستا، چاره کار اجرای طرح‌های عمرانی با مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی است. در این روش با بانک بودجه عمرانی می‌توان ۱۰ برابر طرح اجرا کرد و شاهد حضور پیمانکاران و توانمندی بخش غیردولتی بود. این شیوه‌نه تنها برای طرح‌های نیمه‌تمام بلکه باید برای طرح‌های جدید نیز در دستور کار باشد و اگر درست و دقیق اجرا شود، انقلابی در بهره‌وری، سرعت بخشی و گسترش طرح‌های عمرانی است و الگویی برای پیمانکاران ایرانی در منطقه محسوب می‌شود.

د -بودجه‌ریزی عملیاتی نیز می‌تواند در کارایی هزینه‌های جاری و محدود کردن مخارج زائد موثر باشد.

● **عذهنیت مشترک:** مهم‌ترین رکن تحولی، نیروی انسانی است و تحول در نیروی انسانی به معنای تحول در نگرش‌ها و مهارت‌هاست. افراد براساس نگرش‌های خود رفتار می‌کنند. تبدیل رویکردهای اقتصاد مقاومتی سه ذهنیت مشترک در جامعه و باورمندی به آن سنگ زیربنای حرکت در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است. در این مسیر لازم است ابتدا خوددولت‌مدردان و مدیران کلیدی نظام در مقام عمل و گفتار، با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی همسو بوده و این سیاست‌ها را شاخص‌سازی مناسب، مهم‌ترین مبنای ارزیابی عملکرد قرار دهند تا در عمل تمامی آحاد نیروی انسانی به عینه دریا بند اهتمام به سیاست‌های کلی اقتصادمقاومتی مبنای برجستگی و توجه است و شایسته‌سالاری بر این اساس باز تعریف تا مدیریت‌ها جهادی شود.

● **لزوم طراحی نقشه راه:** تحقق اقتصاد مقاومتی مستلزم توجه بر‌نامه‌محوری است که ریشه اساسی آن مضامین یا خودبنددهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. بر همین اساس نقشه راه شامل محورهای ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی و متناسب با هر یک از آنها سیاست‌های پولی مالی - مالیاتی، تولیدی - تجاری، فرهنگی - اجتماعی و ... همراه بر‌نامه‌های اقدام برای تحقق هر یک و نهادسازی‌های مهم متناظر با آنها و همین‌طور تعیین نقش آفرینان محوری (دستگاه‌های مسئول) است.

امیداست دولت محترم با همکاری مجلس شورایی اسلامی در بر‌نامه‌های اقدام برای این سیاست‌ها به‌ویژه اولویت پنجساله آن در لایحه بودجه ششم توسعه گام‌های ارزشمندی را به سوی استحکام اقتصاد ملی برداشته و آن را ملاک قضاوت جامعه قرار دهد.

تولید، صادرات، نفوذ بین‌المللی



دکتر حسام‌الدین واعظ زاده

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

یکی از نسخه‌های مفید برای درمان وضعیت تولید و اشتغال در کشور توجه به فرصت‌های بافعل و بالقوه صادرات در عرصه بین‌المللی است. تجربه‌های بین‌المللی پیش روی ما بر این واقعیت تاکید دارند که عمده کسب‌وکارهای موفق جهان برای رونق تولید و ایجاد اشتغال، همزمان به فکر صادرات و رصد بازارهای جهانی بوده‌اند.

براساس مطالعات بین‌المللی، ارتباط مستقیمی بین ارتقای کیفیت و خلاقیت در تولید و صادرات وجود دارد. یعنی اگر نیاز به کالای تولید داخل در خارج از کشورباشد، رغبت، انگیزه و تلاش مضاعفی برای تولید و بالابردن کیفیت آن در داخل به وجود می‌آید. شرکت‌هایی که کالای خود را صادر می‌کنند، در مقایسه با شرکت‌هایی که صادرکننده نیستند، تولید بالاتر و با کیفیت‌تری دارند.

ورود شرکتهای خصوصی به بازارهای جهانی، امید، خلاقیت و توانایی شرکت‌های داخلی را افزایش می‌دهد. هند و ترکیه دو کشوری هستند که تولید داخلی خود را براساس ورود به بازارهای منطقه‌ای و جهانی تنظیم کرده‌اند. آنها توانسته‌اند سرعت عمل در تولید و نیز صادرات را برای پاسخ‌گویی بموقع به درخواست‌های بین‌المللی افزایش دهند. این توجه و تمرکز استراتژیک، موجب ظهور و گسترش شرکتهای تولیدی چابک با سرعت عمل بالا و بهینه در بازاریابی، تولید با کیفیت و بالاخره صادرات به موقع و موثر به بازارهای منطقه‌ای شده است. ترکیه در بحران سیاسی اقتصادی قطر، علی‌رغم مسافت بیشتر نسبت به ایران، با استفاده سریع و راهبردی از این زنجیره برای تأمین ۸۰ درصد از نیاز بازار مصرف قطر توانست سریع‌تر از ایران اقدام کند. ترکیه در سال ۲۰۱۶ حدود ۴۴۰ میلیون دلار صادرات با تراز تجاری مثبت به قطر داشته است.

بخش خصوصی ما هنوز سنتنی و ضعیف عمل می‌کند و به همین دلیل، عمده صادرات ما از بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی است. براساس آمار اتاق بازرگان ایران، در سال ۱۳۹۲ میزان صادرات غیرنفتی به ۲۰۰ میلیارد دلار، و در سال ۹۴ براساس آمار همگم ایران به میزان ۴۲ میلیارد و ۴۱۵ میلیون و در سال۱۳۹۵ به ۴۳میلیارد و ۹۳۰ میلیون دلار رسید. در سال ۱۳۹۴ پس از گذشت ۲۷ سال از انقلاب، برای اولین بار کارنامه تجارت خارجی کشور را تراز بازرگانی مثبت به پایان رسید.

به علت رقابتی بودن بازارهای جهانی، یکی از فواید تولید برای صادرات این است که شرکتهای صادرکننده باید به فکر بالا بردن کیفیت تولیدات خود باشند، این امر تمایل مردم به استفاده از کالاهای داخلی را افزایش می‌دهد و خودبه خود مانعی برای خرید کالاهای وارداتی جاری می‌است.

برای صادرات این است که شرکتهای صادرکننده باید به فکر بالا بردن کیفیت تولیدات خود باشند، این امر تمایل مردم به استفاده از کالاهای داخلی را افزایش می‌دهد و خودبه خود مانعی برای خرید کالاهای وارداتی خارج‌گردد.

بنابراین، ارتباطی بین رشد اقتصادی و تجارت برقرار می‌شود. ایران می‌بایست این مدل اقتصادی تجاری را بیش از پیش به‌کار گیرد. شرکت‌ها در کشور‌های بزرگ صادرکننده، ابتدا با رصد فرصتهای صادرات و تجارت بین‌الملل اقدام به ایجاد اشتغال و تولید داخلی کرده‌اند. در این مرحله، شرکتهای صادراتی که درچنان فضای رقابت‌آمیز بین‌المللی قرار می‌گیرند، اقدام به یادگیری برای اصلاح روش‌های تولید، افزایش کیفیت و نیز انتقال علم و تکنولوژی می‌کنند. اسلوانی، چند ساله، همین روند را با موفقیت طی کرده است. ژاپن و کره جنوبی دو کشور آسیایی در تکمیل زنجیره تولید، صادرات و نفوذ بین‌المللی بسیار موفق عمل کرده‌اند. فزاینده توجه به فرایند گسترش نفوذ بین‌المللی است. نفوذ در یک کشور خارجی ممکن است با تهدید، زور و فروش تسلیحات باشد که البته اثرگذاری مصنوعی دارد. یکی از عناصر نفوذ در مباحث مربوط به نفوذ بین‌المللی، ساخت و عرضه کالاهای با کیفیت و مورد نیاز سایر کشورها و ملت‌هاست.

جوزف نای اولین کسی بود که این مسئله را مفهوم‌سازی کرد و این نوع نفوذ را «قدرت نرم» نامید. قدرتی که سایر ملل را قادر می‌سازد کالای آنها را بسا رغبت و علاقه، به علت کیفیت بالا هر روز در خانه و زندگی خود استفاده نمایند. این هسان چیزی است که نگارنده از آن به «نفوذخاموش» در عمق فرهنگ و اجتماع سایر کشورها تعبیر می‌کند.

صادرات غیر نفتی ایران باید تا سال ۱۴۰۰ حداقل به سه برابرسال ۹۵ برسد. برای عملیاتی کردن سه راهبرد تولید، صادرات و نفوذ بین‌المللی، ارتباط منسجم و موثری باید بین آنها فراهم شود. لذا دردولت دوازدهم و همه بخشهای حاکمیت از رهبری انقلاب تا قوه قضاییه، از شورای نگهبان تا مجلس شورای اسلامی، از بخش‌های امنیتی و نظامی تا زیر مجموعه دولت و تا بخش خصوصی و اتاق بازرگانی، باید هماهنگ و منسجم، تمام نیرو و توجه خود را بر این سه محور متمرکز کنند تا در این چهارسال پایان قرن، یک گام بزرگ اقتصادی تجاری برداشته شود. هرگونه اختلاف راهبردی در اندیشه و مدیریت بین بخش‌های حاکمیت، بدون شک مانع پیوستگی زنجیره تولید، صادرات و نفوذ بین‌المللی ایران طی چهار سال آینده خواهد بود.

دولت دوازدهم، با انتخاب افرادی با تفکر استراتژیک، عملیاتی و سختکوش و با انگیزه می‌تواند نقش مهمی در ایجاد ارتباط و هدایت این «زنجیره طلایی» ایفا نماید. سرنوشت برجام و عهدشکنی آمریکا هرچه باشد، مخالفین داخلی و خارجی برچشم هرچه گفتند و کردند، دولت دوازدهم نباید از به کارگیری استراتژی اقدام برای تحرک و پویایی زنجیره تولید، صادرات و نفوذ بین‌المللی ایران غافل شود.

یکشنبه

۱۸ تیر ۱۳۹۶ • ۱۴ شوال ۱۴۳۸ • ۹ ژوئیه ۲۰۱۷ • شماره ۲

کارشناسان و مقامات تفاهم دارند که رشد اقتصادی بالاتر و اشتغال بیشتر نیاز جدی کشور است؛ ولی آنچه مورد تقاضی نیست، چگونگی دستیابی به رشد بالاتر است. برخی رقابتی شدن را ضروری می‌دانند و برخی دیگر درون‌گرایی را در اولویت قرار می‌دهند و گروهی از آنان برداشتی از اقتصاد مقاومتی را نشانانه می‌آورند که از این طریق امنیت کشور و نظام بهتر تأمین می‌شود.

متخصصان اقتصاد آزاد معتقدند در دوران جهانی شده امروز جز با رقابتی کردن اقتصاد دستیابی به رشد بالاتر امکان‌پذیر نیست. این گروه معتقدند حتی امنیت و مقاومت کشور در برابر تهدیدهای خارجی از این مسیر نیز به‌خوبی تأمین می‌شود؛ زیرا حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی خود امنیت می‌آورد. این گروه سرنوشت کشورهای مشابه را دلیل بر حقانیت استدلال خود می‌دانند و ادعا دارد که گسترش صادرات در صورتی عملی است که تولید کالای صادراتی در محیط رقابتی صورت گیرد و قیمت و کیفیت آن قابل‌رقابت باشد؛ زیرا اگر به طرف رقابتی شدن نرویم، رویکردی درون‌گرا خواهیم داشت که رشدی درخور برای کشور نخواهد داشت؛ زیرا صادرات کشور به نفت و محصولات جنسی آن محدود می‌شود. علاوه‌بر اینکه قاچاق جایگاهی وسیع برای فعالیت پیدا می‌کند؛ زیرا قیمت‌های داخلی عموماً بالاتر از قیمت‌های بین‌المللی است و دروازه‌های کشور قابل کنترل نیست. وجود بنادر چندگانه نیمه مخفی و کولبران ستم‌کشیده نشان از دو واقعیت دارد. یکی اینکه زندگی مردم و اقتصاد کشور بدون تجارت خارجی مختل است و دیگر اینکه تلاش برای درون‌گرایي، واردات را برطرف نکرده بلکه از طریق سرکوب زیرزمینی کرده است. علاوه‌بر آن کشورهای دیگر از جمله همسایگان اقتصاد آزاد دارند و علاقه‌مند به صادر کردن هستند حتی از طریق مرزهای غیررسمی و کولبری. گروه درونگرا نگران امنیت کشورند البته اگر منافع خاص مطرح نباشد. این گروه از رقابتی شدن اقتصاد نگرانند؛ زیرا فکر می‌کنند با رقابتی شدن، تصمیم‌گیری‌ها در اختیار افراد قابل‌اعتماد نخواهد بود، بلکه بازار و افراد درون آن تصمیم می‌گیرند که شناخته شده نیستند. در نتیجه این گروه از اقتصاد مقاومتی برداشتی درون‌گرا دارند و به بخش خصوصی هم اعتماد کافی ندارند، مگر شناخته شده باشند و این فرآیند در سال‌های گذشته عموماً حاکم بر تصمیمات کشور بوده و به همین دلیل خصوصی‌سازی‌ها به خصولتی‌سازی تبدیل شد. قیمت‌گذاری همچنان پارچا مانده و تعرفه‌های ۱۰۰ درصد جولان می‌دهند. در مقابل گروه اول معتقدند تکیه بر افراد خاصی در ارجح فعالیت‌های اقتصادی فیلسادآور است، ولی گروه درون‌گرا آن را کم‌اهمیت می‌دانند، شاید فکر می‌کنند اگر تأمین منابع برای برخی هزینه‌های جانبی کشور که بغض غیرشفاف هستند و از این مسیر تأمین می‌شوند، فساد قابل‌توجهی می‌شود و فکر می‌کنند رایزرها نسبت خود‌هی‌ها است. باید توجه داشته باشیم که هزینه‌های خاص و محرمانه در همه کشورها وجود دارند ولی هیچ‌گاه آن را از طریق اعطای امتیازهای اقتصادی تأمین نمی‌کنند؛ زیرا رقابت را مخدوش می‌سازد. اداره کشور به ترتیب فوق به‌تدریج تبدیل به لیبوزداری می‌شود که کم و بیش شاهد آن هستیم و تیول‌داران منابع خود را در فعالیت‌هایی درگیر می‌کنند که هدف‌های سیاسی ایجاب می‌کند یا درگیر جریان‌های تجاری پرسود می‌شوند که اکثراً در پشت دیوارهای بلند تعرفه‌ای یا

کارشناسان و مقامات تفاهم دارند که رشد اقتصادی بالاتر و اشتغال بیشتر نیاز جدی کشور است؛ ولی آنچه مورد تقاضی نیست، چگونگی دستیابی به رشد بالاتر است. برخی رقابتی شدن را ضروری می‌دانند و برخی دیگر درون‌گرایي را در اولویت قرار می‌دهند و گروهی از آنان برداشتی از اقتصاد مقاومتی را نشانانه می‌آورند که از این طریق امنیت کشور و نظام بهتر تأمین می‌شود.

متخصصان اقتصاد آزاد معتقدند در دوران جهانی شده امروز جز با رقابتی کردن اقتصاد دستیابی به رشد بالاتر امکان‌پذیر نیست. این گروه معتقدند حتی امنیت و مقاومت کشور در برابر تهدیدهای خارجی از این مسیر نیز به‌خوبی تأمین می‌شود؛ زیرا حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی خود امنیت می‌آورد. این گروه سرنوشت کشورهای مشابه را دلیل بر حقانیت استدلال خود می‌دانند و ادعا دارد که گسترش صادرات در صورتی عملی است که تولید کالای صادراتی در محیط رقابتی صورت گیرد و قیمت و کیفیت آن قابل‌رقابت باشد؛ زیرا اگر به طرف رقابتی شدن نرویم، رویکردی درون‌گرا خواهیم داشت که رشدی درخور برای کشور نخواهد داشت؛ زیرا صادرات کشور به نفت و محصولات جنسی آن محدود می‌شود. علاوه‌بر اینکه قاچاق جایگاهی وسیع برای فعالیت پیدا می‌کند؛ زیرا قیمت‌های داخلی عموماً بالاتر از قیمت‌های بین‌المللی است و دروازه‌های کشور قابل کنترل نیست. وجود بنادر چندگانه نیمه مخفی و کولبران ستم‌کشیده نشان از دو واقعیت دارد. یکی اینکه زندگی مردم و اقتصاد کشور بدون تجارت خارجی مختل است و دیگر اینکه تلاش برای درون‌گرایي، واردات را برطرف نکرده بلکه از طریق سرکوب زیرزمینی کرده است. علاوه‌بر آن کشورهای دیگر از جمله همسایگان اقتصاد آزاد دارند و علاقه‌مند به صادر کردن هستند حتی از طریق مرزهای غیررسمی و کولبری. گروه درونگرا نگران امنیت کشورند البته اگر منافع خاص مطرح نباشد. این گروه از رقابتی شدن اقتصاد نگرانند؛ زیرا فکر می‌کنند با رقابتی شدن، تصمیم‌گیری‌ها در اختیار افراد قابل‌اعتماد نخواهد بود، بلکه بازار و افراد درون آن تصمیم می‌گیرند که شناخته شده نیستند. در نتیجه این گروه از اقتصاد مقاومتی برداشتی درون‌گرا دارند و به بخش خصوصی هم اعتماد کافی ندارند، مگر شناخته شده باشند و این فرآیند در سال‌های گذشته عموماً حاکم بر تصمیمات کشور بوده و به همین دلیل خصوصی‌سازی‌ها به خصولتی‌سازی تبدیل شد. قیمت‌گذاری همچنان پارچا مانده و تعرفه‌های ۱۰۰ درصد جولان می‌دهند. در مقابل گروه اول معتقدند تکیه بر افراد خاصی در ارجح فعالیت‌های اقتصادی فیلسادآور است، ولی گروه درون‌گرا آن را کم‌اهمیت می‌دانند، شاید فکر می‌کنند اگر تأمین منابع برای برخی هزینه‌های جانبی کشور که بغض غیرشفاف هستند و از این مسیر تأمین می‌شوند، فساد قابل‌توجهی می‌شود و فکر می‌کنند رایزرها نسبت خود‌هی‌ها است. باید توجه داشته باشیم که هزینه‌های خاص و محرمانه در همه کشورها وجود دارند ولی هیچ‌گاه آن را از طریق اعطای امتیازهای اقتصادی تأمین نمی‌کنند؛ زیرا رقابت را مخدوش می‌سازد. اداره کشور به ترتیب فوق به‌تدریج تبدیل به لیبوزداری می‌شود که کم و بیش شاهد آن هستیم و تیول‌داران منابع خود را در فعالیت‌هایی درگیر می‌کنند که هدف‌های سیاسی ایجاب می‌کند یا درگیر جریان‌های تجاری پرسود می‌شوند که اکثراً در پشت دیوارهای بلند تعرفه‌ای یا

است. ترکیه در بحران سیاسی اقتصادی قطر، علی‌رغم مسافت بیشتر نسبت به ایران، با استفاده سریع و راهبردی از این زنجیره برای تأمین ۸۰ درصد از نیاز بازار مصرف قطر توانست سریع‌تر از ایران اقدام کند. ترکیه در سال ۲۰۱۶ حدود ۴۴۰ میلیون دلار صادرات با تراز تجاری مثبت به قطر داشته است.
بخش خصوصی ما هنوز سنتنی و ضعیف عمل می‌کند و به همین دلیل، عمده صادرات ما از بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی است. براساس آمار اتاق بازرگان ایران، در سال ۱۳۹۲ میزان صادرات غیرنفتی به ۲۰۰ میلیارد دلار، و در سال ۹۴ براساس آمار همگم ایران به میزان ۴۲ میلیارد و ۴۱۵ میلیون و در سال۱۳۹۵ به ۴۳میلیارد و ۹۳۰ میلیون دلار رسید. در سال ۱۳۹۴ پس از گذشت ۲۷ سال از انقلاب، برای اولین بار کارنامه تجارت خارجی کشور را تراز بازرگانی مثبت به پایان رسید.

هفته‌نامه سیاسی فرهنگی

اندیش‌شوراهبرد



وقت آن است صریح‌تر باشیم

از: «قاچاق و فساد»، «بحران نظام بانکی» و در نهایت «غیررقابتی بودن اقتصاد».

اگر طرفداران درون‌گرایی موافق باشند و دولت نیز پیشنهاد را بیسندد می‌توان برنامه‌ای برای سروسامان دادن به سه مشکل فوق تهیه و پیاده کرد، تا راه برای سایر اصلاحات و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی جهت فعال کردن مزیت‌ها باز شود و امکان ایجاد موقعیت مناسب برای رشد اشتغال فراهم آید و کالای صادراتی نیز قابل‌تولید کردن شود. فکر می‌کنم اگر در این مسیر حرکت نکنیم در آینده نه چندان دور با تصمیم‌گیری‌های بسیار جدی و دشواری مواجه خواهیم شد، ضمن آنکه بخش غیرنفتی اقتصاد کشور با رشد پایین‌تر و حتی منفی مواجه می‌شود. به عبارت دیگر اگر روش اداره اقتصادی کشور را تغییر ندهیم، روز‌های بسیار سختی در پیش خواهیم داشت و همانگونه که گفته شده ناسامانی‌ها تنها در حیطه اقتصاد باقی نخواهند ماند.

شده و حتی سرمایه‌های اساسی کشور چون آب و قهقرا رفته‌اند. به علاوه اجازه طرح این بحث را نمی‌دهند که اگر اقتصاد به‌صورت رقابتی اداره شده بود، در حال حاضر در چه شرایطی بودیم و بسیاری از مشکلات موجود را نداشتیم یا بسیار کمتر از آن بود که با آن مواجهیم. شکی نیست که درآمد نفت یاری‌رسان درون‌گرایان بوده و با وجود آنکه شعار دولت‌های غیروابسته به نفت داده شده، ولی در عمل دولت‌ها هر چه بیشتر به نفت وابسته مانده‌اند و راهی ساده برای خروج از این وضعیت ندارند، ولی حال که درآمد نفت به شدت رو به کاهش است، آیا باز هم می‌توان اقتصاد را به‌صورت درون‌گرا اداره کرد؟

جواب نوسنده منفی است؛ مگر لشکر بیکاران را بیش از آنچه هم‌اکنون داریم پذیرا باشیمیم و آماده شویم تنش‌های اجتماعی آن را ساکت کنیم که جو ناسامایی را به‌وجود می‌آورد و هیچ‌کس خواهان آن نیست. پایه اصلی مشکلات کشور سه‌گانه‌اند و عبارتند از:
حکم است نمی‌توان به‌سوسوی رقابتی شدن جدی پیش رفت و به همین دلیل دولت بازدهم تلاش کرد از طریق براجم تحریم‌ها را برطرف کند تا بتوان اقتصاد رقابتی را پیاده و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کرد، ولی دیدیم که چگونه شرایط شبه‌تحریمی به کشور بازگشت و سرمایه‌گذاران را فراری داد. ۳۷ سال است که اقتصاد کشور با هدایت گروه دومی‌ها (درون‌گرا) اداره شده و هزاران مقاله و کتاب و تلاش گروه اول راه به جایی باز نکرده است. البته گروه معتقد به اقتصاد درون‌گرا ادعا می‌کنند که تا به حال اقتصاد کشور را اداره کرده‌اند، ولی این را نمی‌گویند که اقتصاد را با رشدی نزدیک به صفر اداره کرده‌اند و تقریباً تمام منابع کشور مستهلک

امتیازهای خاص تجاری یا اور بی‌نپوس‌های گسترده به‌وجود آمده‌اند که بیشترین تحمیل را به مصرف‌کننده می‌کنند. خرید انومبیل به بیش از دو برابر قیمت طی سال‌های پس از انقلاب دلایی دیگر بر این مدعا است. نباید فراموش کرد تا زمانی که تحریم‌ها بر کشور حاکم است نمی‌توان به‌سوسوی رقابتی شدن جدی پیش رفت و به همین دلیل دولت بازدهم تلاش کرد از طریق براجم تحریم‌ها را برطرف کند تا بتوان اقتصاد رقابتی را پیاده و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کرد، ولی دیدیم که چگونه شرایط شبه‌تحریمی به کشور بازگشت و سرمایه‌گذاران را فراری داد. ۳۷ سال است که اقتصاد کشور با هدایت گروه دومی‌ها (درون‌گرا) اداره شده و هزاران مقاله و کتاب و تلاش گروه اول راه به جایی باز نکرده است. البته گروه معتقد به اقتصاد درون‌گرا ادعا می‌کنند که تا به حال اقتصاد کشور را اداره کرده‌اند، ولی این را نمی‌گویند که اقتصاد را با رشدی نزدیک به صفر اداره کرده‌اند و تقریباً تمام منابع کشور مستهلک

بهبود فضای کسب و کار در دولت روحانی روی زمین ماند!



همایش پولی و بانکی از نرخ بالای سود بانکی انتقاد کردند

مقرر بالا بودن نرخ سود مردم هستند. این اقتصاددان تصریح کرد: کاهش نرخ سود را باید خود دولتمردان ساماندهی می‌کردند، ولی انگار جای پاسخگو و پرسشگر عوض شده است. در برنامه فراگیر دولت در حوزه اشتغال اول باید مولفه‌های کلان اقتصاد مدنظر قرار گیرد. در حال حاضر تفاوت نرخ سود و نرخ تورم بیش از ۱۰ درصد است. نرخ ارز و نرخ تعرفه‌های در حال حاضر در خلاف جهت تولید پایدار هستند.

وی افزود: تا زمانی که این سه نرخ حیاتی هماهنگ با تولید و اشتغال پایدار نباشد، اصلاً شغل پایدار شکل نخواهد گرفت. وقتی نظام بانکی بی‌مهابا نرخ سود را بالا می‌برد، اقتصاد کشور با مشکل رو به رو می‌شود. جالب اینجاست که همه دولتمردان در

تله انفجاری بازار مالی ایران

نرخ ۳۸۰۰ تومان برای یک دلار، به دلار آمریکا تبدیل شده و در کم‌ریسک‌ترین بازار مالی جهان که اسناد خزانه‌داری ایالات متحده آمریکاست با نرخ بهرہ ۱/۲۵ درصدی فدرال رزرو سرمایه‌گذاری شود، ماهانه تقریباً ۴۳ دلار معادل یک میلیون ۶۵۰ هزار تومان سود خواهد داشت. البته این رقم در ایران قابل توجه خواهد بود و در اقتصادی مانند ایالات متحده آمریکا رقمی بسیار ناچیز است و از آنجا که در آمد سرانه این کشور رقمی بسیار بزرگ‌تر از این است، پس همواره سرمایه‌گذاری در اکثر کسب‌وکارها به صرفه خواهد بود.
اسا در ایران وقتی با ۸۰۰ میلیون تومان هدایت می‌کنند، ما می‌خواهیم بدانیم برای کسب یک میلیون تومان در ماه چه راه‌هایی در اقتصاد ایران وجود دارد و یک میلیون تومان را هم براساس عایدی یک کار گر ساده متاهل بدون فرزند که شماره قانون کار است محاسبه کرده‌ایم. دم دست‌ترین راهی که هم‌اکنون یکی کارگری و دیگری سپرده‌گذاری بانکی است. در اصل اگر نرخ سپرده بانکی یک‌ساله را همان ۱۵ درصدی که از طرف بانک مرکزی اعلام شده است در نظر بگیریم – حال آنکه بانک‌های زیادی هستند که رقم‌های بالاتری را پرداخت می‌کنند – برای داشتن ۱۲ میلیون سود سالانه که معادل ماهانه یک میلیون تومان باشد باید رقمی برابر با ۸۰۰ میلیون تومان را در یکی از بانک‌های کشور سپرده‌گذاری کنیم. نکته جالب اینجاست که کارشناسان هزینه ایجاد یک شغل پایدار در کشور را از رقمی در بازه ۱۰۰ میلیون تومان تا حتی ۲ میلیارد در بخش‌هایی مانند پتروشیمی ذکر می‌کنند.

البته اگر حد میانه این رقم و رقمی را که در بیان اکثر آنها برآیند شده است، در نظر بگیریم باید بگوییم هزینه ایجاد یک شغل پایدار در ایران رقمی نزدیک به ۱۶۰ میلیون تومان خواهد بود. رقمی که اگر در بانک‌های کشور سپرده‌گذاری شود ماهانه ۲ میلیون تومان سود خواهد داشت و حتی اگر با



امروز دشمنان با تحریم برای کشور مشکل درست کرده اند . حالا اگر بردداشتن تحریم را چیزی عنوان کنند که غیرتستان اجازه دهد چه می کنید / یقیناً هیچ سوسولی در کشور این را قبول نمی‌ کند / پس بایسد کاری کنید که کشور در مقابل تحریم مصونیت داشته باشد.

این از تراز‌دی‌های دموکراسی است که گاهی جای خیلی

از چیزها را با همدیگر عوض کرده و نمود عینی‌ای وارونه برداشت‌های ذهنی نسبت به خود را نشان داده است؛ این را می‌شود از سرنوشت جمهوری دوم فرانسه و رای آوردن ناپلئون سوم، ظهور «فاشیسم» از دل صندوق‌های رأیی که موسولینی و هیتلر را تحویل مردم داد یا در نمونه‌های داخلی‌اش سرنوشت و نتیجه جنبش مشروطه یا عاقبت شورای اول شهر تهران و انحلالش توسط دولتی که می‌خواست دموکراسی را تبدیل به مقدس‌ترین واژه گیتی کند، فهمید. فارغ از همه این مصادیق و موقعیت منحصر به فردشان آنچه بیش از همه در فهم چگونگی دموکراسی اهمیت دارد، بار فلسفی (محتوایی) آن به‌جای ابعاد حقوقی (فرمی) و اجرایی آن است و بر همین اساس شاید بتوان مهم‌ترین مزیتی را که طرفداران دموکراسی از آن نام می‌برند در همین گزاره خلاصه کرد که «قدرت» و تحرک اجتماعی را از امور انتسابی (همچون ژن و وراثت) جدا و به امور اکتسابی اهدا می‌کند تا توان تعمیم قدرت به همه افراد ممکن باشد». گذار از امور انتسابی به امور اکتسابی، بی‌اعتبار کردن ارزش‌های وراثتی اشراف و تعیین‌کنندگی همه طبقات در امور شاید بتواند بدیهی‌ترین نتیجه‌گیری‌های ممکن از چنین تعاریف شیرین و جذابی از دموکراسی باشد اما آنچه باعث می‌شود از دل دموکراسی، دیکتاتوری نژادی هیتلر بیرون بیاید یا با نام مشروطه‌خواهی، دیکتاتوری کم‌نظیری بر سرنوشت یک ملت تحمیل شود، همه نشان از وجود پشت‌پرده‌ای دارد که میان واقعیت موجود و نوشته‌های مکتوب شکافی عمیق ایجاد می‌کند و سسوال اصلی دقیقاً چیستی این پشت‌پرده در روابط واقعا موجود سیاسی است.

جنجال‌های چند روز اخیر فرصت خوبی است برای بررسی آنکه دقیقاً چگونه می‌شود تحت لوای شعارهای پرلمطراق جریانی که می‌خواست با منطق دموکراسی، دین را از ساخت قدسی به زمین آورد و اندیشه دموکراسی‌خواهی را بر جایگاه خدایگانی بنشانند، دم‌خورسی از جنس «ژن برتر» بیرون می‌زند و پس از اعتراض عمومی شهروندان مخالفی که قرار بر زنده‌یاد مخالفت‌شان بود، آنها را «گاو» و «گفتار»هایی خطاب می‌کند که وارد محدوده بازی آفازاده‌هایی شده‌اند که «شیرشاه» هستند در برابر رعیتی که وظیفه‌شان تنها رای دادن به سلطان جنگل است!

سسوال اصلی اینجاست: دقیقاً کجای کار می‌لنگد؟ چرا دموکراسی به‌عنوان الگویی که می‌خواست اکتساب را جای انتساب بگمارد تا شایستگان حکومت کنند خود به میوه‌ای از جنس منطق جنگل و ژن خاص آفازادگی می‌رسد؟ مردمی که حق اعتراض‌شان تا سرحد حق راهیمایی علیه خدا هم می‌رسید در کجای معادله دموکراسی‌خواهان قرار گرفته‌اند که با تمثیل «گاو» در برابر «شیر» محکوم به سکوت می‌شوند؟

واقعیت آن است که در پشت این دیوار زرین و خوش‌نمایی که روی آن «زنده‌یاد دموکراسی» نوشته‌اند، اتاق جلساتی وجود دارد برای بازتولید منطق اشرافیت و سرمایه‌داری.



سوپر ژن

پدیده نامیون «آفازادگی» و «ژن خوب» در ساختار سیاسی اقتصادی کشور از دوران دولت سازندگی در کنار مانور تحمل به رسمیت شناخته شد و جریان اصلاحات همواره از این رویکرد دفاع کرده است. در ادوار پیشین، اصلی‌ترین محور انتخابات به آفازاده‌ها که با ژن خوب در عرصه مدیریت رشد ناگهانی داشتند، در قبال آقای مهدی هاشمی صورت گرفت. مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی در بخشی از خاطرات خود نوشت: «وزیر نفت آمد، گزارش تولید نفت، لوله‌کشی‌های وسیع برای انتقال نفت پالایشگاه‌های اراک، آبادان و بندرعباس و وضع جزیره خارک را داد و از بانک مرکزی انتقاد داشت. گفتم به مهدی کار محدودی واگذار شود که مزاحم درس او نباشد، قرار شد در هیات مدیره سکوهای پارس جنوبی باشد.» چنین اقداماتی همواره به حمایت جریان اصلاحات همراه بود.

از صورت بارها آشکارشده اشراف‌سالارانی که شعار حکومت مردم می‌دهند.

این آفازاده جنجالی که داستان ژنتیکی‌اش تا حدی قربانی

از مردم‌سالاری تا ژن سالاری

پس عجیب نیست که ناگهان سخن از «ژن برتر» و شایستگی آفازادگی پیش کشیده می‌شود، چرا که آنچه بر زبان آمد تنها اشارتی کوتاه و مشتت از نمونه‌ای خروار بود

یکشنبه

● ۱۸ تیر ۱۳۹۶ ● ۱۴ شوال ۱۴۳۸ ● ۹ ژوئیه ۲۰۱۷ ● شماره ۲

خلاف جهت شنا کردن‌های اخیر پدرش نیز بوده، نه حرف جدیدی به زبان آورده و نه از واقعیتی خلاف آنچه موجود بوده است سخنی گفته، او صرفاً با اندکی صداقت، حدیث نفس جریان آفازادگی را در مصاحبه‌ای اعلام کرده است؛ منطقی که یک آفازاده را به پاداش دریافت حق اوقات فراغت، اسطوره‌ای زنانه برای ورود به مجلس می‌کند تا پس از نشستن بر صندلی بهارستان از حق مشروع پدرش سخن بگوید، منطقی که سابق بر این در خاندان دیگری ظهور و بروز یافته بود و اجازه می‌داد اگر عروس یک خانواده درسه راه یاسر با ماشینی دیگر تصادف کند متوسل به محافظان خانوادگی و کشیدن اسلحه برای باز شدن راه خود شود.

این منطق آنقدر تکرار شده که بتوان به شکل تیرتور ده‌ها صفحه را فقط از مصادیق عیان شده‌اش نوشت ولی سسوال اینجاست: چه نسبتی بین دموکراسی‌خواهی و ژن‌سالاری جریان اصلاحات وجود دارد؟

پاسخ چندان دشوار نیست، چرا که در این‌ خوانش از دموکراسی، مردم مفهومی سیال است که بسته بر «با ما» بودن یا «بر ما» بودن می‌توان قطعات پازل را با آنها مرتبط کرد.

مردم تا زمانی که با ما باشند و امتیازات ژنتیکی ما را به رسمیت بشناسند نماد توأمان مشروعیت و مقبولیت محسوب می‌شوند اما اگر بر ما شوند و حتی به‌رغم رای انتخاباتی‌شان به ما از وجود فسادی در ما گله کنند «گاو» خطاب می‌شوند (شاید بیراه نباشد که گاو را امتدادی از واژه کلاغ نسبت داده شده به منتقدان توسط یکی از سیاستون سابق بدانیم). این خوانش دوگانه از مردم عمری به درازای ظهور جریان حامی سرمایه‌داری نفتی دارد و بر اساس همین منطق می‌توان کنش‌های متناقض زیادی در نسبت با مردم مشروط به رای آوردن یا نیابردنش در انتخابات‌های متفاوت یافت.

آنچه امروز با عنوان پدیده «آفازادگی» مشاهده می‌شود نتیجه شکل‌گیری یک البت سیاسی در لوای منافع طبقات ممتاز اقتصادی است که حالا محصول آن در حال درو شدن است. منطق سرمایه‌دارانه این طبقه آنان را مجاز می‌کند تا خوی اشرافی خود را زنده نگه دارند و در عین داشتن ماسک «دموکراسی‌خواهی» در صورت خویش، بسار دیگر به احیای ارزش‌های انتسابی خود ببالند و سد راهی را که برای کسب ارزش‌های اکتسابی مردم ایجاد کرده‌اند نتیجه ژن خوب خویش بدانند.

تاکید علامه حکیمی بر ابعاد سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انقلاب که در آن هشدار به لزوم مقابله با طاغوت اقتصادی(قارون) پس از طاغوت سیاسی(فرعون) جهت حفظ مسیر اصلی انقلاب می‌دهد، بر همین چارچوب و منطق دلالت دارد؛ منطقی که می‌خواهد از مسیر انتخاب مردم به اشرافیت خویش مشروعیت بخشد و در صورت مشاهده رفتاری غیر از این مشکلی در ایستادن برابر مردم احساس نخواهد کرد. ژنتیک‌سالاری طبقه ممتازی که سفره انقلاب را سهم خویش می‌داند می‌تواند شعار حکومت مردم دهد اما نمی‌تواند مردم را شریک سهم خویش کند، چرا که حاکمیت مردم در چنین نگاهی تنها به فرمی استراتژیک برای رسیدن به قدرت محدود می‌شود نه محتوایی ایدئولوژیک در جهت عدالت و برابری!

مبارزه با فساد و قاچاق

بخش خصوصی



سال‌هاست که ضرورت کاهش تصدی‌گری دولتی و واگذاری بیشتر امور به نهادها و تشکل‌های غیردولتی و به‌طورکلی مردمی کردن فعالیت‌های جاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یکی از محورهای اصلی سخنرانی‌های نخبگان و مباحث مطرح در تربیون‌های عمومی و اختصاصی جامعه بوده است تا جایی که تصویب قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با رویکرد کوچک‌سازی دولت و تقویت بخش خصوصی را پاسخی به این مطالبه و معضل اساسی پیش‌روی شکوفایی اقتصادی و توسعه کشور می‌توان قلمداد کرد.

بخش دولتی و خصوصی کشور متفقاً در فرایند مردمی کردن امور و کوچک‌سازی دولت به زمینه‌سازی برای نقش آفرینی بیشتر مردم در قالب بخش غیردولتی تأکید و اصرار داشتند.

در این میان اگرچه همواره انتظار نیست که بخش حاکمیتی کشور از سر باورمندی به کوچک و چابک‌سازی دولت رسیده باشد و بر طیل آن بکوبد، ولی هیچ‌سک هیچ تردیدی در انگیزه واقعی بخش غیرحاکمیتی و غیردولتی در سردادن نوای کوچک‌سازی دولت نداشته و ندارد و از این رهگذر انتظار آن است که هروقت فضای حضور پررنگ بخش دولتی در عرصه تصدی‌گری مطرح می‌شود، با مخالفت بخش خصوصی مواجه باشیم.

تصمیم اخیر دولت برای تفکیک دوباره چند وزارتخانه که ادغام آنها حاصل اراده عمومی کشور در جهت کوچک‌سازی دولت بوده است، اظهارنظر‌هایی از سوی گروه‌ها و جریان‌های فکری جامعه را به دنبال داشت. صرفنظر از محتوای بحث‌هایی که از سوی موافقان و مخالفان مطرح می‌شود، موضع‌گیری بخش غیردولتی و فعالان خصوصی و بازرگانان کشور درخصوص تفکیک وزارت صنعت و معدن و تجارت و موافقت با تشکیل وزارت بازرگانی جای تأمل دارد. مطالبه مستمر بخش خصوصی کشور در این سال‌ها در همه حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ظاهر بر واگذاری عرصه تصدی‌گری از سوی دولت بوده است و شاهبیت این حکایت، جمله «دولت پای بخش خصوصی را نبندد!» دستگیری از بخش خصوصی پیشکش! « است که همواره از تربیون‌های بخش خصوصی بیان و مورد تأکید قرار می‌گیرد. بارها از این تربیون‌ها شنیده‌ایم که مثلاً اگر فلان وزارتخانه نباشد، امور آن حوزه و بخش بهتر سامان می‌یابد و به کنارکشیدن دولت از سر راه بخش خصوصی تأکید می‌شود. پرسش در اینجاست که اگر نگاه و خواست بخش خصوصی این باشد، پس چرا به تشکیل وزارتخانه مستقل و مقتدر بازرگانی و به تعبیری «اقا بالاسر» یا به عبارتی دیگر بر تقویت بیشتر بخش دولتی نظر مثبت دارند؟ اگر ادغام وزارتخانه‌های صنایع و معادن و بازرگانی را به‌منزله کاهش اقتدار آنها در مقیاسه با قبل از ادغام بدانیم- که البته این‌گونه هم هست- پس قاعدتاً این شرایط باید برای بخش خصوصی مطلوب تلقی شود.

به عبارتی اگر ادغام را همانند «شاه‌مردگی» - که نشان از وضعیت متزلزل است- بدانیم، پس برای بخش خصوصی کشور با شرحی که داده شد، «وزارت‌مردگی» شرایطی مطلوب برای دستیابی به اقتدار بیشتر و خودنمایی است. باین‌فرض، شرایط کنونی و به‌هم‌پیوسته وزارت صنعت، معدن و تجارت باید بهترین وضعیت برای توسعه اتاق بازرگانی به‌مثابه بخش غیردولتی با سودای صدارت و وزارت باشد؛ نهادی مردمی و خصوصی که در حوزه تصدی‌گری در خلأ وزارتخانه‌ای مقتدر و علاقه‌مند به محدودکردن بخش خصوصی بتواند در حوزه بازرگانی نقش آفرینی کند. چرا اتاق بازرگانی، فعالان و بازرگانان نیز با طیف دولتی‌ها هم‌نوا شده و شعار تشکیل وزارت بازرگانی مستقل سر می‌دهند؟ این احتمال می‌رود که گرایش متفاوت حاکم بر اتاق بازرگانی به دنبال رات‌های محتمل دولتی و بودجه‌تی است نهفته در آن باشد که ارکان بخش خصوصی کشور را به خود وابسته کرده که بدون آن خود را ناتوان و بیمار قلمداد می‌کند و رفتن به‌سوی آن را نسخه شفای خود می‌داند. تریق مداوم از بودجه نفتی و دولت رانتی و نگاه دولت‌محور در همه ارکان کشور؛ چه بخش دولتی و چه غیردولتی رسوخ کرده و برای راهی از چنین وابستگی‌ای باید به‌صورت تدریجی و با هوشمندی کامل نسبت به دولت‌زدایی از فکر و روح ارکان جامعه اقدام کرد تا سرانجام بخش خصوصی واقعی رها از تفکرات نهادینه‌شده، تصدی‌گری امور را به دست بگیرند و در مسیر پیشرفت و تعالی اقتصاد کشور حرکت کنند.



البته ممکن است قوانین ضد فساد ما متناسب با بزرگی فسادها و فسادهای ناشی از پیوند قدرت و ثروت دارای کاستی‌هایی بوده و کارآمدی لازم را نداشته باشند یا مثلاً همان طور که گفته شد برای بالاترین هزینه فساد، مجازات متناسب با جرم در نظر نگرفته باشند یا مانند برخی از کشورها مانعیت لازم و ممنوعیت برای اشتغال و تصدی امور در واحدهای مرتبط و مشابه با کار دولتی، بانکی و قضایی قبلی افراد بعد از پایان خدمتشان مقرر نکرده باشند که باید بررسی و اصلاح ضروری در این خصوص صورت گیرد. قوانین ضد فساد باید بتوانند قدرتی برتر از قدرت مفسدین در برابر آنها ایجاد کنند، چرا که اقتدار و کارآمدی نظام به این مهم وابسته است.

فایل ذکر است هرگونه ایجاد سیستم‌های شفافیت‌ساز در اقتصاد ملی با زحمت همراه است، مثل مالیات بر ارزش افزوده که کلیه درآمدهای زنجیره تولید تا مصرف را شفاف می‌کند و هر چند مصرف‌کننده آن را می‌پردازد اما عملکرد واسطه‌ها و عرضه‌کننده که به خاطر فرار از مالیات عملکرد خود از شفاف شدن درآمدهایشان خودداری می‌کنند و با دولت و مجلس مقابله می‌کننداراشفای خواهد کرد. با این که طرح کاداستر که شفاف شدن اسناد مالکیت املاک است و توسط قوه قضاییه پیگیری می‌شود پس از دو دهه هنوز برای بودجه کافی به منظور سرعت بخشی در تکمیل آن نیاز به مساعدت قوه مجریه دارد که بخش مهمی از سوء

استفاده‌ها و مفاسد در مورد املاک را از بین می‌برد و به شفافیت

و نیز سهولت کسب و کار کمک می‌کند. بر این اساس مدیرانی

که انتخاب می‌شوند باید عزم و اراده قوی و نیز صاحب سبک

در سیستم گذاری، شفاف سازی و شجاعت فراوان در برخورد با

مخالفان به دور از فعالیت‌های اقتصادی شخصی باشند. بنابراین

در پایان پیشینه‌یاد می‌شود مجلس در حیطه قانونگذاری خود به

پالایش و تنقیح قوانین موجود بسنده کند و احیاناً درباره جرم

انگاری مصادیق جدیدی از فساد و بر حسب مورد اقدام کند. اما

وظیفه اصلی مجلس در این خصوص وظیفه نظارتی است که باید

با قدرت اعمال کند.

به ویژه در بخش پیشگیری از ایجاد فساد در دستگاه‌های اجرایی.

حتی اگر کارکرد مجلس را صرفاً سیاسی و متشکل از فراکسیون

ها و جریانات مختلف سیاسی بدانیم بنا بر اعتقاد کسانی که احزاب

سیاسی را در مبارزه با فساد مؤثر و مفید می‌دانند، هر یک از

نمایندگان و فراکسیون‌ها می‌توانند بدون این که خدای نکرده

دامن خودشان آلوده شود یا به عنوان ابزاری برای تسویه حساب

های جناحی و سیاسی از آن استفاده کنند- اقدامات هم فکارن خود

در دولت و رقابت خود را در دولت و جمای دیگر رصد کنند. مجلس

و نمایندگان برای این کار از قدرت و پشتوانه قانونی و امنیتی لازم

نیز برخوردارند و باید در مبارزه با فساد با دولت همکاری کنند.

ایران در رأس نظم جدید منطقه

عربستان، **امارات**، **کویت**، **قطر**، **بحرین** و **سایر دولت‌هایی** که تا به حال هزینه حضور مستقیم نظامی آمریکا و انگلیس در منطقه را پرداخت کرده‌اند، باید بدانند که اگر از طریق همکاری با ایران، ثبات را به خاورمیانه بازگردانند، هزینه‌های کمتری را متحمل می‌شوند.



تحولات میدانی سوریه، عملا معادلات منطقه‌ای را دستخوش تغییر کرده است، آن هم به طوری که امروز تحلیلگران از حاکم شدن نظم جدید منطقه ای در غرب آسیا خبر می دهند.

واقعیت این است که پیروزی ارتش سوریه در حلب و آزادسازی موصل در عراق، امروز جایگاه تروریست ها را چنان متزلزل کرده که دیگر حامیان آنها حتی قدرت استفاده ازبازی از این تروریست ها برای اثرگذاری بر مذاکرات منطقه را هم ندارند.
عربستان که خود در جنگ یمین زمین بازی شده، شاهد تضعیف داعش در سوریه و عراق است و وجهه بین المللی خود را به دلیل نفرت جهانی از تروریست ها از دست داده است. قطر نیز دیگر قادر نیست با برگ جبهه النصره بازی کند، چرا که حتی تروریست های حامی غرب در سوریه نیز دیگر حاضر نیستند این گروه تروریستی را به عنوان متحد خود بپذیرند. نتیجه چنین وضعیتی، برگزاری نشست آستانه، بدون حضور کشورهای حامی تروریسم و با نقش آفرینی محدود آمریکایی هااست. گرچه این مذاکرات در ژئو ادامه می یابد و شاید در ادوار آتی مذاکرات صلح، اروپایی ها نقش آفرینی بیشتری داشته باشند، اما در حال حاضر، وضعیت میدانی سوریه باعث شده تا بازیگران فرامنطقه ای، کم کم غرب آسیا را ترک کرده و متحدها خود را در خاورمیانه تنها گذارند.

منطقه غرب آسیا در نیم قرن اخیر شاهد دو وضعیت متفاوت بوده است، وضعیت نخست، مبتنی بر نزاع میان دولت های منطقه ای و نقش آفرینی قدرت های فرامنطقه ای از طریق متین واندام برای منطقه بوده است، ایالات متحده آمریکا پس از حذف تدریجی بریتانیا، به این مدل روی خوش نشان داد و با تعیین رژیم پهلولی به عنوان جانفشین خود در منطقه، از این مدل پیروی کرد، اما در مدل دوم که در دوره بوش پسر رخ داد، قدرت های فرامنطقه ای مانند آمریکا و انگلیس با حضور نظامی مستقیم، سعی کردند نظم منطقه را به طور مستقیم تعیین کرده و از روش نیابتی استفاده نکنند. بهانه آنها برای حضور مستقیم، نه فقط نزاع داخلی در منطقه، بلکه بروز پدیده ای خودساخته به نام تروریسم بود، هرچند شکست های آنان طی سال های اخیر، سبب روی آوردن به جنگ نیابتی و استفاده از ابزار تروریسم جهت پیشبرد اهداف خود در غرب آسیا شد.

پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه و عراق ایفا کرد، شاهد شکل گیری مدلی سوم از نظم منطقه ای هستیم. در این مدل، یک قدرت منطقه ای مانند ایران، از نظر میدانی قدرت بازگشت ثبات به سایر کشورهای درگیر با جنگ داخلی را داشته و از نظر دیپلماتیک به چنان قدرتی رسیده که می‌تواند سایر بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای مانند ترکیه و یا روسیه را با خود همراه کند. در چنین وضعیتی، نظم منطقه از سوی یک قدرت برتر منطقه ای تعیین شده و سایر بازیگران باید منافع خود را براساس سبستی که با این قدرت برتر دارند، تنظیم کنند.

بی تردید کشورهای عربی منطقه که تا به حال منافع را به دلیل نقش قدرت های غربی در منطقه کسب کرده بودند، از نظم جدید خرسند نخواهند بود و درصدد تنش آفرینی برمی آیند. با این همه این کشورها اگر نگاهی واقع بینانه به تحولات موجود داشته باشند، درخواهند یافت که نزدیک شدن به تهران و همکاری با ایران برای بازگرداندن ثبات به منطقه و پایان دادن به جنگ های بیپایه در سوریه و عراق و یمین، می تواند به نفع همه کشورها باشد.
عربستان، امارات، کویت، قطر، بحرین و سایر دولت هایی که تا به حال هزینه حضور مستقیم نظامی آمریکا و انگلیس در منطقه را پرداخت کرده اند، باید بدانند که اگر از طریق همکاری با ایران، ثبات را به خاورمیانه بازگردانند، هزینه های کمتری را متحمل شده و دیگر نیازی به مصرف دلارهای نفتی خود به نفع دولت های غربی نخواهند داشت.

نظم درون زای منطقه غرب آسیا، پدیده ای است که قریب به یک قرن است تجربه نشده و شاید تحولات اخیر در سوریه و عراق بتوانند به زایش آن کمک کند. تجربه جهانی نشان داده است که اروپایی ها نیز از طریق همین مدل توانستند پس از جنگ جهانی دوم، قاره سبز را از یک ویرانه خودساخته به قاره ای پیشرفته تبدیل کنند و بنابراین همین سرنوشت می تواند پیش روی غرب آسیا نیز باشد؛ البته اگر دست های پشت پرده و لابی های جنگ طلب اجازه تثبیت چنین نظمی را ندهند.



سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم چهلمین روز شهادت سردار شعبان نصری، سخنان بسیار مهمی درباره تحولات منطقه به‌خصوص عراق و سوریه، بیان کرد.

حشد الشعبی، کمک‌ها و حمایت‌های ایران، نقش آیت‌الله سیستانی در تحولات عراق، وضعیت داعش در منطقه و … مهم‌ترین محورها و بخش‌های سخنان فرمانده نیروی قدس سپاهبود.

█ **کمک‌و حمایت ایران برای مقابله‌باداعش**

مقام معظم رهبری در ملاقات با تمام شخصیت‌های عراقی بر حمایت تمام‌عیار جمهوری اسلامی ایران از مرجعیت و مردم عراق تأکید داشتند و فرمودند آیت‌الله سیستانی گنجی است که مردم عراق باید قدر آن را بدانند و همواره تأکید داشتند که دولت جمهوری اسلامی ایران از هرگونه کمکی به مردم عراق‌پسینگند.

وزارت دفاع ایران به‌صورت ۳ شیفت برای عراق سلاح تولید و به آنجا ارسال کرد.

مهندس ابومهدی فرمانده الحشدالشعبی توانست کلید درب انبارهای تسهیلات جمهوری اسلامی را در خدمت خودش بگیرد، زیرا جمهوری اسلامی ایران مانند دیگران نبود که پول ملت عراق را بگیرد و در موقع اضطرار به آنها سلاح ندهد. در همین نیروی هوایی سپاه تنها اسکاردان جنگنده‌های سوخو۲۵ به‌محض درخواست عراق در خدمت این کشور قرار گرفت و هزاران تن سلاح از طرف جمهوری اسلامی در خدمت آنها‌داده‌شد.

ملت ایران با جسان و مالش به‌فرمان رهبر انقلاب در خدمت آنها بود و ما هرگونه سربازی در این جبهه را منشأ افتخار می‌دانیم. جمهوری اسلامی ایران سرداران بزرگی را فدای ملت ایران، منطقه و جهان کرد، البته دیگران هم تظاهر به حمایت از دولت عراق می‌کنند، اما کجا چنین حمایتی مانند ملت‌ایران‌وجو‌ددارد؟

بعضی از عزیزان عراقی خودشان را به‌عنوان سربازان مقام معظم رهبری می‌دانند، اما کاری را که فرزندان ملت ایران در خدمت ملت عراق کردند، کار سربازی بود زیر بیرق عراق و علمای عراقی تا یک فرهنگ را صادر کنند، برای مثال یک ژنرال برجسته نظامی ما با سن بالای ۵۰ سال در جلوی نیروهای عمل‌کننده می‌رود و شهید می‌شود، این معنای وفای صادقانه است. در این روزها که در آستانه پیروزی بزرگ مردم عراق هستیم، سردارای این خاصویات و نام‌آوری همچون شهید تقوی به شهادت رسیده است؛ شهید نصری که از خدمتگزاران مجاهدان عراقی بود و بیش از ۳۰ سال آنان را در شرایطی سخت همراهی کرد، او مسئول شجره طیبه سپاه بدر بود که مملو از شهدای بزرگی است که تحت زعامت علمای عراق، خدمات بزرگی انجام داد. شهید نصری در تأسیس سپاه بدر تا زمان شهادتش همراه بود و انسان باید این‌گونه‌درس‌وفاداری‌ای‌دا‌یگریدرسد.

█ **دیپلماسی و مقابله با داعش**

همان‌طور که ما برای ریزگردها و محیط زیست جلسه برگزار می‌کنیم، باید بدانیم داعش این عماره خیانت خوارج بر منطقه‌ای سیطره پیدا کرد که به‌تنهایی وسعت زیادی را داشت و با وسیله صدها نفر انتحاری حکومتی را تأسیس زدند و سر آنها را بریدند و به رودخانه انداختند. بیش از ۲۰۰ زن جوان ایزدی را بین خود، دست به دست به فروش رساندند، از دخترهای نوجوان گرفته تا زنان جوان… یک کودک را در حال تفریح و خنده سر بریدند، از این کودک سوال می‌کردند که سرت را ببریم یا با تیر تو را بکنیم؟ و در نهایت سر این طفل را بریدند. در دیاله، کودکی را از سینه‌ای مادر گرفتند و روی آتش سرخ کردند و لای پلو گذاشتند و برای مادر فرستادند و…»

چهار روایت هولناک و تکان‌دهنده‌ای که خواندید، در زمان خوارج صدر اسلام اتفاق نیفتاده است، بلکه روایت حاج قاسم سلیمانی است از جنایات داعش در عراق و سوریه. جنایاتی وحشتناک که در سابقه‌ی تاریخی بشریت کمیاب است. جنابانی که حتی بلافاصله پس از اشغال موصل پایانه داده بودند که بغداد را هم خواهند گرفت و سرمست از پیروزی‌های مستمرشان بودند. اما تنها چند روز بعد از این بیابنه، با ورود به موقع حضرت آیت‌الله سیستانی و اعلام حکم جهاد، برنامه‌های تروریست‌ها و اربابانشان در عراق را بهم ریخت.

لبیک طیف‌های مختلف مردم اعم از شیعه و سنی و کردها و عشایر به حکم جهاد، پیوستن مرده به ارتش و تشکیل الحشدالشعبی (بسج مردمی) و آموزش‌های نظامی و کمک‌های مستشاری ایران، معادلات را در عرصه‌ی عراق تغییر داد. «فقیل حسینی»، رئیس شورای بسج عراق می‌گوید: «بسج مردمی عراق با تجربه‌ی بسج ایران تشکیل شد.» نوری مالکی، به‌عنوان نخست‌وزیر وقت عراق در زمان اشغال موصل به‌دست داعش نیز تصریح کرده بود که: «ما در ساختار بسج عراق از بسج ایران الگو گرفتیم.»

اکنون گروهی تروریستی که در عراق، تا همین چندوقت پیش مثل بولدوزر ویران می‌کرد و سر می‌برد، سوراخی برای پنهان شدن ندارد، ابوبکر البغدادی در جهنم است و بسج مردمی در عراق پرنفوذتر و قدرتمندتر از گذشته شده و موصل نیز فتح شده است؛ فتحی که به‌معنای دومینوی سقوط و در سراسیمهی قرار گرفتن داعش و از دست رفتن رؤیای خلافت گسترده در

سرلشکر قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم چهلمین روز شهادت سردار شعبان نصری، سخنان بسیار مهمی درباره تحولات منطقه به‌خصوص عراق و سوریه، بیان کرد. حشد الشعبی، کمک‌ها و حمایت‌های ایران، نقش آیت‌الله سیستانی در تحولات عراق، وضعیت داعش در منطقه و … مهم‌ترین محورها و بخش‌های سخنان فرمانده نیروی قدس سپاهبود.

█ **کمک‌و حمایت ایران برای مقابله‌باداعش**

مقام معظم رهبری در ملاقات با تمام شخصیت‌های عراقی بر حمایت تمام‌عیار جمهوری اسلامی ایران از مرجعیت و مردم عراق تأکید داشتند و فرمودند آیت‌الله سیستانی گنجی است که مردم عراق باید قدر آن را بدانند و همواره تأکید داشتند که دولت جمهوری اسلامی ایران از هرگونه کمکی به مردم عراق‌پسینگند.

وزارت دفاع ایران به‌صورت ۳ شیفت برای عراق سلاح تولید و به آنجا ارسال کرد.

مهندس ابومهدی فرمانده الحشدالشعبی توانست کلید درب انبارهای تسهیلات جمهوری اسلامی را در خدمت خودش بگیرد، زیرا جمهوری اسلامی ایران مانند دیگران نبود که پول ملت عراق را بگیرد و در موقع اضطرار به آنها سلاح ندهد. در همین نیروی هوایی سپاه تنها اسکاردان جنگنده‌های سوخو۲۵ به‌محض درخواست عراق در خدمت این کشور قرار گرفت و هزاران تن سلاح از طرف جمهوری اسلامی در خدمت آنها‌داده‌شد.

ملت ایران با جسان و مالش به‌فرمان رهبر انقلاب در خدمت آنها بود و ما هرگونه سربازی در این جبهه را منشأ افتخار می‌دانیم. جمهوری اسلامی ایران سرداران بزرگی را فدای ملت ایران، منطقه و جهان کرد، البته دیگران هم تظاهر به حمایت از دولت عراق می‌کنند، اما کجا چنین حمایتی مانند ملت‌ایران‌وجو‌ددارد؟

کرد، امروز هزاران نفر مفقود در جنایات داعش وجود دارد. بعضی وقت‌ها ما از راه دیپلماسی اقداماتی می‌کنیم که در دنیا هم بر آن تأکید می‌کنند، اما بعضی گره‌ها و حل برخی مشکلات خصوصاً جایی که مشکلات مهمی وجود دارد، فقط با دیپلماسی حل نمی‌شود، اتفاقات دیگری هم هست که از همه رفتارهای معمول عبور می‌کند و درها را می‌گشاید و یک صمیمیت و اخوتی ایجاد می‌کند، خون شهید نصری این‌گونه‌بوسد.

کدام دیپلماسی می‌تواند کار خون شهیدان نصری، تقوی و همدانی و خون صدها شهید دیگر را که برای دفاع از بشریت جاری شد، انجام دهد؟

█ **جنایات‌داعش پیروزی‌ومرجعیت**

پدیده داعش و تکفیر در تاریخ جهان یک پدیده کم‌نظیر از نوع جنایت بوده است، هیچ قلبی تحمل دیدن جنایات داعش را ندارد. آنها هزار و ۲۰۰ نفر جوان بی‌گناه را که از یادگانی در تکریت فارغ‌التحصیل شده بودند سر بریدند و ۲ هزار زن ایزدی را در دست به دست بین خودشان به فروش رساندند. من در همین دیاله دیدم کودکی را از سینه مادر گرفتند و روی آتش سرخ کردندو لای برنج گذاشتند و برای مادرش

هفته‌نامه
سیا سنی
فرهنگی

اندیش‌پروا هبرد



حمایت ایران برای مقابله با داعش و تحولات منطقه

█ **حشد الشعبی عراق و حزب‌الله لبنان**

این شجره طیبه (حشد الشعبی) با فتوای این مرجع بزرگ تأسیس شد و همبستگی امروز عراق در تاریخ این کشور نادر است، خون جوانان شیعه امروز برای نجات اهل سنت بر زمین ریخته شد و نشان داد کسی نمی‌تواند این ملت را از هم تفکیک کند. امروز ساختارهای حشدالشعبی قدرتمندتر از هر ساختار ارتشی در منطقه است، امروز دیگر آثار حزب بعث را در ارتش عراق نمی‌بینیم و این ارتش به‌سمت یک ارتش حزب‌اللهی در حرکت است. ارتشی که در شهر ۲ میلیون نفری توانست با مروت این پیروزی را به دست آورد، ارتش بزرگی است، در پیروزی‌های ملت عراق نباید نقش شخصیت‌ها را نادیده گرفت؛ نخست‌وزیر و پارلمان عراق نقش بی‌بدیلی در این پیروزی‌ها داشتند و کارهای بزرگی انجام دادند. پارلمان عراق در تصویب حشدالشعبی و پشتیبانی از دولت نقش بزرگی داشت.

من باید به‌طور ویژه از نیروهای حزب‌الله لبنان که نقش بزرگی در پیروزی‌های عراق و سوریه داشتند تشکر کنم و جا دارد دست آن سید بزرگوار حکیم را بوسوم و از این سازمان جهادگر و جهادپرور هم تشکر می‌کنم.

نقش مرجعیت و جوان‌های مؤمن در تغییر معادلات نبرد در عراق

رمز پیروزی در موصل

منطقه است.

اما هیچوقت یادمان نخواهد رفت که آمریکایی‌ها طی این مدت، چقدر تلاش کردند تا عمر جنگ با داعش را به درازا بکشانند، از کمک‌های تسلیحاتی گرفته تا مواد غذایی و دارویی که در میداین جنگ به‌طور مستمر برای داعش پرتاب می‌کردند. حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق نیز در پیام خود در خصوص آزادی موصل تأکید کرد که آمریکا نقشی در آزادسازی موصل نداشت: «اتلاف‌های خودخوانده‌ی مدعی مبارزه با داعش، در این پیروزی نقشی نداشتند»

فتح موصل پیروزی بزرگی است اما به مثابه پایان بحران در عراق نیست، بلکه هر لحظه ممکن است تا فتنه‌ای دیگر در این کشور با کوچک‌ترین اختلافات شعله‌ور شود. بنابراین دولت عراق، باید نقش مهمی در حفظ وحدت اقوام و مقابله با دشمن بیرونی داشته باشد. «باید در مقابل آمریکایی‌ها هوشیار بود و به هیچ‌وجه به آنها اعتماد نکرد، زیرا آمریکا و اذئاب او، مخالف استقلال، هویت و وحدت عراق هستند.»

افزون بر این، در حالی‌که نیروهای عراقی در حال نبرد سنگین برای آخرین پایگاه‌های داعش در عراق هستند و آرامش سیاسی و نظامی شرط نخست تمرکز این نیروها بر عملیات است، صداهایی از اقلیم کردستان عراق مبنی بر انجام همه‌پرسی برای استقلال این منطقه بر خلاف قانون اساسی این کشور به گوش می‌رسد، اما آنها باید بدانند که «جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه، بسا برخی زمزمه‌ها مبنی بر برگزاری همه‌پرسی برای جدایی یک بخش از عراق مخالف است و دامن‌زنندگان به این‌س موضوع را مخالفان استقلال و هویت عراق می‌داند.»

مقطع پس از آزادی موصل و تلاش برای حفظ انسجام داخلی گروه‌های سه‌گانه شیعه، کردها و اهل سنت، از موم مهمی برای عراق است. از مونی که جز با حفظ وحدت و سهم‌خواهی نکردن طرف‌های داخلی عراق موفقیت‌آمیز نخواهد بود. هر چند تا زمانی‌که کشورهایی همچون آمریکا از مداخله‌گری و نقض حقوق حاکمیتی کشورهای منطقه دست بر ندارند، بوی ثبات و آرامش در غرب‌آسیا نخواهد پیچید.

اقدام موشکی ایران و سه هدف راهبردی

موشک‌های شلیک‌شده نقطه‌زن بوده و از دقت بالایی در هدف قرار دادن مواضع دشمن بر‌خوردار بودند. تصاویر پخش‌شده از صداوسیما نیز از دقت بالای این موشک‌ها در برخورد با مقر ایجاد تجهیزات انتحاری، مقر فرماندهی، مقر دپوی تجهیزات و محل تجمع نیروهای داعش حکایت داشت که نشان از توان عملیاتی بالای نیروهای ایرانی دارد. هدف میان‌برد این عملیات خطاب به عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای منطقه است که رویای ناآرامی ایران را در سر می‌پورانند. شلیک این موشک‌ها پیام مشخصی برای این کشورها داشت، از این جهت که ایران با موشک‌های میان‌برد خود می‌تواند این مواضع را هدف قرار دهد، پس قاعدتاً قادر خواهد بود با موشک‌های دوربرد، دقیق و رادار گریز خود به‌راحتی هر هدف و پایگاه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را مورد هدف قرار دهد. این یک تغییر راهبردی جدی است که درشت‌گویی‌های عربستان، رژیم



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

اقدام موشکی ایران سه هدف راهبردی را در منطقه تأمین کرد. اهداف کوتاه‌برد، میان‌برد و دور‌برد. هدف کوتاه‌برد اقدام بر ضد مواضع داعش بود. بدین جهت داعشی‌ها تلاش کردند اقدام ایذایی و تروریستی خود در ایران را به عنوان راهبرد شکل دهند، اما اکنون با فروپاشی و رب‌ع جدی مواجه هستند، چون ایرانی‌ها در مقابل امنیت ملی خود با هیچ‌کس تعارف ندارند و داعش را هم همچون سایر گروه‌های تروریستی نابود خواهند کرد.

صهیونیستی و دیگر کشور‌ها را مهار می‌کند. نخستین بار است که ایران توان عملیاتی خود را پس از ۸۰ موشکی که به مقر منافقین در یادگان اشرف شلیک کرد به رخ می‌کشد. موضوع حمله به پایگاه منافقین یک تهدید مرزی بود، اما این عملیات یک تهدید منطقه‌ای را مورد حمله قرار داد و ایران را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به اثبات رسانده است. سومین هدف، هدف دور‌برد است که آمریکا مورد خطاب قرار می‌دهد. در شرایط کنونی که کنگره آمریکا موضوع تحریم موشکی ایران، سپاه پاسداران و … و رادر دست‌ور کار قرار داده و ایران را به عنوان یک کشور بی‌ثبات‌ساز تحریم می‌کند، شلیک این موشک‌ها پاسخ به تحریم‌های آمریکا بود. ایرانی‌ها در قبال دیپلماسی برجام بسا جهان همسکاری کردند، اما در دفاع از تمامیت ارضی خود با کسی تعارف ندارند. برنامه موشکی ایران غیرقابل توقف است و ایران به مرحله‌ای رسیده که هیچ سیاست تحریمی نمی‌تواند توان موشکی خوداتکای ایران را محدود کند. هیچ کشوری در منطقه توان موشکی خوداتکا ندارد و تمام این کشورها به لحاظ توان موشکی به شرق و غرب اتکا دارند. از این‌رو صد فناوری آنها دست آمریکا و روسیه است، اما ایران را به لحاظ توان موشکی خوداتکاست که این مهم توان قوی منطقه‌ای در تعادل نظام منطقه‌ای را به سود ایران رقم می‌زند.

ما به عنوان وزارت خارجه به هیأت نظارت بر اجرای برجام گزارش می‌دهیم که این نقض، صورت گرفته است.براساس برجام نمی‌توانند تحریم جدیدی بگذارند اشخاص را می‌گذارند که آنها را از کار با ایران بترسانند و به این خاطر، ما معتقدیم نقض برجام است.



سید عباس عراقچی معاون وزیر خارجه و رئیس ستاد پیگیری برجام در برنامه نگاه یک (شبکه اول سیما ۹/۱۷/۹۶)در باره مصوبه اخیر مجلس نمایندگان آمریکا گفت: یک اقدام دشمنانه و خصومت آمیز علیه ایران است. قانون جدیدی است و حرف‌های جدیدی زده‌ولی موضوع جدیدی اتفاق نیفتاده و ادامه دشمنی‌های آمریکااست و دشمنی آمریکا ادامه داشته‌و خواهد داشت و مقابله ما با سلطه ورزی‌ها و خصومت‌های آمریکا ادامه داشته‌ و خواهد داشت.

▣ **برخی برجام را با پیمان مودت بین ایران و آمریکا اشتباه می‌گیرند**

وی با بیان اینکه ما از بعد انقلاب در مقابل دشمنی‌های نظام سلطه آمریکا ایستاده‌ایم، افزود: قرار نبود این دشمنی کاهش یابد و برجام بنا نبود این دشمنی را کاهش دهد. برخی برجام را با پیمان مودت بین ایران و آمریکا اشتباه می‌گیرند و برجام یک موضوع هسته‌ای را بین ایران و ۶ کشور مدیریت و حل و فصل کرد و کسی نباید توقع داشته باشد برجام دشمنی آمریکا علیه ایران را کاهش دهد. یک حرکت دشمنانه علیه ایران صورت گرفته و واکنش ما با قاطعیت و متناسب با آن خواهد بود. ۳۸ سال است در مقابل همه دشمنی‌های آمریکا ایستاده‌ایم و کماکان خواهیم ایستاد. تا وقتی آمریکا نظام سلطه گر هست ما در مقابل آن خواهیم ایستاد.

▣ **نمی‌توانند تحریم جدیدی بگذارند اشخاص را وارد لیست تحریمی می‌کنند/به این خاطر ما معتقدیم نقض برجام است**

عراقچی افزود: کاری که کنگره کرد یک حرکت خصمانه بود. آمریکایی‌ها فکر می‌کنند در اثر برجام ایران قدرتمندتر و سیاست آن در منطقه تهاجمی تر شده و سیاست هایش و رفتارش نسبت به آمریکا عوض نشده و معتقدند این وضعیت باید عوض شود. حرف از سیاست به عقب راندن ایران می‌زند. وی گفت: آنها می‌خواهند منافع ایران از برجام را کاهش بدهند، با ایجاد فضای سنگین روانی علیه ایران که کسی با ایران کار نکند و در اثر فضای منفی شرکای اقتصادی ایران و بانک‌ها با ایران کار اقتصادی کنند.براساس برجام نمی‌توانند تحریم صورت گرفته بگذارند اشخاص را می‌گذارند که آنها را از کار با ایران بترسانند و به این خاطر ما معتقدیم نقض برجام است. ترامپ و آمریکا به دنبال کنار گذاشتن برجام هستند ولی می‌خواهند شرایط را به گونه‌ای بگذارند که ایران برجام را کنار بگذارند.

▣ **ایران تا زمانی به برجام پایبند خواهد بود که از منافع برجام بهره‌مند شود**

معاون وزیر خارجه ادامه داد: ایران تا زمانی به برجام پایبند خواهد بود که از منافع برجام بهره‌مند شود. در مقابل دشمنی آنها حتما واکنش نشان خواهیم داد، ولی واکنش ما هوشمندانه و حساب شده خواهد بود حتما در زمین ترامپ بازی نخواهیم کرد. ما به عنوان وزارت خارجه به هیأت نظارت بر اجرای برجام گزارش می‌دهیم که این نقض صورت گرفته است و تصمیم گیری درباره اینکه نقض صورت گرفته و آیا نقض فاحش است یا نه واکنش نسبت به آن با هیأت نظارت بر اجرای برجام است. وی در بخش دیگری از اظهاراتش با بیان اینکه در حال حاضر وضعیت به گونه‌ای نیست که دیگر کشورها به بر شرایط آمریکایی‌ها تن بدهند، عنوان کرد: قرار داد با توتال هم نمونه‌ای از آن است. پیام توتال و رویایی‌ها به آمریکا این بود که اگر ویورها را تمدید کنی یا نکنی ما به سرمایه‌گذاری در ایران ادامه خواهیم داد.

برجام نقض شده است

دشمن نوک حمله خود را به سمت سپاه گرفته است. قرار نبود برجام دشمنی ایران و آمریکا را کاهش دهد



▣ **اروپا از برجام حمایت می‌کند و پشت سر برجام ایستاده**

وی با بیان اینکه اروپا از برجام حمایت می‌کند و پشت سر برجام ایستاده، افزود: برجام همانطور که پیمان مودت ما با آمریکا نیست، پیمان مودت با اروپا هم نیست. ما با اروپا در بسیاری موارد مشکلات و اختلاف نظر‌های عمیقی داریم. از جمله در بحث موشکی، فلسطین و حقوق بشر و …

عراقچی گفت: ترامپ و کنگره هنوز نتوانسته برجام را دست بزند و این خاطر که اروپایی‌ها محکم پشت برجام ایستاده‌اند. در واقع برجام قطعنامه شورای امنیت و حمایت کامل اروپایی‌ها را دارد و علاوه بر آن ایران هیچ بهانه‌ای دست آنها نداده است و گزارشات آژانس هم این را تایید می‌کند. اروپایی‌ها ناسبت به برنامه موشکی ایران اعتراض دارند و مواضع خود را دارند و از ما می‌خواهند این کار را نکنیم و ما در مسائل امنیت ملی و دفاعی کشور و مسائل امنیتی و دفاعی خودمان منتظر اجازه هیچ کسی نخواهیم بود و یکی از موفقیت‌های برجام این بوده که بحث موشکی ما را از بحث هسته‌ای جدا کرد. در تست موشکی بعد از برجام آمریکایی‌ها به شورای امنیت بر دند، ولی موفق نشدند حتی یک بیانیه مطبوعاتی از شورای امنیت بگیرند. موشک‌های ما برای حمل کلاهک‌های هسته‌ای طراحی نشده است و به هیچ کس اجازه دخالت در مسائل امنیت ملی خود را نمی‌دهیم و موشک‌های ما اقتدار است.

▣ **وضع هر گونه تحریم جدید نقض برجام است**

معاون حقوقی و امور بین‌المللی وزارت امور خارجه درباره شروط رهبری هم یاد آور شد: تعدادی از شروط مقام معظم رهبری قبل از اجرایی شدن برجام هستند و باید آن شروط اجرایی می‌شدند تا برجام اجرایی شود. برخی از این‌ها هم مربوط به بعد از اجرا هستند. یکی از شروط رهبری این است که می‌گویند هر گونه وضع تحریم جدید به هر بهانه‌ای نقض برجام است.

▣ **هنوز تحریم جدیدی اضافه نشده است**

عراقچی تاکید کرد: چیزی که تا الان رخ داده و در قانون جدید آمریکا هم آمده است، هیچ موضوع تحریمی جدیدی اضافه نشده است. تا الان این کار انجام نشده است ولی اشخاص وارد لیست می‌شوند. این قانون می‌گویند مئلا عراقچی به دلیل حمایت از برنامه موشکی تحریم

ادامه داشته باشد در جلسات کمیسیون مشترک و همه جا گفته‌ایم اگر ایران از منافع برجام نتواند بهره‌مند شود یک لحظه در برجام نخواهیم بود. به برجام تا وقتی متعهد هستیم که منافعمان را به خطر نیندازد. اینکه گفته می‌شود ما فقط بر خورد‌های کلامی داشته‌ایم، من تعجب می‌کنم. چرا تنها ابزار مقابله ایران با آمریکا را در برجام می‌بینند؟ ایران طیف وسیعی از ابزارها و امکانات را برای مقابله با آمریکا دارد و در عمل استفاده کرده است. آمریکایی‌ها جواب ما را در عرصه‌های مختلف دیده‌اند. مادر زمین دشمن بازی نخواهیم کرد، ما خودزنی نخواهیم کرد. ایران قدرتمند است و با برجام قدرتمندتر شده است. الان دنیا به قدرت ایران اذعان می‌کند. آنها احساس می‌کنند ایران با برجام قدرتمندتر شده و با این اقدامات می‌خواهند ایران را عقب نگهدارند. رئیس ستاد پیگیری اجرای برجام در بخش دیگری از این گفت‌وگو عنوان کرد: ما در کمیسیون مشترک دلایل خود را برای نقض سه پاراگراف ۲۶، ۲۸ و ۲۹ برجام عنوان کردیم. ما از نتیجه کمیسیون مشترک قانع نشدیم و به هیأت نظارت منعکس کردیم و منتظر تصمیم گیری هیأت نظارت هستیم که آیا در نشست بعدی کمیسیون شرک کنیم یا نه قرار است هیأت نظارت همین روزها جلسه برگزار کند. زمان برگشت به نقطه قبل از برجام و به نقاطی فراتر از قبل از برجام طبق برنامه‌ای است که مجلس از ما خواسته و طبق آن سازمان انرژی اتمی برنامه ریزی کرده و سناریوی ما کاملاً آماده است که به نقطه‌ای که بودیم برگردیم و حتی فراتر از نقطه‌ی که بودیم. عراقچی افزود: ما وقتی سابق این سناریوها و بازگشت خواهیم رفت که منافع برجام از هزینه‌ها بیشتتر باشد در حال حاضر برجام آن کارهایی که باید برای ایران می‌کرده انجام داده و آنچه در رفع تحریم‌ها منتظر داشتیم انجام داده است. مئلا برجام قرار بوده مانع فروش نفت را بر دارد که برداشته است. برجام قرار بوده مانع سرمایه گذاری خارجی در نفت ایران را بر دارد که برداشته که نمونه آن توتال است. اینکه توتال بد است یا خوب است سیاست‌های خودمان است که باید درباره آن بحث کنیم. برجام قرار بوده مانع خرید کشتی را بر دارد و این را برداشته است. الان همه نفتکش‌هاو کشتی‌های ما بیمه هستند و همه بر چرم حمل می‌کنند و در حوزه انرژی و کشتیرانی به قبل تحریم‌ها برگشتیم ولی در حوزه بانکی و مالی مشکلات ناشی از تحریم‌های اولیه آمریکا را داریم. ولی در این حوزه از این بست مالی و بانکی خارج شده‌ایم. آنچه از برجام انتظار داشتیم که مانع از تالان برداشته است، وی درباره اینکه گفته شده از ایران درخواست شده از سایت‌های نظامی بازدید کنند، گفت: هنوز چنین درخواستی نشده است. یک فردی در آمریکا پیشنهاد کرد بود که از آژانس بخواهیم دسترسی بدهد. ما در این باره تصمیم می‌گیریم نگرانی خیلی‌ها بود که اگر پروتکل الحاقی را اجرا کنیم دسترسی آژانس چگونه خواهد بود هنوز آژانس از ما درخواست به سایت‌های نظامی را نکرده است و اگر بخواهد باید دلایل و مدارک می‌خواهد و خیلی مراحل دارد و ما هم اعلام کرده‌ایم ملاحظات خود را داریم و اینگونه نیست که به آژانس اجازه دهیم وی در بخش دیگری از اظهاراتش با بیان اینکه تیمی را ترامپ مامور کرده که عدم پایبندی ایران را کشف کند، افزود: این نشان می‌دهد ما چقدر موضعمان نسبت به برجام محکم است. ترامپ گفته اگر دست کم دست من بود پایبندی ایران را تایید نمی‌کردم و ما به گونه‌ای رفتار کردیم که ترامپ که شعار انتخاباتی‌اش پاره کردن برجام بود الان نتوانسته چنین کند. اگر روزی برجام به نقطه‌ای برسد که آمریکا بخواهد اجرا کنند ما آمادگی داریم و سناریوهای مربوطه را طراحی کردیم. عراقچی درباره قانون تصویبی اخیر کنگره درباره ایران، روسیه و کره شمالی که ۹ صفحه مربوط به ایران است، گفت: هیچ کس حق ندارد این حرکت خصمانه آمریکا را کوچک بشمارد. این حرکتی خصمانه است. وقتی آمریکا اسامی سرداران عزیز ما را در لیست تحریم‌ها می‌گذارد اعتباری برای آنهاست نه می‌خواهند به آمریکا بازوند نه اسامی دارند. این کاری که آمریکا کرد جنبه سسمبلیک دارد. قانون مجلس شورای اسلامی بسیار محکم و خوب است و تدابیرش خیلی خوب است و وزارت خارجه کاملاً با ما موافق است و از آن حمایت می‌کند. معاون وزیر خارجه گفت: در قانون مزبور وظایفی برای وزارت خارجه تعیین شده که وزارت خارجه پس از تصویب این کار را انجام خواهد داد. ما با مجلس همراه هستیم و یک صدا علیه آمریکا هستیم و این کار را هوشمندانه انجام خواهیم داد حتما مصائبی نمی‌خواهی شد و خودزنی نخواهیم کرد. وی جلسه با کمیسیون امنیت ملی را جلسه خوبی خواند و گفت: نکته مهم آن یکصدایی با نمایندگان بود و اگر تفاوت‌هایی بود در نحوه و شیوه‌های برخورد با آمریکایی‌ها بود. دولت ما مجلس در این مقابله کاملاً یک صدا است. همه ما یک صدا هستیم. معتقدیم برجام توسط آمریکا نقض شده و صادقان آن را آقای ظریف در نامه‌هایی که به موگربنی نوشته ذکر شده و مجلس پیش نویسی را تهیه کرده و دولت و وزارت خارجه به صورت صد در صد حمایت می‌کند و ما هم همراه هستیم و پاسخ مناسب را خواهیم داد.

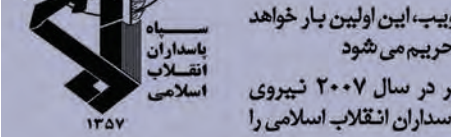
می‌شود. این تحریم نیز به معنای عدم صدور ویزا برای عراقچی برای سفر به آمریکا و بلوکه اموال وی در آمریکا است.

▣ **قانون جدید شخص محور است و نه موضوع محور**

مجلس نمایندگان آمریکا طرح جامع تحریم‌های ایران، روسیه و کره شمالی را با ۴۱۹ رای موافق و ۳ رای مخالف تصویب کرد. این طرح بیش از دوسوم آرای موافق مجلس نمایندگان آمریکا را به خود اختصاص داده و ۳ نماینده مخالف، از حزب جمهوری خواه بودند. این طرح نسخه اصلاح‌شده طرحی است که پیش از این با هدف تحریم ایران و روسیه در سنا تصویب شده بود. طرح جامع تحریم‌های ایران باید اکنون به مجلس سنای آمریکا رفته و پس از تصویب شدن، رئیس جمهور آمریکا نیز باید آن را امضا کند.

تحریم سپاه پاسداران

- براساس طرح دیگری، سپاه پاسداران به طور مستقیم تحت تحریم قرار خواهد گرفت
- در صورت تصویب، این اولین بار خواهد بود که سپاه تحریم می‌شود
- آمریکا پیشتر در سال ۲۰۰۷ نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تحریم کرده‌بود



۳

۳ اجرای تحریم تسلیحاتی

توقیف دارایی افراد و نهادهای درگیر در فعالیت‌های خاص مرتبط با تامین، فروش و یا انتقال تسلیحات منع شده و مواد مرتبط به یا از ایران تروریسم

۲ تحریم‌های جدید تروریسم

اعمال تحریم‌هایی علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به اتهام حمایت از تروریسم

۱ تحریم‌های موشک بالستیک

تحریم افراد مرتبط با برنامه موشک بالستیک ایران و کسانی که با آنها معامله دارند

برجام و تحریم

هشدارها و تذکرات

تحریم اعتماد

به بهانه تصویب تحریم‌های همه جانبه علیه ایران

در طول این مدت، در پی بدعهدی‌ها و اجرای تحریم‌های جدید متأسفانه موضعی در مقابل آن گرفته نشده و فقط به حرف و شعار بسنده و هیچ اقدام متقابل انجام نشد.

برجام سندی که حکایت از یک مذاکره موفق و به قول دولتی‌ها مذاکره برد بردی بود که همه غربی‌ها و کشور‌های مذاکره کننده سود کردند و هم ایران اسلامی توانست به خواسته‌های خود که یکی از مهمترین آنها رفع کامل تحریم‌ها و لغو آنها، نه تعلیق بود برسد. دولت یازدهم و رئیس آن، بارها گفتند در روند اجرای توافق هسته‌ای کلیه تحریم‌های هسته‌ای و غیر هسته‌ای از اول انقلاب تاکنون بطور کامل لغو و نه تعلیق خواهد شد. همه مسئولان مذاکره کننده با تمام قدرت و توان صحبت از لغو کامل تحریم‌ها داشتند که مهمترین آنها حل مشکل بانکی و فروش نفت بود و همه اینها در ازای آن بود که نهادهای کشور را بر آن داشت که به ازای پرداخت بهای سنگین از جمله جمع کردن بیش از ده هزار سانترفیوژ، پذیرش پروتکل الحاقی، پسر کردن قلب راکتور اراک با سیمان و تعطیلی آن، اکسید اورانیوم غنی شده و ذخیره آن زیر ۳۰۰ کیلوگرم، خارج کردن آب سنگین از ایران و فروش آن، پرداخت تضمین‌های بین المللی و قبول بسیاری از شروط دیگر که جای بحث و تأمل دارد، فقط در مقابل لغو همه تحریم‌ها قبول کنند که این سند اجرایی شود.

اقدامی که باعث شد بسیاری از ظرفیت‌های کشور دیگر امکان حرکت نداشته باشد و به تعطیلی کشیده شود، هسته‌ای فقط در یک ظرفیت آزمایشگاهی بماند و سایه علوم وابسته به آن مختل و تعطیل شود. پروژه‌های علمی فنیایی کشور تعطیل و فقط به همان دستاوردهای قبلی حتی کمتر اکتفا شود، در ازای اینکه تحریم‌ها برود تا جرح اقتصاد کشور بچرخد و بقول آنها مشکل آب خوردن مردم هم در پی آن حل شود.

در این میان بارها دلسوزان و منتقدان برجام به مسئولان مذاکره کننده گفتند که این کار عایداتی نداشته و اعتماد به آمریکا کاری اشتباه است و دشمنی آمریکا با نظام اسلامی با اصل آن است، مشکلات آنها هسته‌ای، موشکی و … نیست بلکه با موجودیت انقلاب مشکوک لازم و اینها تنها بهانه‌ای است برای رویارویی با ایران اسلامی، قصد آنها تضعیف کشور و در نهایت براندازی نظام اسلامی است.

رهبر معظم انقلاب نیز از ابتدای مذاکرات به مسئولان دولتی کشور فرمودند: من به این مذاکرات خوش بین نیستم و آمریکا را قابل اعتماد نمی‌دانم.

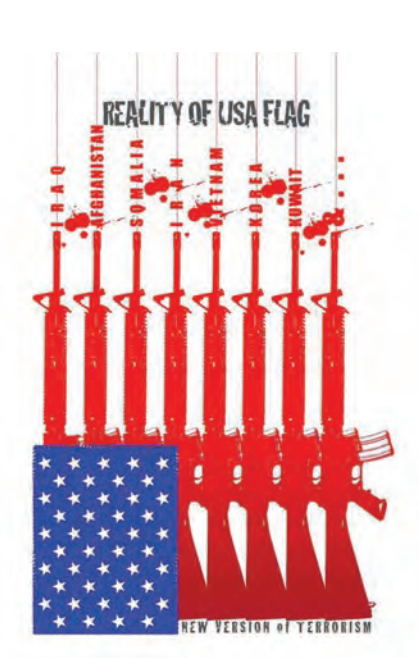
ایشان بارها به مسئولان دولتی سفارش کردند که برای تحقق مذاکره نیازی به عجله ندارند، باید با دقت مسائل را بررسی و در نهایت با رعایت حقوق کشور اقدام لازم را انجام دهند. رهبر انقلاب بارها از مسئولان مذاکره کننده حمایت کرده و آنها را به مشورت با منتقدان فراخواندند و تذکرات مهمی را به همین منظور فرمودند، از جمله اینکه موضوع مذاکرات را فقط در موضوع هسته‌ای آن دانسته و سایر موضوعات را منتفی کردند و در نهایت با اضرار دولت بر توافق و تصویب مجلس شورای اسلامی با ۹ شرط اجرای برجام را منوط کردند.

متأسفانه ۹ شرط معظم رهبری که می‌توانست حداقل از بروز خسارت‌های زیاد جلوگیری کند یکی پس از دیگری کنار گذاشته شد و یکی از بندهای آن که اجرای مرحله به مرحله برجام بود، بگونه‌ای عمل شد که همه تعهدهای ایران را بدون توجه به حرکت طرف مقابل در اجرای تعهداتش اجرایی کرد و تا جایی پیش رفت که قلب راکتور از سیمان شدند، همه سانترفیوژها جمع شدند، اورانیوم‌های غنی شده اکسید شدند، آب سنگین از کشور خارج شد، پروتکل الحاقی پذیرفته شد و اجرا شد.

کوشش‌های طرف مقابل که بنا بود برجام را اجرا و تحریم‌ها را لغو کنند در پی بدعهدی آمریکایی‌ها در تحریم‌های مجدد در موارد دیگر و همچنین اجرای تحریم‌های قبلی، از انجام تعهدات سرباز زدند و هیچ کدام از تعهدات خود را انجام ندادند، نه ارتباط بانکی و پولی کشور از میان شد و نه مشکل فروش نفت تا جایی که نفت را با قیمت آب فروخسیم و به حراج گذاشتیم، پول‌های نفت را در ازای کالا و واردات پرداختیم، صنعت و تولید را به تعطیلی کشاندیم، هیئت‌های مذاکره کننده اروپایی و آمریکایی آمدند و فقط محلی شد برای تجارت کالاها مصرفی آنها و خاموش شدن صنعت تولیدی کشور.

در طول این مدت، در پی بدعهدی‌ها و اجرای تحریم‌های جدید متأسفانه موضعی در مقابل آن گرفته نشده و فقط به حرف و شعار بسنده و هیچ اقدام متقابل انجام نشد. امروز پس از دو سال از اجرای برجام سنای آمریکا در تصویب طرح جدید خود برای افزایش تحریم‌ها بر علیه ایران که به بهانه دفاع ایران از تروریست و بهانه حقوق بشر و بحث موشکی ایران است طرح جدید ما در تحریم‌ها که باید گفت صد رحمت به تحریم‌های قبل از برجام را تصویب کرده و با رای احداکثری برای اجرا به دولت آمریکا داده‌اند.

تشره برجایی که به واسطه خوش باوری‌های عده‌ای سرمایه‌گشور را نابود کرد و کشور را به عقب راند، طرحی که به دنبال اجرای سند‌های پیوستنی برجام تا جایی پیش می‌رود که خواهیم دید خودمان، خودمان را تحریم کرده‌ایم، مظاهر قدرت کشور به بهانه‌های واهی تضعیف می‌شوند و این نیست مگر بخاطر اینکه دشمن باور کرده است که می‌تواند این اقدامات را با پرویی و وقاحت ادامه دهد زیرا کسی نیست که بخواهد روبروی آنها بایستد و اقدام مقابل به مثل با آنها انجام دهد.



۳ اجرای تحریم تسلیحاتی

توقیف دارایی افراد و نهادهای درگیر در فعالیت‌های خاص مرتبط با تامین، فروش و یا انتقال تسلیحات منع شده و مواد مرتبط به یا از ایران تروریسم

۲ تحریم‌های جدید تروریسم

اعمال تحریم‌هایی علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به اتهام حمایت از تروریسم

۱ تحریم‌های موشک بالستیک

تحریم افراد مرتبط با برنامه موشک بالستیک ایران و کسانی که با آنها معامله دارند

اقتدار دفاعی

خطر ناکنتر از «نفوذ»



محمدرضا تابش نماینده اردکان بزده در مجلس

ایران به دلیل اهمیت تاریخی و موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک خود همواره با چالش «نفوذ» مواجه بوده است. این مسأله در دهه‌های اخیر به دلیل وقوع انقلاب اسلامی که در واقع انقلابی استکبارستیز بود و به منافع قدرت‌های استکباری غرب در ایران پایان داد، از اهمیت بیشتری برخوردار شد. با وجود این، مقابله با «نفوذ» کار پیچیده و تخصصی است و بخشی از آن به آگاهی‌ها و آموزش‌هایی بازمی‌گردد که سبب می‌شود مردم متوجه فرآیندهای پیچیده «نفوذ» باشند. همچنین آموزش‌های تخصصی به مسئولان در دهه‌های مختلف مسئولیتی و حاکمیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بخش دیگری از مقابله با نفوذ نیز کار ی فوق تخصصی است که مسئولیت آن بر عهده نهادهای امنیتی کشور قرار دارد. بنابراین بازی کردن با کلمات وواژه‌ها در مهار «نفوذ» حل‌کننده مشکلات نیست. نباید از بیاناتی که رهبری معظم انقلاب به نحو هوشمندانه مطرح کرده‌اند، استفاده سیاسی و جناحی شده و سخنان ایشان دربارهٔ مقابله با «نفوذ» مصادره به مطلوب شود. بلکه ضروری است هر کس در هر موقعیتی و هر نهادی به فراخور وظایف تخصصی و حاکمیتی خود، درست‌ترین اقدام را برای تحقق رویکردهای مورد اشاره رهبری نظام به عمل آورد. خدای نکرده نباید موضوع‌گیری رهبر معظم انقلاب و توصیه‌های ایشان به مسئولان عالی‌رتبه کشور قسح‌بابی برای به وجود آمدن انشقاق در جامعه شود و به گسترش افترا، تهمت و دروغ‌پراکنی‌های ناجوانمردانه در جامعه بینجامد. زیرا هر موضوع و موضوعی که باعث اختلاف و انشقاق در میان مردم و مسئولان شود، سم مهلکی است که از نفوذ بیگانگان نیز بدتر و خطرناک‌تر عمل می‌کند. زیرا اسد اصلی کشور در مقابل «نفوذ»، چه از جنبه عملیات روانی و چه اقدامات فیزیکی خود مردم هستند. اگر مردم به حاکمیت اعتماد داشته باشند و کنار مسئولان صف واحدی تشکیل دهند و وحدت پدید آید، به‌دوستان جمهوری اسلامی نمی‌توانند نقشه‌ها و توطئه‌هاایشان را علیه انقلاب اسلامی به مرحله اجرا دریاورند و پروژه نفوذشان شکست خواهد خورد. اما اگر این اتحاد و وحدت احاد مردم از میان برود، آنگاه بسستر «نفوذ» و عملیات ایدایی دشمنان چه در بعد فیزیکی و چه در بعد روانی فراهم می‌شود. بنابراین برای مقابله بانفوذ بیگانگان ودشمنان در نظر گرفتن چهار نکته بر هر اقدام دیگری ارحیت دارد: نخست آنکه باید صف واحد باشیم تا وحدت جامعه در مقابل ترقدنهای قدرت‌های استعماری حفظ شود. دومین راهکار آن است که برای حفظ اعتماد عمومی و یکپارگی ملی باید از بهره‌برداری سیاسی و جناحی موضوعاتی که رهبری نظام در توصیه‌های خود می‌فرمایند، با جدیت تمام اجتناب کنیم. نکته دیگر آنکه دستگاه‌های حاکمیتی باید وظایف خود را در حوزه‌های آموزش، ارتباطی و فنی جدی‌تر برگزار کنند. اما مهم‌ترین نکته آن است که مردم چنان که تاکنون نیز عمل کرده‌اند، باید وحدت خودشان را حفظ کنند و برای مقابله بازترقدنهای قدرت‌های استکباری هشیار باشند تا در برابر نفوذ دشمنان اعم از نفوذ فیزیکی یا عملیات روانی آنها بی‌تمام‌توان ایستادگی کنند.

اروپایی‌ها قبل از هر اتفاقی که قرار است به عنوان طرح مشترک برقرار شود نشست‌ه و محاسبه کرده اند که یکی از مهمترین منازری که می تواند اقتصاد فرورفته و ورشکسته آن ها را که نرخ رشد اقتصادیشان برای سه سال پیاپی به کمتر از نیم درصد و حتی بعضی از کشورها صفر و زیر صفر کاهش پیدا کرده و نرخ بدهی ملی آنها تا چند برابر نرخ تولید ناخالص ملی آنهاست از قبیل رابطه اقتصادی و نفوذ در بازار مصرفی ایران خواهند توانست اقتصاد خودشان را نجات دهند.

جذب سرما به باید بر اساس هدف گذاری ها و سیاست گذاری های کلان جامعه تعیین بشود و رفتار خودش را با سایر حوزه های ساختاری کشور اعم از فرهنگی سیاسی و امنیتی و اقتصادی پیدا کند.

اگر ما باور نکرديم که در ساخت استحکام درونی نظام نياز به استقلال و خودکفایی و کاهش وابستگی‌هایی که ضریب آسیب پذیری ما را بالا می‌برند داریم، در آینده دچار مشکل خواهیم شد.



ساسان شاه ویسی کارشناس اقتصادی، درباره دلایل حضور شرکت های اروپایی در ایران گفت: حدود یکسال پیش در دانشگاه مطالعات جهان، نشستى برگزار شد که بحث ما در آن نشست راهبردى، واکاوى روابط ایران با اروپا بود و اینکه اگر قرار باشد توافق برجام اجرایی شود نگاه طرف های اروپایی به ما چیست؟ دوستان ما، یکی در حوزه استراتژیک، یکی حوزه امنیت بین الملل، دیگری در حوزه هسته ای و بنده نیز در حوزه اقتصادی در این نشست سخنرانى کردیم. وی با اشاره به سخنانش در نشست مذکور، افزود: در نشست سران اروپا که بر گزار شد کمیسیونری اقتصادی اتحادیه اروپا دستورالعملی به عنوان هدایت اقتصادی کشورهای مختلف ارائه کرده بود. در این دستورالعمل آمده است: بنابر توافقاتی که ما به عنوان اتحادیه و ترویقای سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان با ایران برقرار می‌کنند کشورهای اروپایی باید بدانند که خروجی این توافقات اگر به یک طرح اقدام مشترک تبدیل شود این است که بازار بزرگی در ایران آزاد خواهد شد که حداقل گردش مالی این بازار خواهد توانست اروپا را از استیلا و رکود اقتصادی که بیش از ۷ سال است در اتحادیه شکل گرفته خارج یکنند.

این اقتصاددان تصریح کرد: در دستورالعمل هایی که مورد به مورد برای هر کشور جداگانه اعلامیه صادر و نوشته شده بود. اگر شما بتوانید روابط اقتصادی خود را با ایران فعال کنید ضمن اینکه کمیسیونری اقتصادی اتحادیه از این روابط حمایت می‌کند دستورالعمل های مشخصی وجود دارد که



توهم پردازان توسعه غربی، عاملان نفوذ

سیاست رسمی نظام، استقلال و خودکفایی است. اما برخی نحل‌ها در محافل آکادمیک کشور بر این باورند که در عصر جهانی‌سازی، استقلال معنا ندارد.

این یکی از منافذ نفوذ در دستگاه تصمیم‌سازی است.

اگر ما باور نکرديم که در ساخت استحکام درونی نظام نياز به استقلال و خودکفایی و کاهش وابستگی‌هایی که ضریب آسیب پذیری ما را بالا می‌برند داریم، در آینده دچار مشکل خواهیم شد.

اقتصاد ایران و نقشه نفوذ اروپا و آمریکا بعد از برجام

جذب سرمایه گذاری خارجی در یک حوزه خاص بر خلاف اقتصاد مقاومتی

تعیین می کند هر کشور در چه موضوع و رابطه ای با ایران فعالیت کند تا بتواند عمده بازار چند ده میلیارد دلاری ایران را در اختیار اروپا قراردهد.

وی با بیان اینکه اوپایی‌ها معتقدند در دهه آینده باید به قانده اقتصادی اثرگذاری برگردد که اتحادیه را از رکود موجود نجات دهند. گفت: اروپایی‌ها قبل از هر اتفاقی که قرار است به عنوان طرح مشترک برقرار شود نشست‌ه و محاسبه کرده اند که یکی از مهمترین منازری که می تواند اقتصاد فرورفته و

نفوذ به کشورها با شعارهای زیبا



زن و اختلال در نقش‌های آن، خود به خود تغییر در بنیان خانواده اتفاق می‌افتد.

دکتر روح‌افزا همچین گفت: سند ۲۰۳۰ مانند یک هشت‌پایی است که به همه‌ی شئون زندگی اجتماعی ورود پیدا می‌کند. متأسفانه در ایران همتی وجود دارد تا این سند و مفاد آن اجرایی نشود، تنها کافی است تا به مشکلات اجتماعی و خانوادگی غرب نظیر کودکان‌کشی توسط والدین، طلاق، بحران هویت فرزندان، آمار بالای سقط جنین و غیره نگاه کنیم تا بنشین دستاورد این الگوی غربی چیست؟

۲۰۳۰ را سند الزام‌آور ست

با پایان یافتن صحبت‌های دکتر روح‌افزا، نیمی از مدعوین جلسه نقدها و نظرات خود را نسبت به سند توسعه‌ی ۲۰۳۰ بیان کردند. پس از آن، حجت‌الاسلام ذوعلم از آقای دکتر امیر سماواتی، خرفقدان و استاد دانشگاه دعوت کرد تا از منظر حقوقی سند توسعه‌ی ۲۰۳۰ را بررسی و شرح دهد.

این پژوهشگر و مدرس حوزه‌ی حقوق در ابتدا به روند تصویب چنین اسنادی انتقاد کرد و در ادامه به ارشادی معرفی کردن و نتیجه‌یک مهمت دانستن این سند، اعتراض کرد و معیار ارشادی یا الزامی بودن اسناد، را نوهی انشای پندهای این اسناد دانست، که با توجه به نوع انشاء و الفاظ به کار برده در آن باید اظهار نظر شود. آقای سماواتی با توجه به نوع انشاء سند توسعه‌ی ۲۰۳۰ و ادامه‌ی حق تحفظ ایران را در سند ۲۰۳۰ که یک مجموعه‌ی واحد است، بی اثر بیان کرد. زیرا در صورتی حق تحفظ اعمال می‌گردد که در قوانین داخلی کشور مابهازای آن قوانین خارجی وجود داشته باشد و اصولاً حق تحفظ برای امر عدمی امکان پذیر نیست.

خطای استراتژیک

این پژوهشگر حوزه‌ی خانواده در ادامه با بیان این نکته که هدف به عنوان سختران بعدی، از ابزارهای جدید حکمرانی که شبکه‌های مجازی و میزبانی فضای اینترنتی است، سخن گفت و اینکه این موارد می‌تواند در تولید و توزیع فرهنگ در سطح بین‌المللی بسیار

اندیشمند و راهبر

هفته‌نامه سیاسی فرهنگی

شناسایی دقیق قرار نداده و نرخ تولید ملی خودشان را افزایش نمی‌دهند. از این رو نرخ بیکاری آن‌ها نیز کاهش نیافته و چه بسا دیگران خواهند توانست با نفوذ پذیری اقتصادی حداکثر استفاده و برخورداری که مهم‌ترین مولفه آن خروج از رکود و بحران های اقتصادی در کشورشان است به وجود بیاورند.

ایشان درباره سراز و کارهای جذب سرمایه خارجی در اقتصادهای دنیا گفت: این موضوع با توجه به ظرفیت‌ها و سازو کارهای هر اقتصادی متفاوت است. برای مثال نگاه به جذب منابع خارجی در اقتصادی مانند اقتصاد انگلستان با اقتصادی مانند اقتصاد ترکیه یا نچریه تفاوت‌هایی دارد.

وی درباره دلایل این تفاوت‌ها افزود: هر اقتصادی با توجه به پتانسیل و تحرکی که در حوزه‌های مختلف دارد رده بندی می‌شود. یعنی یک اقتصاد در گردشگری ، دیگری در مواد معدنی و اقتصاد دیگر در نفت و تجارت دارای تحرک و پتانسیل‌های نسبی است.

این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: به نظر می‌رسد هر اقتصادی باید از ظرفیت‌های خود تعریف مشخصی داشته باشد یعنی بدانند اقتصاد پایه آن کشور مبتنی بر پایه خدمات مالی یا مدیریت انرژی و سرمایه گذاری‌های راهبردی است؟ یا اقتصادی مبتنی بر گردشگری و خدمات مسافرتی است؟ وی در ادامه بیان داشت: بعد از آن ما باید آن حوزه مشخص را تعریف و ساختارهای آن را تقویت کنیم و سپس در پی کسب سرمایه گذاری باشیم. شاه ویسی تصریح کرد: در غیر این صورت ما یک سرمایه گذار سنتنی با یک سرمایه گذاری بسیار محدود هستیم که نمی‌تواند قابلیت و کارآمدی خاصی را تعریف کند. که قدرت مانور این اقتصاد بسیار محدود و شکننده است.

وی با اشاره به برخی از اقتصادها که چند پدیده را در حوزه‌های اقتصادی برای جذب سرمایه تعریف می‌کنند گفت: تنوع حوزه ای برای جذب منابع خارجی مقاومت اقتصادی هر اقتصاد را نسبت به سرمایه گذاری‌های مزمن افزایش داده تا آن اقتصاد کمتر دچار شوک های منطقه ای یا فرامنطقه ای شود.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به جذب سرمایه گذاری پویا و موثر اظهار داشت: جذب سرمایه باید بر اساس هدف گذاری‌ها و سیاست گذاری‌های کلان جامعه تعیین شود و رفتار خودش را با سایر حوزه‌های ساختاری کشور اعم از فرهنگی سیاسی و امنیتی و اقتصادی پیدا کند.

در دستور العمل‌هایی که مورد به مورد بر ای هر کشور جداگانه اعلامیه صادر و نوشته شده بود: اگر شما بتوانید روابط اقتصادی خود را با ایران فعال کنید ضمن اینکه کمیسیونری اقتصادی اتحادیه از این روابط حمایت می‌کند دستورالعمل های مشخصی وجود دارد که تعیین می‌کند هر کشور در چه موضوع و رابطه ای با ایران فعالیت کند تا بتواند عمده باز از چند ده میلیارد دلاری ایران را در اختیار اروپا قراردهد

نقش آفرین باشند.

خاتم دکتر آیت‌اللهی به عنوان دومین بانوی سخنران، پس از صحبت‌های آقای انتظاری با دعوت آقای ذوعلم سخنرانی خود را آغاز کرد. دکتر آیت‌اللهی در ابتدا پیرامون سابقه‌ی همکاری سازمان‌ها و نهادهای کشور با سازمان ملل و نهادهای آقماری آن و افزایش همکاری‌ها در سال‌های اخیر صحبت کرد.

در ادامه این عضو ششورای فرهنگی اجتماعی زنان و مدیر گروه مطالعات زنان و خانوادهی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی از تشکیل کمیته‌ی ملی توسعه‌ی پایدار ۲۰۳۰ در دولت به ریاست خاتم ابتکار در تاریخ (۱۳۹۴/۲/۰۱) و تشکیل کمیته‌ی تخصصی تحقق هدف پنجم سند توسعه‌ی پایدار ۲۰۳۰ در معاونت زنان ریاست جمهوری خبر داد. ابلاغ شاخص‌های هدف پنجم سند ۲۰۳۰ به سازمان‌های دولتی و ترویج این شاخص‌ها از جمله فعالیت‌هایی است که معاونت زنان ریاست جمهوری در راستای تحقق این هدف انجام داده است.

این کارشناس حوزه‌ی زنان به لزوم معنی یابی دقیق واژگان سند توسعه و اهداف آن و همچنین لزوم تحقیق پیرامون عملکرد سازمان ملل در جهان و ارائه‌ی آن به عموم مردم کشور سخن گفت. در پایان دکتر آیت‌اللهی هم به توانایی بالقوه‌ی ایران برای تدوین و تصویب سند رقیب در چنین مواردی و لزوم نقش آفرینی فعال در این زمینه اشاره کرد.

آقای ذوعلم با اشاره به صحبت‌های آقای پارسانیا در دیدار رهبر انقلاب با استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه در ماه مبارک رمضان، از ایشان دعوت کرد تا به عنوان پایان‌بخش نشست نقد و بررسی سند توسعه ۲۰۳۰ با ارائه جمع‌بندی راهکارهای مقابله با این سند، سخنان خود را آغاز کنند.

حجت‌الاسلامالمسلمین دکتر حمید پارسانیا، استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه، در ابتدا پیرامون ماهیت‌های سند توسعه‌ی ۲۰۳۰ و سند آموزش ۲۰۳۰ و سند ۲۰۳۰ صوب داخل کشور توضیحاتی را ارائه داد. دکتر پارسانیا درباره‌ی اجرایی شدن سند ۲۰۳۰ در ایران گفت: بنده احساس می‌کنم که بیش از آنکه مربوط به اسناد سازمان ملل باشد، مشکل داخلی ما است. گویی عده‌ای می‌خواهند اهدافی در کشور عملی شوند و به دنبال پنهانهای با اسناد سازمان ملل هستند تا عملی شدن این اهداف را به جبر به سازمان ملل مربوط کنند. این مشکلی شدیدتر از خود سند است. به همین دلیل سند آموزش ۲۰۳۰ را به عنوان کانون برنامه‌ریزی و اقدام و عمل آموزش جمهوری اسلامی قرار داده شده بود. حرکتی که از بسیاری از کشورهای دیگر شاهد نبودیم. پس از آن، اسناد داخلی که سیاست‌های اصلی آموزش کشور را مشخص می‌کنند به عنوان اسناد حاشیه‌ی سند آموزش ۲۰۳۰ در نظر گرفته شده است تا فرصت‌ها و تهدیدهای اجرایی شدن سند ۲۰۳۰ مشخص شوند. این اقدامات ربطی به سند ندارد و به اقدامات داخل کشور مرتبط است.

این محقق حوزه‌ی انقلاب اسلامی و غرب‌شناسی به تحمیلی نبودن بسیاری از اقدامات و مصوبات در کشور اشاره کرد و آن‌ها را در رقابت با اسناد مهندسی کشور دانست و آن را خطای استراتژیک قلمداد کرد. در پایان از سوی این اسناد دانشگاه به نبود سازوکار نظارت و ورود به تعهدهای بین‌المللی که موجب فشار و متممند جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی جهانی می‌شود اشاره و انتقاد شد که مجمع تشخیص صلحت باید در زمینه‌ی تعهد ۲۰۳۰ ورود پیدا می‌کرد.

پس از پایان صحبت‌های حجت‌الاسلام پارسانیا، تعدادی از حاضران و مستمعین، پرسش‌ها و نکات خود را بیان کردند و در پایان آقای ذوعلم با بیان این نکته که همچنان در آغاز راه الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت قرار داریم، ابراز امیدآوری کرد تا این غفلت عظیم با غلبه‌ی گفتمان انقلاب اسلامی جبران شود.

وقتی قرارگاه قطع شد یا عیبی پیدا کرد، فرمانده دستور می‌دهد:

آتش به اختیار

من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید… آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد، آنجا آتش به‌اختیار بید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید.

۶۶ رهنبر انقلاب ۱۳۸۳ ۹۶/۱۷/۱۷

سابقه «آتش به اختیار» در جمهوری اسلامی

پس از سه دهه هشدار و نهیب های مکرر مقام معظم رهبری در خصوص مقابله با تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و جنگ نرم دشمنان به همه دولت های مختلف پس از جنگ، امروز فرمان آتش به اختیار توسط افسران جنگ نرم را صادر می نمایند.

پیرو سخنان رهبر انقلاب در جمع دانشجویان و سپس در جمع مسئولان نظام ملی هفته و روزهای اخیر، تحلیل های متفاوتی از طرف صاحب نظران با دیدگاههای مختلف سیاسی و فرهنگی و بعضاً هم حزبی ارائه شده و اینجا برای روشن شدن بیشتر هدف از صدور این فرمان در شرایط کنونی کشور لازم است تا نگاهی به سابقه چنین فرمان و اقدام در نظام جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم.

پس از روی کار آمدن دولت بنی صدر در ابتدای دهه ۶۰ و در شرایطی

وقتی می بینیم کسانی که مسئولند، صلاحیت یا کفایت میدان داری ندارند، نیروها موظفند از آن فرمانده اصلی دستور را بگیرند و آن همان فرمان آتش به اختیار است. این اولین بار نیست که مقام معظم رهبری در عرصه فرهنگی، الفاظ و اصطلاحات نظامی را به کار می برند. فرمان تشکیل قرارگاه فرهنگی بعد از اعلام تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، تانوی فرهنگی و جنگ نرم از جمله دستورات ایشان بوده است. صدور فرمان «آتش به‌اختیار» از سوی رهبر انقلاب در حالی صورت گرفته است که دشمن به شکل جیهه وار با ورود فرماندهان اصلی و میانیی خود مقابل نیروهای ما، عمل به اختیار را به صورت سنگین و آتش بار برای افسران میانی خودشان اعلام کرده است. نمونه آن را در بحث انتخابات دیدیم که اینها شاید به طور مستقیم از فرمانده اصلی در جبهه استخبار، دستور لجنه ای نمی گرفتند، اما اقداماتشان به صورت خودجوش، دائماً اتقاف می افتاد. لذا قاعده عقلی می گوید ما هم باید جبهه وار عمل کنیم. (به فرمایش قرآن: فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم)

وقتی یک جبهه رسانه‌ای و عملیاتی با این قدرت تبلیغاتی بالا وجود دارد که هم نامتجانس عمل می کند و هم با قدرتهای استخباری هم پیمان است، ما هم قطعاً به یک سری اختیارات برای نیروهای خود نیاز داریم.

نماهیت و کیفیت آتش به اختیاری:

الف) «آتش به‌اختیار» برای افسران است؛ نه فرماندهان! آتش به‌اختیار لفظی است که رهبر انقلاب اولاً برای افسران جنگ نرم به کار بردند، نه فرماندهان! لذا فرماندهان همچنان باید مشغول رهبری قرارگاه و ایجاد موج باشند.

ب) فرمان آتش به‌اختیار در اصطلاح نظامی به معنای اقدامات خودسرانه یا بی‌برنامه نیست.

یک نیروی نظامی زمانی آتش به‌اختیار می‌شود که به هر دلیلی ارتباط با فرماندهی کم یا قطع شده باشد یا در وضعیتی است که نیاز به اقدام سریع و عاجل است تا دشمن، فرصت را از او بگیرد. در این شرایط بر اساس اصولی که فرمانده از قبل به آن نیروی نظامی سپرده، اقدام به انجام وظیفه می‌کند. افسران جنگ نرم به عنوان نیروهای نخبه فرهنگی که غالباً جوانانی در حوز‌های علمیه، در دانشگاه‌ها و یا در مراکز فرهنگی دیگر هستند، بر اساس اصول اولیه‌ای که نظام جمهوری اسلامی توسط رهبری خودش به آن رسیده، موظف‌اند که آتش به‌اختیار باشند.

ج) فرمان آتش به‌اختیار در مقابل دشمن یا بدنه اجتماعی مردم!

اینکه نیروهای انقلابی و دغدغه‌مند قرار است یا بدنه اجتماعی مردم برخورد بکنند، اتفاقاتی بود که از روی غفلت یا عناد مطرح شد. ما همانطور که در بحث نظامی، در مقابل اهداف نظامی دشمن هستیم، اینجا هم باید نسبت به نیروهای خودی سرراز برکنند. چنانچه برخی گفتند آتش به‌اختیار دوطرفه است و منتقدان حکومت هم باید آتش به‌اختیار بشوند. بنا به مضمون فرمایش امام مجتبی علیه السلام: نشانه ترس آن است که شخص بر دوستان دلیری می‌کند و از دشمن می‌گریزد.

۳- افسر «آتش به‌اختیار»، یک عنصر انقلابی با وقار و متین است؛ اما بی حال و وارفته نیست.

۴- ترس از نرسیدن به اهداف انقلابی و دستیابی دشمن به آرزوهایش، هست ولی این ترس هیچ وقت از تهدید دشمن نیست. نوعی ترس مقدس وجود دارد که در قرآن هم به این نوع ترس‌ها اشاره شده است. مثلاً موسی (علیه السلام) به علت اینکه ممکن است اهداف الهی اش زیر سوال برود، می‌ترسد و مراقب است، اینجا امری می‌فرماید

که جنگ بر کشور تحمیل شده بود، نریسش جمهور وقت با نگاهی سهل اندیشه‌انه که دارای ایشخوری از جنس اعتماد به دشمن به واسطه ارتباط با نهضت آزادی و جبهه ملی و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بود، وارد ماجرای مقابله نظامی با متعرضان به ایران شدند و استراتژی زمین در مقابل زمان را اتخاذ نمود. در پی این استراتژی ناصواب بود که تعداد زیادی از شهرهای مرزی و درونی استان خوزستان را از دست دادیم و دشمن تا نزدیکی های شهر اهواز پیشروی کرد. اینجا بود که راهبرد آتش به‌اختیار و تشکیل گروههای چریکی و جنگهای نامنظم توسط افراد مختلف از وزیر دفاع وقت شهید چمران گرفته تا دیگر فرماندهان و افرادی که احساس مسئولیت می‌کردند اتخاذ شد و در هر خط و مرزی که توانستند ایفای نقش نمودند. اینجا درست زمانی بود که مرکز اصلی فرماندهی و هدایت جنگ دچار ضعف مغرط و ارتکاب اشتباهات مکررو همچنین جایجایی مسائل اصلی و فرعی شده بود.

این فرمان پیش از این فقط یکبار صادر شده و آن افراد با سربلندی

و آبرو از این آزمون بیرون آمدند. روزهای آغازین جنگ، وسعت جنگ به گونه‌ای بود که ساختار ارتش آن روز جوابگو نبود. هسته‌های پراکنده ولی متحدالمركز «جنگ‌های نامنظم» شکل گرفت. شهید چمران، شاه‌رخ ضرغام و خیلی از فرماندهان امروز سپاه و ارتش با این هسته‌ها همکاری کردند، شهرهای مهمی حفظ شد و عملیات‌های بزرگی از دل همین تشکیلات و تجربیات ارزشمند رقم خورد. اینجا است که می‌بینیم شهید چمران در سوسنگرد، شهید علم الهدی در هویزه، شهید محمد بروجردی در کردستان، جاویدالاجر حاج احمد متوسلیمان در لبنان و شهید ضرغام و … هر کدام به نحوی و گوشه‌ای از کار را به دوش کشیده تا اینکه فرماندهی به جایگاه اصلی خود بر گردد و از ادامه پیشروی در جنگ جلوگیری شود. پس از سه دهه هشدار و نهیب های مکرر مقام معظم رهبری در خصوص مقابله با تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و جنگ نرم دشمنان به همه دولت های مختلف پس از جنگ، امروز فرمان آتش به‌اختیار توسط افسران جنگ نرم را صادر می نمایند. این در حالی

آتش به اختیار ضابطه‌ها و سابقه‌ها



فاخرخ محتوا اثباتاً برتب.

نوعی ترس را بچه‌های انقلابی دائماً دارند و آن ترس از این است که میباید دشمن به آرزوهای خود برسد ولی این ترس هیچ وقت از تهدید دشمن نیست. آنهایی که آتش به‌اختیار هستند، ترسشان از تهدید دشمن نیست. مطلقاً: امکانات و تهدید دشمن نمی‌ترسند، چون به وعده‌های خدا خوش بین هستند و معتقدند «هوالمذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» (۶۲ انفال)

۵- تقلید از فقه‌های انقلابی برای تشخیص وظیفه هست؛ اما پیروی از اسناد فرهنگی و حقوقی غربی نیست! اما اگر بخواهیم آتش به‌اختیار باشیم، باید بر اساس یک سری اصول این کار را انجام بدهیم. مثل یک نیروی نظامی باید اول دشمن را بشناسیم و مطمئن شویم که فلان هدف، غیر خودی است و درست و دقیق آتش را بر سر او بریزیم. در مسائل فرهنگی ما باید مقلد باشیم، مقلد فقهایی که انقلابی هستند. در هر شهری یک ملجئی را که از اندیشه حوزوی دقیق و انقلابی برخوردار هست، را شناسایی کرده و با محوریت او این کارها انجام شود.

۶- فعالیت‌های تبلیغی، خیابانی و چهره به چهره هست، اما آشوب، ناامنی و خانه‌های تیمی نیست. کسی که امروز فرمان آتش به‌اختیار را

داده است، همان کسی است که سال‌هاست در مورد فعالیت‌هیئت‌های اندیشه‌ور و قرارگاه‌های فرهنگی تاکید می‌کند.

۷- شجاعت در اقدام هست، اما بی‌برنامگی و خودسری نیست.

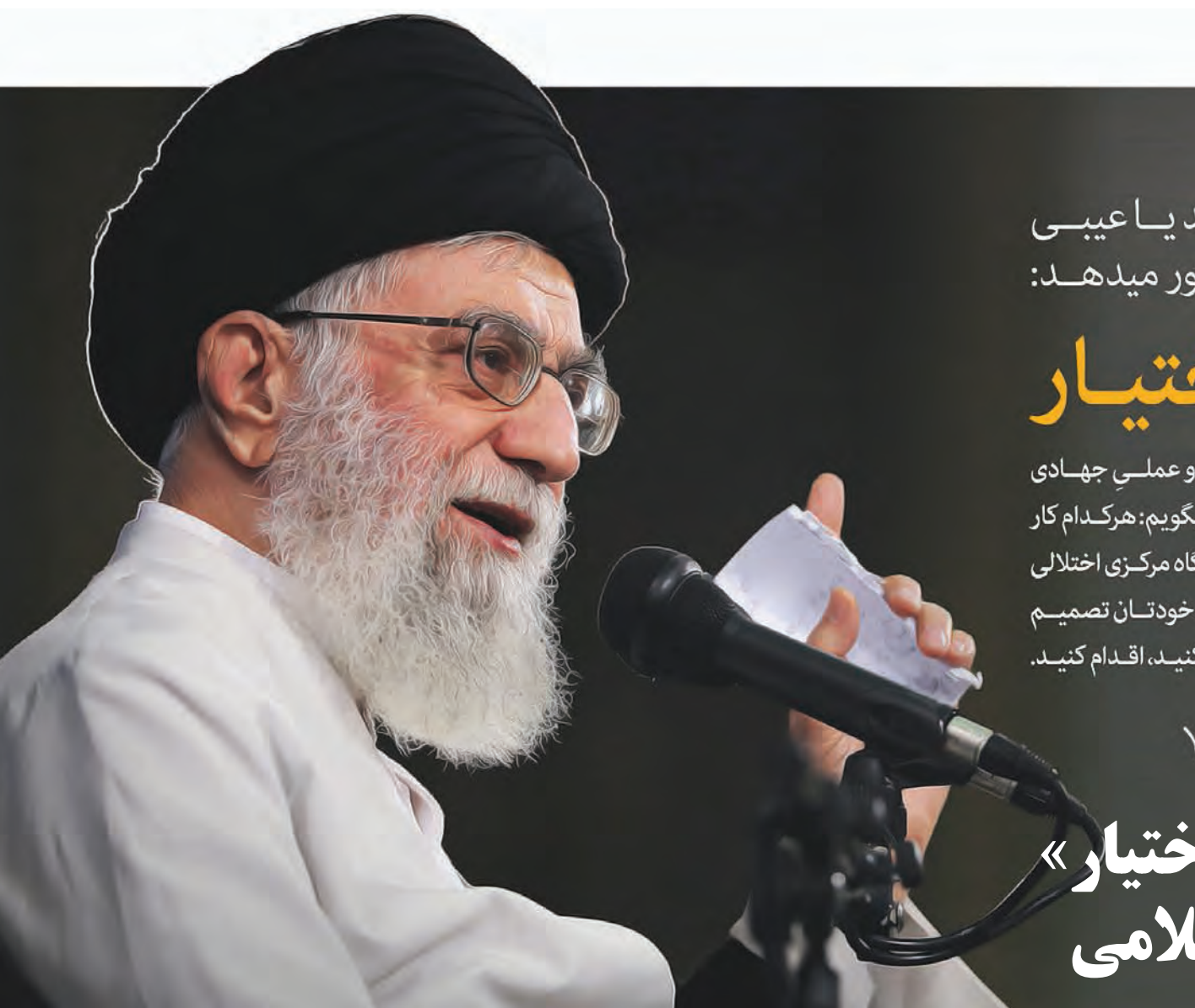
۸- نقد و مطالبه‌گری فعلا نه هست؛ اما توبین و بی‌انصافی نیست.

(و نماز جمعه قرارگاه اصلی و امام جمعه هر شهر ملجأ نیروهای آتش به‌اختیار است

مقام معظم رهبری وقتی دیدند که شورای عالی انقلاب فرهنگی و

شنبه

۲۱ • مرداد ۱۳۹۶ • سال اول • شماره ۵



است که فجایی مانند سَنَد ۲۰۳۰، ممناعت از دخالت علما و فقها در مسائل فرهنگی توسط وزیر ارشاد، جایجایی مسائل اصلی و فرعی از قبیل کنسر تها و …، جایجایی جای شهید و جلا، جایجایی سبک زندگی ها و افزایش فاصله طبقاتی و …، در سطح کشور بروز می‌یابد.

حال نقش حرکت های خودجوش فرهنگی در سراسر کشور و ایجاد روحیه مطالبه گری در جوانان و آحاد مردم از مسئولان و متولیان امور فرهنگی با فرمان آتش به‌اختیار تکمیل می‌شود. آنچه که با هم بایستی بدان توجه داشت، تفکیک مسائل داخلی و مسائلی که دشمنان قسم خورده انقلاب برای کشور ایجاد می‌کنند، فرمان آتش به‌اختیار برای قسمت دوم از مسائل است که دشمن در فضای جنگ نرم دنبال می‌کند، که لازم است همانطور که در جنگهای نامنظم و چریکی سالهای اولیه دفاع مقدس داشته‌ایم با هماهنگی قرارگاه مرکزی آتش به‌اختیار به فرماندهی شخص مقام معظم رهبری اقدامات لازم در جنگ نرم نیز صورت پذیرد.

سخن هفته

تأملی بر استدلال استعاری آتش به‌اختیار

تمهید جنبش جوانان انقلابی

مفهوم استعاری «آتش به‌اختیار» که در طول عمر نزدیک به بیست روزی خود بحث‌ها و گفت‌وگوهای فراوانی را دامن زده، با استدلال جدید رهبر انقلاب در دومین خطبه‌ی نماز عید فطر وارد مرحله‌ای تازه شده است. ما اکنون با مضمونی مواجهیم که پس از طرح و تکوین اصل ایده، با بیان تمهه‌ای در باب چه هستی و چه نیستی، بیش از گذشته تکمیل و تأیید شده است. اگر چه «آتش به‌اختیار» استدلالی استعاری و با عمری کمتر از یک ماه است اما به معنای‌ای دلالت می‌دهد که در نظریه‌ی رهبر انقلاب پیرامون تعبیر و انقلاب اجتماعی، اهمیت‌ی و تداومی پیوسته دارد. با مرور و تأمل بر این پیوستگی تاریخی و مفاهیم هم‌بود با آن است که خطوط معنایی این مفهوم، فراتر از منازعات جاری رخ می‌نماید. امری که نیازمند طی کردن دو مقدمه است:

۱- انقلاب و انسان انقلابی

مقدمه‌ی اول پیرامون نگاه رهبر انقلاب به چگونگی انقلاب اسلامی است. چگونگی وقوع یک انقلاب، یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مورد بحث در نظریه‌های انقلاب است. تا حدودی بسیاری زیادی می‌توان این چنین ادعا کرد که مورد انقلاب اسلامی در ایران یک تلفظ و خلاف‌آمد در میان تمامی چگونگی‌های بحث شده در نسل‌های گوناگون نظریه‌ها انقلاب بوده است. مسئله این جاست که این مورد متمایز، تنها یک رویداد و یا اتفاق روی‌داده در عالم واقع نیست. این تحلیل متمایز امام خمینی، متفکرین و کنشگران عمومی انقلاب اسلامی از چگونگی وقوع یک انقلاب است که این رویداد منحصربه‌فرد را ایجاد کرده است. تحلیل و بازاندیشی‌هایی که متفکرین انقلاب در تفسیرهای متأخر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ارائه می‌دهند نیز بر این عنصر متمایز تأکید دارد. «فتح‌الفتوح» یا انسان انقلاب اسلامی عنصر مشترک تحلیلی است که در دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، رهبر انقلاب و دیگر متفکرین معطوف به انقلاب اسلامی پروراندۀ می‌شود.

۲- جنبش‌های پس از انقلاب اسلامی

مقدمه‌ی دوم، بازخوانی موضع کلی‌ای است که نظریه‌ی تحلیلی متفکرین انقلاب اسلامی در تحلیل انقلاب اجتماعی اتخاذ می‌کنند. این موضع بر خلاف اغلب نظریه‌های جامعه‌شناسی انقلاب، موضعی غیرمحافظه‌کار است. نظریه‌های انقلاب عموماً در پی تشریح چگونگی فرونشاندن تب انقلاب هستند. اما نظریه‌ای که انقلاب اسلامی با فرمان آتش به‌اختیار تکمیل می‌شود، وقوع یک انقلاب می‌پروراندند، در پی تدبیر در وضعیت انقلابی و تداوم آن در دوران پس از نظام است. ارجاعات مکرر و اخیراً بر تعداد آیات‌الله خامنه‌ای به مفاهیمی مرتبط با انقلاب، همچون «تفکر انقلابی»، «هندسه‌ی انقلاب اسلامی»، «خطوط اساسی و اصول انقلاب اسلامی»، «انقلابی ماندن»، «انقلابی فکر کردن» و «انقلابی «زیربست انقلابی» و «کار انقلابی»، «تجریه‌ی مترامک انقلاب» و «نیروهای انقلابی»، «جریان غیرانقلابی»، «هویت انقلابی» در همین راستاست. «آتش به‌اختیار» استدلالی استعاری برای هموارسازی این مسیر و تمهید ساختن این جنبش است. رهبر انقلاب در حمایت همواره‌ی خود از «حزب‌الله»، چنین ره‌گشایی‌ای را دنبال می‌کرده‌اند. حیاتی که بیش از این در چارچوب مفاهیمی مانند «جوان مؤمن انقلابی» رخ نموده و اکنون در استعاره «آتش به‌اختیار» به سطح متفاوتی رسیده است.

۳- آتش و اختیار؛ در برابر منورالافکران محافظه‌کار و محافظه‌کاران سنت‌گرا

دو عنصر «آتش» و «اختیار» در این استدلال، واجد دلالت‌ها و مستلزم غریب-هایی است که تمهیدات لازم برای یک جنبش معطوف به انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد. گشودن «آتش»، به‌وضوح دعوت به جهت‌گیری آرمان‌خواهانه است؛ به مخاطبان روحیه و اسکان نقادِی می‌دهد. این مؤلفه، در تقابل انسان انقلاب با منورالافکری محافظه‌کار معنا می‌یابد. یعنی کسانی که به سبب قرار داشتن در موضع حفظ وضع موجود جهانی، هرگونه آرمان‌خواهی‌ای را ربر نمی‌تایند. «اختیار» اما گوهر و جوهره‌ی اصلی کنش‌گری اجتماعی‌ای است که محافظه‌کاران سنتی با ساخت برخی از ساختارها و سندهای ساده و بسطه، امکان کنش‌گری از صف انسان انقلابی را سلب نموده‌اند. این دو جریان، «انسان انقلابی» را یک موجود راضی به وضع موجود یا یک کنش‌گر منغفل، که صرفاً منتظر است تا دیگران به او بگویند چه کند می‌خواهند؛ آن‌ها با وجود تمایز در منورالافکری و سنت‌مایی، باید به کار مهمی اشتغال داشته باشند. محافظه‌کاری که فتلگانه انقلاب است. «آتش به‌اختیار» این مرگ محتمل را نشانه گرفته است و بی‌دلیل نبود و نیست که به محض طرح این مفهوم، دو جریان فوق به سان دو تیغه‌ی یک قیچی به تهی ساختن این مفهوم از معنای برخاسته و کوشش‌یافتن با تبدیل آن به دست‌ماهی جدال‌های لفظی، معنایی حقیقی آن را در برده‌ای از ابهام قرار بدهند. از سوی دیگر مفهوم «آتش به‌اختیار» خود مبتنی بر استدلالی مقدماتی است که عبارت است از تعطیل بودن یا مختل بودن دستگاه‌های مرکزی فکر، فرهنگ و سیاست. این تحلیل از وضع موجود، دعوتی فراگیر است که می‌تواند نیروهای اجتماعی انقلاب اسلامی را در موقعیت گریز از مرکز قرار دهد. این موقعیت و دینامیسم حاصل از آن نیروی دوباره به هسته‌های اصلی جنبش جوانان مؤمن انقلابی تزریق می‌نماید. اتکای بیش از حد نیروی اجتماعی انقلاب اسلامی به دستگاه‌های مرکزی و رسمی، اصلی‌ترین عنصر در به محاق رفتن کنش‌گری اوست. «جناح مؤمن انقلابی» اگر چه بسیار بیش از گذشته از بند کنش‌های رسمی رهائی یافته‌و به نحوی ایجابی اهمیت «کار مردمی» و «خودجوش» را درک کرده است اما گویی همچنان به ایفای نقش دستگاه‌های رسمی در بازتولید فکر، فرهنگ و سیاست در ساخت انقلاب اسلامی امید دارد.

۴- آتش و اختیار: تمهید یک جنبش انقلابی

آتش به‌اختیار بیش از هر چیز محصول خط ممتدی است که رهبر انقلاب برای بازتولید یک جنبش اجتماعی معطوف به انقلاب اسلامی دنبال می‌کنند. کوششی که گام به گام، پس از صورت‌بندی مفهوم «جناح مؤمن انقلابی» به مثابه یک جنبش، هشدار نسبت به طرد آن جناح مؤمن انقلابی و تأکید بر اهمیت کار مردمی و خودجوش، نقش مکمل و تسهیل‌گری نهادهای فرهنگی نظام و اکنون و مفهوم «آتش به‌اختیار» و مرحله‌ی اعلان تعطیلی دستگاه‌های مرکزی رسیده است. مرحله- مفهومی که ضمن منفی ساختن امکان مضمین این حرکت، با دینامیسم گریز از مرکز به آن شتاب بخشیده و مقدمات پیدایی و بپوایی یک جنبش اجتماعی برخاسته از انقلاب اسلامی و معطوف به آن را بیش از پیش فراهم‌تر می‌سازد.

۵- چه باید کرد؟

با پیروی بر تاریخ تحولات پس از انقلاب اسلامی به‌ویژه یک‌نیم دهه‌ی اخیر به‌خوبی در می‌یابیم بر حسب یک تحلیل صحیح از نسبت امت و امامت بود که انقلاب اسلامی در جنبش‌(هایی) اجتماعی بازتولید شد. در عسرت و غربت ناشی از برخورداری طردکننده و ضمیم‌کننده‌ی محافظه‌کاران غرب‌گرا و سنت‌گرا، این «نهضت عدالت‌خواهی» بود که به مثابه جنبشی جوانانه در دهه‌ی هشتاد امکان بروز یافت. در تشریحاتی که سیاست‌زدگان روزمره چالش‌های انقلاب را به چالش‌های سیاسی و خطی و جناحی فرو کاسته و ادبیات انقلاب را در این چالش‌ها مضمرف می‌کردند؛ این جوانان انقلابی بودند که آتش‌پاره‌های عدالت-خواهانه در ادبیات رهبر انقلاب را درک و دریافت کرده و با پاسخ‌هایی به هنگام، یک جنبش اجتماعی مؤثر را شکل دادند.

پیشرفت علم و دانش در کلام رهبر انقلاب

حرکت علمی کشور

است. یعنی در کشور این فکر، این گفتمان، این اندیشه به‌وجود بیاید که باید مسئله‌ی نانو را دنبال کرد.

پیشرفت کار فناوری نانو در واقع برای ما علاوه بر اینکه خودش ارزش دارد، از این جهت هم که یک نمونه‌ای است که ما بتوانیم در همهی کارهای کشور از این نمونه تبعیت کنیم و آن را معیار قرار بدهیم، برای ما ارزش دارد. خوب، نانو خیلی مهم است؛ نمیخواهیم بگوییم از همه‌ی مسائل کشور، از همه‌ی مسائل فنی مهم‌تر و بالاتر است؛ نه، اما یکی از مسائل مهم پیشرفت علمی و فنی کشور است.

استحکام ساخت درونی، حمایت از تولید ملی، پیشرفت علمی و فناوری

ما گفته‌ایم «ساخت درونی نظام» باید استحکام پیدا کند، «علم» بایستی رشد پیدا کند؛ «تولید داخلی» بایستی اساس کار باشد؛ «نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدّی باشد، استعدادهای پرورش پیدا کند؛ اینها پایه‌های اصلی کار است.

علم و دست برتر علمی، راز پیشرفت هر کشوری در اقتدار اقتصادی، سیاسی، نظامی و روحیه‌ای است.

یک ملت با داشتن دانش پیشرفته، فناوری پیشرفته، هم به ثروت میرسد، هم به استغنائی سیاسی میرسد، هم آبرومند میشود، هم دستش قوی میشود.

باید بتوانیم مسلح به علم شویم تا تهدید رقیب – یا رقیب یا دشمن، حالا همشان یک جور نیستند – نتواند آن‌طوری که تاکنون کارآمد بوده است، کارآمد باشد

شعار ما می توانیم

هر پیشرفت علمی‌ای، یک حرکت بزرگ و یک بشارت بزرگ به این ملت است که میتواند.

اقتدار علمی

از نقاط قوت ما، پیشرفت علمی است. بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکانپذیر نیست.

علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، میتواند به همه‌ی مقاصد خود دست پیدا کند. همه‌ی این پیشرفتهای علمی و اجتماعی و فنی در شرائط تحریم اتفاق افتاده است. رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. یک ملت از لحاظ دانش باید پیشرفته باشد، از لحاظ اخلاق، از لحاظ ایمان، از لحاظ عزم و اراده، تا بتواند اقتدار خود را حفظ کند.

یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه‌ی افراد دنیا برساند؛ و می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود. نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی و کار مترکام و انبوه، عاملی برای پیشرفت علمی ماست.

حرکت علمی ایران

علم، پایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه‌ی یک کشور است. دروازه‌های علم و فناوری را بر روی ما بستند، راه‌ها را

علم، پایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه‌ی یک کشور است. کلید پیشرفت، علم است. نگذارید حرکت علمی متوقف بشود.

علم، پیشرفت علمی و فراگیری، نیاز اول کشور ماست.

من از مسئولین امر به طور جدّی درخواست میکنم طرح‌های کلان در موضوعات تحقیقاتی مهم مثل هوافضا، ماهواره، انرژی هسته‌ای و امثال اینها نیابستی مطلقاً توقف پیدا کند؛ نباید تعطیل یا نیمه‌تعطیل باشد.

جامعه، بدون علم نخواهد توانست آرمانهای خودش را بالا بیاورد.

این شوخی است که سرعت حرکت یک کشوری سیزده برابر متوسط دنیا باشد؟ من که میگویم این سرعت را نگذارید کم بشود، علتش این است که ما خیلی عقب هستیم؛ باید سرعتمان آن قدر زیاد بشود که خودمان را بتوانیم به صف جلو برسانیم.

پیشرفت علمی ، فناوری و نظامی

یکی از آن سه نقطه‌ی اصلی و سه ستون اصلی‌ای که کشور امروز به آنها متکی است و شاید عمیق‌ترینش این است یکی همین مسئله‌ی علم و فناوری است. برای پیشرفت کشور واقعا احتیاج داریم به اینکه مسئله‌ی علم و مسئله‌ی فناوری، بشود مسئله‌ی مطرح کشور.

در مسئله‌ی علم و فناوری از ظرفیهای مقابل، مبالغ زیادی عقیم؛ اگر بخواهیم به او برسیم، اگر با سرعتی که او پیش میرود پیش برویم، این فاصله همیشه میماند؛ ما باید با یک سرعت و شتابی پیش برویم که چند برابر سرعت او باشد تا بتوانیم به او برسیم.

پیشرفتهای کاری علمی و آنگاه به ابتکارات علمی‌ای که روزبه‌روز در دنیا به‌وجود می‌آید بسیار کار لازمی است که این، ارتقای سازمانی را ایجاد میکند. وجود شتاب رشد علمی به معنای این نیست که ما به هدف رسیدیم یا حتی به هدف نزدیک شده‌ایم؛ چون ما خیلی عقب بودیم. اگر این شتاب رشد علمی حفظ شد، این امید وجود دارد که ما برسیم به قله‌ها، برسیم به خطوط مقدم.

دشمنان دنیای اسلام از پیشرفت علم در این کشور، از پیشرفت فناوری در یک کشور اسلامی ناراحتند.

در سطح کشور با اینکه خوشبینانه نگاه کنیم اما در لحاظ پیشرفتهای علمی و فناوری یک سطح قابل قبول و برجسته‌ای در دنیا دارد، اما در بین مجموعه‌ی پیشرفتهای پیشرفتهای تسلیحاتی و پیشرفتهای نظامی ما جزو برترین‌ها است.

گفتمان‌سازی، پیشرفت علمی و فناوری، نانو تکنولوژی

این چیزی که اخیراً من دیدم که این جوانهای دانش‌آموز دنبال این کار هستند و دارند این مسئله را در حذی که از توانایی‌های معمول دانش‌آموزهای ما بالاتر است دنبال میکنند یا برای بخشهای مختلف کارهایی انجام گرفته، این گفتمان‌سازی است؛ این گفتمان‌سازی خیلی مهمّ

اندیش‌شور راهبرد

هفته‌نامه
سیا سی
فرهنگی



جنگ، کار

تا پیروزی ...

مسدود کردند، محصولات مورد نیاز ما را به ما نفروختند و ما اینچور پیشرفت کردیم.

امروز افکار عمومی ما نمیداند که سه‌م سسی ساله‌ی جمهوری اسلامی در دانش و تحقیق و در کمیت گسترش دانشگاه‌ها، در کیفیت کار علمی و مقالات علمی و در اختراعات چقدر است. از اول انقلاب یکی از نقاطی که مخالفین و دشمنان این انقلاب مدّام تبلیغ کردند و این دروغ را با پیرایه‌های گوناگون آراستند، این بود که انقلاب بسا علم مخالف است. در حالی که انقلاب در حقیقت بر پایه‌ی علم است.

اگر ملتی نتواند در میدان علم و پیشرفت علمی و خط شکنی علمی پیشرفت کند، کلاش پس معرکه خواهد ماند. اگر می‌بینید کسانی آگاهانه، بسی پروا در دنیا ظلم آشکار میکنند، این به پشتوانه‌ی علمشان هست.

اقتدار علمی و عزت ملی

عزت ملی در عرصه‌ی علم به این است که جوان دانشجوی او، پژوهشگر او، عالم محقق او سعی کند مرزهای علم را درنوردد و علم را تولید کند.

اینکه من در این چند سال به دانشگاه‌ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه این همه تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملت‌ان علم است.

علم برای یک ملت، وسیله‌ای برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی است. علم مایه‌ی اقتدار ملی، مایه‌ی قدرت کشور، مایه‌ی ثروت کشور و مایه‌ی سربلندی هر کشوری است.

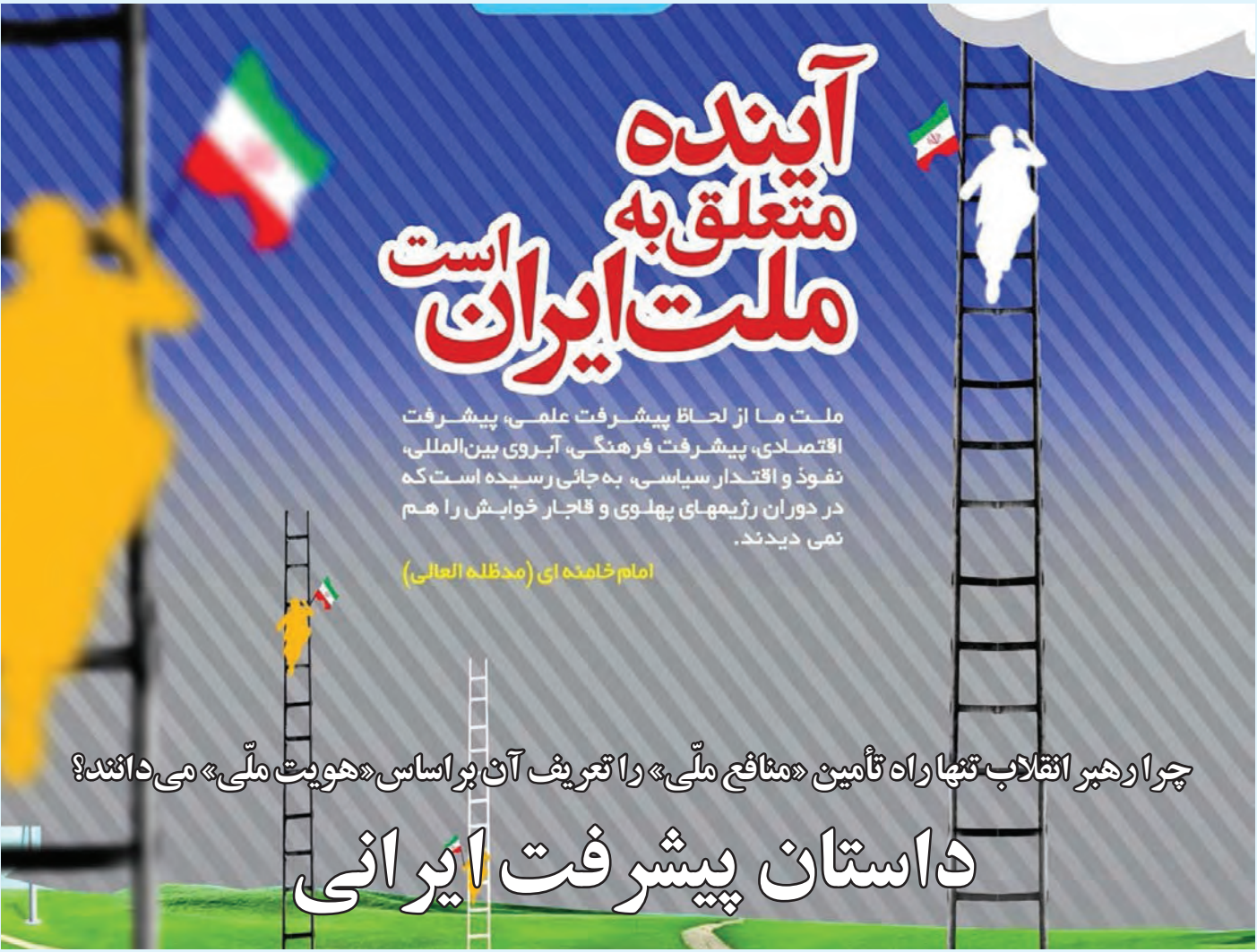
علم مجزّد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنیم به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه‌ی کشور.

علم را که مایه‌ی اقتدار ملی است همه جدّی بگیرند و دنبال کنند. نمی‌شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، یک ضرورت است؛ درون‌زاست. باید استعدادهای یک ملت به کار بیفتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه عالم بشود. کشوری که مردم آن از علم بی‌بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت.

تولید علم، جهاد علمی

ما باید علم را با همه‌ی معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم.

مجاهد فی سبیل‌الله تولید کننده است؛ باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم بشوییم. ما باید علم را با همه‌ی معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوانها، استادان و دانشگاه‌ها می‌گویم.



ملت ما از لحاظ پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، آبروی بین‌المللی، نفوذ و اقتدار سیاسی، به جایی رسیده است که در دوران رژیمهای پهلوی و قاجار خوابش را هم نمی دیدند.

امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

داستان پیشرفت ایرانی

در این مرز است؛ مرز منافع ملی، و آن طرف هم که تحول ناشی از اراده و تصمیم‌گیری قدرتهای بیگانه است. اینگونه بود که در تجربه‌ی تاریخ معاصر ایران، دوگانه‌ی «استقلال و وابستگی» در قالب مسئله‌ی «پیشرفت» و در چارچوب «نظام سلطه» نمودی تمام‌عیار یافت. نظام سلطه یعنی یک نظام دوقطبی جهانی بین کشورها... یک دوگانه‌هایی به‌وجود آمد، از جمله دوگانه‌ی پیشرفت و توقف... دوگانه‌ی ابتکار و تقلید... دوگانه‌ی استقلال و وابستگی.

جنگ خودباوری» با وابستگی

انقلاب اسلامی در چنین فضایی به پیروزی رسید؛ انقلاب ما، و جمهوری اسلامی در مقابل یک چنین وضعی سینه سپر کرد. انقلاب تحولی بنیادین به وجود آورد: «انقلاب اسلامی یک تحول عظیم ایجاد کرد... در انقلاب، خودباوری و اعتماد به نفس، به جنگ وابستگی رفت؛ خدا هم کمک کرد. کار بزرگ امام خمینی(رحمه‌الله) در گشودن راه پیشرفت حقیقی اینجانبامیان می‌شود: «ما میتوانیم» و امام بزرگوار در اعصاف جان این ملت قرار داد. این، یکی از مظاهر مهم عقلانیت امام بزرگوار بود و امام با انقلاب اسلامی با تشکیل جمهوری اسلامی، راه میانه‌ی عقب‌ماندگی و غرب‌زدگی را ترسیم کرد. اینگونه بود که پیشرفت ایران با انقلاب اسلامی «شروع» شد: «پیشرفت در کشور ما با انقلاب و با نهضت انقلابی شروع شد. یک جامعه‌ی ایستای را کد،

استعماری ضربه‌خورده از ناحیه‌ی انقلاب، تمام‌قد به میدان مقابله با انقلاب و مانع‌تراشی در مسیر حرکت ملت به سوی پیشرفت آمدند: ... این جریانها، همه در مقابل نظام جمهوری اسلامی صف‌آرایی کردند، توانایی‌های خودشان را از موندند، ضربه‌های خودش را زدند؛ یک مبارزه‌ی شروع شد، مبارزه‌ی سخت، نیمه‌سخت و نرم. در مبارزه‌ی نرم، افت و وابستگی «بازتولید» شد: «همان افت وابستگی، بعد به شکلهای دیگری در کشور بازتولید شد؛ چون بالاخره دشمنان عامل دارند... اینها شروع کردند بازتولید همان فرهنگ وابستگی، منتها با یک ادبیات شیک و رنگ‌آمیزی شده و قالب‌بندی شده و به‌بندی شده به اسمهای دیگر؛ جهانی شدن، وارد شدن در خانواده‌ی جهانی در حقیقت هر چند: «انقلاب اسلامی آمد مسیر را عوض کرد، ما آمدیم به سمت خودجویشی، خوددانی و خودفهمی؛ لیکن هنوز بسیاری از بنیانها به همان حال سابق موجود است.

پیشرفت با کدام نسخه؟

در چنین فضای بود که آیت‌الله خامنه‌ای برای تحقق پیشرفت حقیقی در کشور و جلوگیری از بازگشت الگوی غلط و خسارت‌بار وابستگی و دنبال کردن منافع تخیلی، بپیگیری «الگوی پیشرفت ایرانی – اسلامی» را «دستور کار قطعی جمهوری اسلامی» اعلام می‌کنند: «دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی – اسلامی است. ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمیخواهیم. دوگانه‌ی «پیشرفت حقیقی» و «پیشرفت صوری» در ادبیات رهبر انقلاب در واقع اشاره به همین دو الگوی کلان در تجربه‌ی معاصر ایران دارد: «مراد ما از پیشرفت، پیشرفت صوری نیست، پیشرفت حقیقی است. پیشرفت صوری این است که یک رونق ظاهری به اقتصاد بدهیم، یک مقداری جنس وارد کنیم و زرق و برق بدهیم؛ این میشود پیشرفت صوری، این فایده‌ی ندارد، این ممکن است علی‌العجله مردم را یک مقداری خوشنود کند اما در نهایت به ضرر کشور تمام خواهد شد. پیشرفت باید حقیقی باشد، عمیق باشد و متکی به پایه‌ها و استوانه‌های محکم داخلی باشد؛ این میشود پیشرفت؛ پیشرفت واقعی این است.

پیشرفت اسلامی ایرانی که متضمن تحقق منافع ملی ایرانیان است، چارچوب و ویژگی‌هایی دارد. پیشرفت در منطق اسلام دارای جامعیت بوده و دو بُعد مادی و معنوی را توأمان در بر می‌گیرد؛ پیشرفت در مفهوم اسلامی، با پیشرفت یک بُعدی یا دو بُعدی در فرهنگ غربی متفاوت است؛ چند بُعدی است. پیشرفت در علم، اخلاقی، عدالت، رفاه عمومی، اقتصاد، عزت و اعتبار بین‌المللی، استقلال سیاسی، عبودیت و تقرب به خدای متعال، همه و همه در الگوی پیشرفت اسلامی – ایرانی وجود دارد: «هم «دنیا» در این پیشرفتی که مورد نظر است، ملحوظ شده است، هم آخرت.

دوراه پیشرو

اکنون و در دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی دوراه متفاوت پیش‌روی ملت و دولت است: راه اول، اتکاء به تجربیات تاریخی و راه دیگری اعتنایی نسل جوان مؤمن و انقلابی و درک مسائل با «عقلانیت انقلابی» است و البته هزینه‌ی تغییر این مسیر نیز «سیلی خوردن» و «بازگشت به دوران سلطه و عقب‌ماندگی است؛ همه باید بدانند میتوان این راه را با شیوه‌ی انقلابی حرکت کرد و آن وقت، پیشرفت قطعی است؛ میتوان به شیوه‌ی دیگری حرکت کرد و آن وقت سرنوشت، سرنوشت رقت‌آوری خواهد بود. امام تعبیر رایجی داشتند، مکزتر در مواردی می‌گفتند: «اسلام‌سبیلی خواهد خورد». اگر راه را عوض کردیم، ملت ایران سبیلی خواهد خورد، اسلام هم سبیلی خواهد خورد.

حجاب در کلام رهبر انقلاب

آرمان شهدا

این جوان یا می شود می‌رود جنگ، جانش را کف دستش می‌گیرد، از خطرات عبور میکند، برای چه؟ این در وصیت‌نامه‌ها منعکس است؛ برای خدا، برای امام، برای حجاب. دیدید در وصیت‌نامه‌های شهدا چقدر درباره‌ی حجاب توصیه شده؛ خوب، حجاب یک حکم دینی است؛ این آرمان شهیدان فراموش نشود.

ورزش و حجاب

این خیلی مهم است که شما [ورزشکاران] چه‌جوری عمل می‌کنید. آن خانم جوانی که با چادر میرود روی سسکوی قهرمانی، نشان می‌دهد که در مقابل همه‌های قابل رؤیت و غیر قابل رؤیت که به این چنین کاری در دنیا از سوی مراکز ضد فرهنگ و ضد دین و ضد عصمت و پاکیزگی صورت می‌گیرد، حجاب مقاوم است، این خانم یک شخصیتی از خود نشان می‌دهد؛ یعنی در واقع ملت خود را معرفی می‌کند.

این مسئله‌ی بانوان و دختران ورزشکار ما که با حجاب در میدان می‌روند، خیلی چیز مهمی است. همه باید قلباً از زنان ورزشکار ما که در میدانها با حجاب، با عفاف، با متانت و با وقار حاضر میشوند، تشکر کنند.

انتر مراقبت از حجاب در زندگی

اخروی و پیشرفت کشور

حجاب مایه‌ی تشخیص و آزادی زن است؛ برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهر بینانه‌ی مادپرگرایان، مایه‌ی اسارت زن نیست. زن با برداشتن حجابهای خود، با عریان کردن آن چیزی که خدای متعال و طبیعت پنهان بودن آن را از او خواسته، خودش را کوچک میکند، خودش را سبک میکند، خودش را کم‌ارزش می‌کند. حجاب وقار است، متانت است، ارزشگذاری زن است، سنگین شدن کفهی آبرو و احترام اوست؛ این را باید خیلی قدر دانست و از اسلام باید به خاطر مسئله‌ی حجاب تشکر کرد؛ این جزو نعمتهای الهی است.

با حجاب بودن زنان اعیان و اشراف ایرانی و اروپایی در گذشته

حجاب، تکريم آن کسی است که در حجاب است. حجاب زن، تکريم زن است. در بیشتر کشورها- حالا من «بیشتر» که می‌گویم، چون همه را اطلاع ندارم- در گذشته، در قدیم، در همین اروپا تا دو سده سیمده سال پیش زنهای اعیان و اشراف حجابی روی صورتشان می‌انداختند؛ در بعضی از فیلمهای قدیمی شاید دیده باشید. یک حجاب می‌انداختند که چشمها به روی آن‌ها نیفتد.

این، تکريم است. در ایران باستانی زنهای اعیان و اشراف و رؤسا همه باحجاب بودند؛ زنهای افراد پائین و طبقات پست، نه، بی‌حجاب هم می‌آمدند؛ مانعی هم نبود. اسلام آمد این تبعیض را گذاشت کنار، گفت نخیر، زن باید باحجاب باشد؛ یعنی این تکريم مال همه‌ی زنان است. آن وقت آنها حالا شده‌اند طلبکار، ما شده‌ایم بدهکار! آنها بدهکارند؛ آنها باید بگویند چرا زن را مثل یک کالا وسیله‌ی شهواتی قرار دادند.

زن مسلمان ایرانی در المپیک

شما ببینید الان چقدر خرج می‌کنند و زحمت می‌کشند، برای این که حجاب را در دنیا از بین ببرند؛ کشورهایی که خودشان را مهد آزادی هم می‌دانند، می‌بینید که چه می‌کنند برای مبارزه ی با حجاب. حالا همه ی آن تشکیلاتی که با حجاب مبارزه می‌کنند یک طرف، این خواهر ورزشکار مؤمن و دختر جوان ما که با حجاب اسلامی و لباس محجّب - یا با چادر یا با آن شکل زیبای آرزوی - جلو دوربینهای دنیا ظاهر می‌شود و نشان می‌دهد که به این ارزش پایبند است و این صحنه در همه ی دنیا منعکس می‌شود، این یک طرف دیگر؛ او در واقع با این کار، همه ی آن تبلیغات را خنثی می‌کند.

حجاب و چادر

حجاب، ارزشی است منطبق با طبیعت انسان - حجاب برتر همین چادر ایرانی خود ماست - حقیقتاً حجاب برتر است؛ هیچ تردیدی در این نباید داشت.

با حجاب زن، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کنند. ما هیچ وقت نگوئیم که حتما چادر باشد، و غیر چادر نباشد. گفتیم که چادر بهتر از حجابهای دیگر است.

حجاب، رابطه زن و مرد و عفاف

این مسأله‌ی حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه‌ی عفاف در این بین سالم نگه داشته شود. ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه دعوت می‌کنیم.

مسأله‌ی حجاب، به معنای منسوزی کردن زن نیست. مسأله‌ی حجاب، به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قیدوشرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد - بخصوص به ضرر زن - است.

حجاب، مسأله‌یی است که اگر چه مقدمه‌یی است برای چیزهای بالاتر، اما خود یک مسأله‌ی ارزشی است.

حق مالکیت و کار نداشتن زنان غربی تا اوایل قرن بیستم

باید مسأله‌ی ارزشی اسلام در جامعه‌ی ما احیاء بشود. مثلاً مسأله‌ی حجاب، یک مسأله‌ی ارزشی است. مسأله‌ی حجاب، مسأله‌یی است که اگر چه مقدمه‌یی است برای چیزهای بالاتر، اما خود یک مسأله‌ی ارزشی است. ما که روی حجاب این‌قدر مقیدیم، به خاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک می‌کند تا بتواند به آن رتبه‌ی معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاههای بسیار لغزنده‌ی که سر راهش قرار داده‌اند، نشود.

نقطه‌ی مقابل این، درست همان فرهنگ رومی حاکم بر امروز اروپاست. آن‌ها با همه چیز کنار می‌آیند، جز با دو، سه چیز؛ یکی از آن‌ها و شاید مهم‌ترینش حفظ این حالت حفظ منضبط میان دو جنس زن و مرد است؛ یعنی خویشتن‌داری در مقابل چیزی که به آن آزادی جنسی گفته می‌شود. در مقابل این، به‌شدت سرسختند؛ هر کار دیگری نکنند، مهم نیست. از نظر آن‌ها کسی مرتجع است که روی این مسئله تکیه بکند. اگر در کشوری، زنان با یک حدودی از مردان مجزا شدند، این می‌شود خلاف تمدن؛ راست هم می‌گویند؛ تمدن آن‌ها که بر ویرانه‌های همان تمدن رومی بنا شده، چیزی جز این نیست؛ اما این از لحاظ ارزشی غلط است؛ عکسش درست است.

تأثیر نپذیرفتن از غرب در مسائل پوشش زن

بختهایی که در باب پوشش زن می‌شود، بختهای خوبی است که انجام می‌گیرد؛ منتها باید توجه کنید که هیچ بخشی در این زمینه‌های مربوط به پوشش زن، از آن هجوم تبلیغاتی غرب متأثر نباشد؛ اگر متأثر از آن شد، خراب خواهد شد. مثلاً بیابیم با خودمان فکر کنیم که حجاب داشته باشیم، اما چادر نپوشیم؛ این فکر غلطی است. نه این که من بخوامم بگویم چادر، نوع منحصر است؛ نه، من می‌گویم چادر بهترین نوع حجاب است؛ یک نشانه‌ی ملی ماست؛ هیچ اشکالی هم ندارد؛ هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرکی هم در زن ندارد. اگر واقعاً بنای تحرک و کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری باشد، لباس رسمی زن می‌تواند چادر باشد و - همان‌طور که عرض کردم - چادر بهترین نوع حجاب است.



مرکز ملی
مطالعات و
تحقیقات
زنان

حجاب، لباس فعالیت اجتماعی
حجاب، به هیچ وجه مزاحم فعالیت های سیاسی و علمی و اجتماعی نیست؛ شاید هنوز عده ای تعجب کنند که خانی در سطح بالای علمی در هر رشته ای وجود داشته باشد که خودش را با تعالیم اسلامی و از جمله مسأله حجاب منطبق کند.
رهبر انقلاب

تجمل گرایی چگونه بنیان جامعه را به هم می‌ریزد؟

بلکه بیشتر تحت تأثیر فشارهای بیرونی، ایجاد می‌گردد. یعنی انسان‌ها برای اینکه از قافله عقب نمانند، مجبورند به این امیال ساختگی پاسخگو باشند.

بنابراین وقتی تجمل‌گرایی با مفهوم سرمایه‌داری پیوند می‌خورد، شاهد پدیده‌ی اغواي دانهی انسان خواهیم بود. یعنی یک جریان، امروز یک کالای خاص را برای شما مهم و حیاتی جلوه می‌دهد و فردا همان کالا را بی‌اهمیت می‌سازد و کالای دیگری مهم تلقی می‌شود. در واقع نظام سرمایه‌داری، با خلق ایدئولوژی‌هایی دائما در حال فریب انسان است. نظام سرمایه‌داری انسان را به این پهنانه اغوا می‌کند که با این کالاها می‌توانید یک زندگی راحت و آسوده داشته باشید، همه‌ی این کالاها در تصرف و اختیار شما است، اما واقعیت این است که این وسایل هستند که انسان را به تصرف می‌گیرند.

البته پاسخگویی به نیازهای دنیوی و مرتفع ساختن آنها تا حدی که زمینه‌ی آرامش ما را فراهم کند، بلا مانع است. کما اینکه ما در دعا‌های خود از خداوند طلب خیر دنیا و آخرت می‌کنیم. اما مشکل دقیقا از جایی آغاز می‌شود که رفیع نیازها به شکلی افسارگسیخته ادامه یابد و ذائقه‌ی ما به‌طور غیرارادی دائما عوض شود.

نقش خانواده در کنترل این جریان چگونه ارزیابی می‌گردد؟

نظام سرمایه‌داری با اقتضائاتی که بیان شد، ساخت خانواده را چنان در هم می‌ریزد، که دیگر نقش مهمی در سرنوشت و زندگی اعضای خود ایفا نمی‌کند و نمی‌تواند رفتارهای غلط و انحرافی اعضا را مدیریت کند. برای مثال امروزه کاملا جایگاه خانواده‌ی هسته‌ای که پارسونز از آن به‌عنوان «خانواده‌ی طلایی» نام می‌برد و مبنای آن تفکیک نقش‌های جنسیتی بود، متزلزل شده است. به‌عبارت دیگر، اقتضات نظام سرمایه‌داری دیگر وجود خانواده‌ی ثابت که در طول هفته در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند و ارتباط پایدار دارند را بر نمی‌تابد. چنین خانواده‌ی دیگر مقبول نظام سرمایه‌داری و بسا سرمایه‌داری نیست. این نظام به آدم‌های در دسترس نیاز دارد، به آدم‌هایی که در زمان نیاز بود مانند یک سرباز، آماده‌ی انجام وظیفه باشند. در این حالت، دیگر خانواده به‌معنای لنگرگاه معنا ندارد. خانواده‌ی لنگرگاه باید از بین برود و تبدیل به یک چیزی شود به نام ایستگاه شلوغ، خانواده‌ی که زنش در غرب زندگی کند، مردش در شرق، بچه‌هایش هم جای دیگری زندگی کنند و سالی یک بار برای کریسمس به‌صورت موقتی دور هم‌دیگر جمع شوند. این اقتضات جامعه‌ی سرمایه‌داری است که خانواده‌ی هسته‌ای را متلاشی می‌کند و به زن، مرد و بچه‌هایش را به‌صورت منفک و مستقل نگاه می‌کند و هر کدام را به نوعی درگیر روزمرگی می‌کند و می‌توان تصور کرد که چنین خانواده‌ی که هر یک از اعضای آن مسیر خود را می‌روند به نوعی درگیر حقه‌های نظام سرمایه‌داری هستند و هیچکدام نمی‌توانند رفتارهای یکدیگر را تعدیل کنند؛ در حالی که خانواده در حالت معمول به تعدیل رفتارهای اعضای خود می‌پردازد.

اگر به تجمل گرایی چه عنوان یک ناهنجاری نگاه کنیم، این ناهنجاری چه آسیب‌هایی می‌تواند به فرد و خانواده وارد کند؟

مفهوم تجمل‌گرایی در بعد مرضی خود با مفاهیمی مانند ریخت‌پوش کردن، هدر دادن ثروت، دنیازدگی، مصرف‌گرایی و حتی چشم و هم‌چشمی پیوند می‌خورد. در این میان از



همه‌مهم‌ترین این است که انسان در زندگی ۳-۴ دچار یک جور تقلیدگرایی می‌شود و تمام انسانیت، عزت نفس و معنویتش تقلیل داده می‌شود به نوع مصرف کالاهای مادی. اگر که دخل و خرج را با یکدیگر سازگار کنی، ولی وقتی شما به‌سمت تجمل‌گرایی تمایل پیدا کردی دیگر بحث قناعت از بین می‌رود.
در حوزه‌ی خانواده تجمل‌گرایی چه آسیبی وارد می‌کند؟
در حوزه‌ی خانواده یکی از علت‌های تضاد بین اعضای خانواده و بالا رفتن فشار و استرس درون خانواده همین تجمل‌گرایی

اعضای خانواده است. چون سرعت تجمل‌گرایی به مراتب بیشتر از سرعت افزایش سرمایه‌های اقتصادی خانواده است. به‌همین دلیل بین این تقاضا و توان پاسخ‌گویی به آن، یک شکاف عمیق وجود دارد. یعنی دائما تقاضاهایی شکل می‌گیرد که توان پاسخ‌گویی برای آن وجود ندارد. این میل به مد یا میل به تجمل، خیلی وقت‌ها بیشتر از توانمندی اقتصادی خانواده است. کاملا قابل مشاهده است که در حال حاضر یکی از مشکلات جوانان با پدر و مادر خود همین کشمکش بین خواستن کالای لوکس و عدم امکان تهیه‌ی آن از سوی خانواده است. این نزاع در خانواده باعث می‌شود که نقش والدگری والدین به چالش کشیده شود و باعث افزایش فشارهای روحی و روانی در خانواده شود. تداوم این نزاع و فشار می‌تواند یک انفصال و یک فاصله میان اعضای خانواده ایجاد کند. یعنی خانواده زیر یک سقف زندگی می‌کنند ولی فاصله‌ی بین وجود دارد. جایی که خانواده نتواند پاسخگویی این تجملات باشد، راه‌های کج‌ترانه ایجاد می‌شود. وقتی فرد نتواند از راه‌های معقول و متعارف به خواسته‌هایش برسد، ممکن است به راه‌های غیرمتعارف و غیرقانونی روی بیاورد.

پیشنهاد شما برای اصلاح این تگرش چیست؟

برای اصلاح این تگرش، نیاز است تا ما مقداری به عقب بازگردیم و یک مقدار فرآیندهای رسانه‌ای، آموزشی و تربیتی جامعه را مرور کنیم. با یک نگاه کلان، باید عناصر و نهادهایی که در جامعه‌پذیری و آگاهی‌بخشی به افراد جامعه نقش دارند، مورد بررسی و بازبینی قرار گیرند. یک بخشی از این اصلاح به نهاد خانواده باز می‌گردد. نوع تربیت اخلاقی و تربیت صحیح دینی نقش زیادی در نوع تگرش افراد در جامعه دارند. همچنین آموزش و پرورش که نقش اساسی در زمینه‌ی جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان را ایفا می‌کند، باید با رویکردی واقعی و امروزی به مسائل آنها بپردازد و با اصلاح تگرش‌ها، به شکل‌گیری تصور مثبت از خود و مرئی شدن آنها به‌صورت صحیح کمک کند.

رسانه‌ی ملی و همچنین سایر رسانه‌ها در انتقال ارزش‌ها بسیار مهم هستند در حالی که متأسفانه امروزه رسانه‌هایی چون تلویزیون و سینما بسیار بد عمل می‌کنند. برای مثال در اکثر فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی، خانواده‌ها در تهران زندگی می‌کنند، اتومبیل‌های لوکس سواری می‌شوند، در خانه‌های مرفه و تجملاتی زندگی می‌کنند. حتی در مورد شاخص‌های طبقاتی بسیار غلو می‌شود، مثلا طبقه متوسط را بسیار لوکس و تجملی نشان می‌دهد، در حالی که در واقعیت چنین نیست. با اینگونه تصویرسازی‌ها نمی‌توان انتظار داشت که مردمی که این فیلم‌ها را می‌بینند، تحت تأثیر قرار بگیرند. اتفاقا در مواردی همین رسانه‌ها مروج سبک زندگی اشرافی و تجمل‌گرایی بوده‌اند.

ضمن این که مردم از مسئولین تأثیر می‌پذیرند، یعنی وقتی ببینند یا احساس کنند که مسئولین خود زندگی اشرافی دارند، طبیعی است که این سبک زندگی در بین مردم رواج می‌یابد و آن‌ها برای اینکه خود را به طبقه‌ی بالا و نخعیه جامعه نزدیک کنند به‌سمت تجملات پیش می‌روند. بدین ترتیب نیاز است تا اصلاحاتی قانونی در توزیع عمومی ثروت صورت بگیرد. عدالت اجتماعی در جامعه تضمین شود و حقوق و مزایای مسئولین به شکلی شفاف رصد شود، تا عموم مردم نسبت به محفوظ بودن حق خود اطمینان داشته باشند تا برای پیشرفت خود متوسل به راه‌های غیرقانونی نشوند

امام علی علیه‌السلام:
خوش‌ترین زندگی،
زندگی با قناعت است.
غرالحکم، ح ۲۹۱۸

